



پوهنتون کابل
پوهنځی شرعيات
ديپارتمنت عقیده و فلسفه

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، 85)

شناخت ومقارنه مختصراډيان جهان

(کتاب درسی)

مؤلف: پوهاند محمد ابراهيم ابراهيمي

کابل، 1388هـ. ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه:
3.....	فصل اول: موضوعات مقدماتی تاجع به اهلن
4.....	درس اول: تعریف و چگونگی تحقیق در مورد شناخت اهلن
11.....	درس دوم: تقسیمات مختلف اهلن
18.....	درس سوم: پیشینه تاریخی معتقدات اهلن
25.....	درس چهارم: طهت پرستی و روح پرستی
29.....	درس پنجم: چگونگی حضور اهلن در برخی کشور های جهان
33.....	فصل دوم اهلن متروکه جهان
34.....	درس اول: دین اهلن النهری
39.....	درس دوم: دین اهلن، فروگن و فریگن
43.....	درس سوم: دین مصرلن قدس
49.....	درس چهارم: اهلن کوچک اروپایی
54.....	درس پنجم: ارقام جدی در مورد اهلن مختلف جهان
60.....	فصل سوم اهلن هندوستان
61.....	درس اول: دین ودایی
66.....	درس دوم: دین برهمنی و دین هندویی معاصر
73.....	درس سوم: دین بودایی
78.....	درس چهارم: دین جایی
83.....	درس پنجم: حرکات دینی قبل از دین سکهی
88.....	درس ششم: بابا نانک و دین او
94.....	فصل چهارم اهلن بزرگ چین و جاپان
95.....	درس اول: دین شیون در جاپان
100.....	درس دوم: دین لائوتسه و کنفوسیوس
106.....	فصل پنجم اهلن قلم ایران و افغانستان
107.....	درس اول: اهلن ایران قدس و دین زرتشت
114.....	درس دوم: چگونگی دین زرتشت در افغانستان قبل از اسلام



.....118.....	درس سوم: چگونگی دینی بودایی در افغانستان قبل از اسلام
.....124.....	فصل ششم ادلن منسوع سماوی
.....125.....	درس اول: ادلن سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام
.....131.....	درس دوم: ادلن سماوی بعد از حضرت یعقوب علیه السلام
.....136.....	درس سوم: حضرت موسی علیه السلام و دینی وی
.....145.....	درس چهارم: حضرت عیسی علیه السلام و دینی وی
.....154.....	فصل هفتم دین مقدس اسلام
.....155.....	درس اول: چگونگی اعتقادات عربهای جاهلیت و ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
.....162.....	درس دوم: قرآن کریم
.....169.....	درس سوم: ارکان ایمان
.....175.....	درس چهارم: ایمان داشتن به معجزات
.....181.....	درس پنجم: عبادات و معاملات
.....188.....	فصل هشتم چگونگی مقارن ادلن
.....189.....	درس اول: مقارن ادلن بزرگ جهان
.....195.....	درس دوم: عدم لزوم مقارن دین مقدس اسلام با ادلن وضعی
.....195.....	درس سوم: مقارن دین مقدس اسلام با ادیان سمای
.....205.....	مأخذ :

مقدمه:

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ وَ مَنْ يَضَلِّهِ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

مضمون مقارنه ادیان که کتاب « شناخت و مقارنه مختصر ادیان جهان » به منظور تدریس بهتر آن تالیف گردیده یکی از مضامین اختصاصی پوهنچی های شرعیات کشور بوده که در تمام رشته های این پوهنچی ها در جنب سایر مضامین علوم اسلامی گنجانیده شده است تا محصلان اصول اعتقادی و امور عملی تمام ادیان بزرگ جهان معاصر را به خوبی بدانند و از طریق شناخت آن به حقانیت اصول اعتقادی و امور عملی دین مقدس اسلام پی ببرند چه اشیاء با شناخت اضداد آن خوبتر شناخته میشوند (تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا). در این اواخر برخی صحبت از تقارب بین ادیان کرده و برخی صدای پلورالیزم دینی یا کثرت گرایی دینی را بلند نموده و تعدادی هم از هجوم دینی و فرهنگی غرب علیه کشورهای اسلامی و شرقی تشویش نشان میدهند که با نظر داشت امور فوق موجودیت مضمونی بنام شناخت ادیان در کریکولم درسی پوهنچی های شرعیات امر ختمی و ضروری به نظر میرسد تا محصلان رشته های علوم اسلامی با این قضایای جدید کلامی بر خورد علمی و منطقی نموده بتوانند. کتاب درسی حاضر دارای هشت فصل و هر فصل دارای درسهای مختلف میباشد، در فصل اول موضوعات مقدماتی راجع به ادیان بحث شده و در فصل دوم از ادیان متروکه و غیر فعال جهان بحث بعمل آمده و فصل سوم ادیان هندوستان را بررسی کرده و فصل چهارم به تحقیق ادیان چین و جاپان پرداخته و فصل پنجم ادیان قدیم ایران و افغانستان را به بحث گرفته و در فصل ششم ادیان منسوخه سماوی مورد بررسی قرار گرفته و فصل هفتم اختصاص یافته به شرح و بررسی نظام اعتقادی و نظام عملی دین مقدس اسلام و بالاخره در فصل هشتم به مقارنه ادیان و از جمله به مقارنه دین مقدس اسلام با برخی ادیان پرداخته شده است و کار این کتاب با معرفی لست مفصل از آن مأخذ معتبری به پایان برده شده که در غنای و باروری این اثر از آنها استفاده صورت گرفته است.

این کتاب به شیوه جدید درسی تحقیق و تالیف شده و هر فصل حاوی دروس متعدد است، در ابتدای دروس بعد از معرفی عنوان درس، اهداف تدریس آن درس ذکر گردیده و بعد مطالب

درس و نکات اساسی موضوع توضیح و تشریح شده و در اخیر درس تمرینی که حاوی سوالات مختلف است آورده شده است و هم توجه استادان محترم و محصلان ارجمند به فعالیت صنفی و کار عملی جلب گردیده تا از طریق آن مراجع معتبر و مواد درسی لازم را مورد استفاده وسیع خود قرار دهند.

با استفاده از فرصت لازم به تذکر میدانم تا از محترم پوهنوال عبد الجلیل یوسفی استاد پوهنهی شرعیات پوهنتون کابل ابراز سپاس و شکران نمایم که این کتاب را سر تا پا مطالعه نموده و تقریظ مساعد مبنی بر طبع این کتاب را ارائه داشته است. و هم در اخیر از اساتید محترم و مدرسین گرامی خواهشمندیم اگر به اغلاط تایپی بر میخورند و یا در تحلیل مطالب این کتاب مشکلی را ملاحظه میفرمایند با بزرگواری شان خود به رفع و حل آن برای محصلان ارجمند بپردازند.

با عرض حرمت

پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی

فصل اول

موضوعات مقدماتی راجع به ادیان



درس اول

تعریف و چگونگی تحقیق در مورد شناخت ادیان

اهداف:

- 1 - توضیح و درک کامل تعریف، موضوع و غرض علم ادیان.
 - 2 - آماده ساختن زمینه برای جروبخت محصلان در مورد مفیدیت تدریس مضمون شناخت و مقارنه ادیان.
 - 3 - بیان مطالب ضروری راجع به تحقیق در مورد ادیان مختلف در سطح جهان، منطقه و کشورما.
- اگر ما زندگی جوامع انسانی را در گذشته و حال به دقت بررسی و تحقیق کنیم به بسیار آسانی معلوم میشود که اعتقادات دینی از خصائص جوهری آنها بوده و قویاً بر روح و روان آنها تسلط داشته است. پلوتارک مورخ معروف قرن اول میلادی یونان در این زمینه گفته است: « زمانیکه شما به سفر و گردش در جهان مشغول هستید حتماً شهرها و دهات زیادی را از نزدیک مشاهده میکنید شما شهرها و دهاتی را شاید ببینید که دیوارها ندارد، شهرها و دهاتی را دیده باشید که رهبر و زعیم نداشته باشد و هم شهرها و دهاتی را دیده اید که نه خزانه ها دارد و نه محلات تفریح، ولی به هیچ صورت شما شهر و یا دهی را ندیده باشید که در آن معبدی برای عبادت وجود نداشته باشد ».
- گفته پلوتارک حقیقت دارد هیچ کشور، شهر، ده، نژاد و قبیله ای وجود ندارد که به نحوی از انحاء دارای اعتقاد دینی نباشد. آنانیکه دارای زندگی بسیار ساده و بدوی اند و فاقد امتیازات زیادی مادی و معنوی میباشند ولی نظریات و باورهای دینی بقوت در بین آنها وجود دارد و به عالم روحانی معتقد و به شکلی مصروف عبادت و پرسش یک وجود متعالی اند و این حقیقت در طول تاریخ زندگی انسانها با آنها همراه بوده است.
- دین از خصوصیات انسان و جامعه انسانی است. علمای منطق به این عقیده اند که منطق و اندیشیدن یکی از خصوصیات انسان است که او را از سایر حیوانات ممتاز میسازد و از همین جهت است که انسان را به « حیوان ناطق و متفکر » تعریف نموده اند، این تعریف بسیار خوب، جامع و مانع انسان است اما شده میتواند که ما در عوض آن این تعریف را نیز بکار ببریم: « انسان حیوانی است دیندار » این تعریف هم انسان را از سایر حیوانات کاملاً جدا

میسازد. حیوانات دیگری شاید در برخی صفات نسبت به انسان قویتر باشند مانند قوت در حس شامه، حس باصره، حس سامعه، قوت در بدن و بزرگی جسامت ولی تا جاییکه تحقیقات در مورد حیوانات صورت گرفته تا حال هیچ حیوانی علامه ای از یک زندگی دینی را از خود تبارز نداده است. در اینجا هدف از دیندار بودن طبعاً یک مفهوم عام آن است که لااقل افکاری در ارتباط به چگونگی خلقت جهان و انسان و داشتن یک زندگی مورد قبول خاطر وجود داشته چنانچه در این تعریف دین میخوانیم «دین عبارت است از جستجو جمعی برای یک زندگی کاملاً رضایت‌مندانه». انسان وقتی به سوالات زیر جواب دهد حتماً به فکر ضرورت وجود یک زندگی مورد رضایت می افتد و البته پاسخ منطقی به این سوالات در این راه به او کمک میکند که از کجا آمده است؟ و به کجا میرود؟ هدف از این آمد و رفت چیست؟ چگونه میتوانیم این رفت و آمد را تنظیم بهتر کنیم؟ و در نتیجه آرامش خاطر داشته باشیم؟ ولی اگر دیندار بودن را به معنی خاصی آن در نظر گیریم در اینصورت هستند تعدادی از انسانهاییکه به کدام نظام دینی خاصی معتقد نمیباشند.

تعریف دین:

تعریفی که مورد اتفاق همه دانشمندان و علماء دین شناس باشد برای دین تا هنوز صورت نگرفته است و تعریفاتی که تا اکنون صورت گرفته ذیلاً ذکر میگردد:

علماء و متکلمین اسلامی دین را در لغت بمعنی اطاعت دانسته چنانچه «دَانِ النَّاسَ»، به «قَهَرَهُمْ بِالطَّاعَةِ» و «لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» به «لَا يُطِيعُونَ طَاعَةَ الْحَقِّ» ترجمه شده است و در اصطلاح آنرا چنین تعریف نموده اند: «الدِّينُ هُوَ الْإِعْتِرَافُ بِاللَّسَانِ وَالْإِعْتِقَادُ بِالْجَنَانِ وَالْعَمَلُ بِالْأَرْكَانِ» و یا: «الدِّينُ وَضْعُ إِلَهِيٍّ لِأُولَى الْأَلْبَابِ يَتَنَاولُ الْأُصُولَ وَالْفُرُوعَ» (2:12).

دکتر بهاء الدین بازارگاد در کتاب خود «تاریخ و فلسفه مذاهب جهان» برای دین یا به اصطلاح خودش «مذهب» اینطور تعریف را انتخاب نموده است: «دین عبارت است از رابطه بین محدود و نا محدود یا رابطه بین فنا و ابدیت و یا وسیله ای که آدمی را به درک سبب وجود خویش بسوی چیزی و راء وجود خودش هدایت کند.» «برخی مستشرقین و علمای غرب در این اواخر برای «دین» تعاریفات متفاوتی نموده اند که بطور مثال میتوان تعاریفات

ذیل را در اینجا ذکر نمود:

« دین مجموعه کلی اعتقادات، احساسات و اعمال انفرادی یا اجتماعی است. »
 « دین عبارت از ارتباط انسان با قوای ما فوق انسانی است که آدمی به آنها اعتقاد داشته و خود را وابسته به آنها میداند. »
 « دین مجموعه ای از اعتقادات و اعمال مربوط به اوامر و نواهی میباشد، این اعتقادات و اعمال تمامی آنانی را که به آن معتقد میشوند در حیطه امت معنوی واحد بنام جماعت مومنین متحد میسازد. »
 اما تعریف نسبتاً جامع و مانعی را که از دین صورت گرفته میتوان اینطور جمله بندی نمود :
 « دین عبارت است از نهاد اجتماعی که صفت شاخصه آن وجود امتی است که افراد آن در امور ذیل با هم توافق دارند:

الف - پذیرش برخی دستورات و اجرای بعض مناسک و شعائر.

ب - عقیده داشتن به یک ارزش مطلق که چیزی مماثل به آن شده نتواند.

ج - ارتباط دادن فرد با قدرت معنوی مطلق و عالتر از انسان که به شکل شرک،

ثنویت، تثلیث و تو حید تبارز میکند « (29:8).

موضوع علم ادیان :

در این علم نظامهای مختلف دینی مورد بحث قرار داده میشود، از بررسی نظریات دینی انسانهای ابتدایی گرفته تا نظامهای بزرگ دینی سماوی و وضعی همه موضوع بحث این علم را تشکیل میدهند.

در این علم بحث میشود: ادیان سماوی چگونه ظهور نموده و توسط کدام پیامبران الهی علیهم السلام رسانیده شده است؟ اولین نظریات و ادیان انسانهای ابتدایی که بعدها در جنب ادیان و شرائع سماوی وجود داشته چگونه وضع گردیده؟ بزرگترین ادیان وضعی و بشری به چه ترتیبی تاسیس و تبلیغ شده است؟ وضع کنونی ادیان فعال معاصر از چه قرار است؟ معتقدات اساسی، عبادات، اجرای اعمال دینی، موازین اخلاقی و تنظیم روابط انسانی در ادیان چگونه معین گردیده است؟ این همه آن مطالبی است که در علم ادیان مورد بحث قرار میگیرد.

غرض و غایه علم ادیان:

دین خواست فطرت انسانی است و در وجود انسان احساس و تمایل قوی نسبت به آن وجود دارد پس غرض و غایه مهم دین اشباع نمودن خواسته های فطری انسان در این مورد میباشد. شناخت و مقارنه ادیان که معلومات دقیقی را در رابطه با ادیان برای محصلان ما ارائه میدارد در زمینه این غرض و غایه دین، آنها را کمک میکند تا اصول و فروع همه ادیان را بخوبی شناخته و بعد از مقایسه و مقارنه، دین بر حق و مقدس اسلام را از بین ادیان باطله تشخیص و آنرا برنامه زندگی خود قرار دهند.

چگونگی تحقیق در مورد شناخت ادیان:

جستجو علماء و جامعه شناسان در مورد شناخت ادیان از دوره های بسیار قدیمی وجود داشته است.

اولین تحقیق قدیمی ای که در این علم صورت گرفته در قرن - 6 - قبل از میلاد که یونان علایق وسیعی باملل متمدن آن عصر داشته و با معتقدات آنها آشنا بوده توسط گزنفون فیلسوف آتن انجام شده است. گزنفون یا گزنوفانس که درسالهای (480-570 ق.م) زندگی داشته شخصیت خداها را که بوسیله «همر» و «هزیود» معرفی شده مورد انتقاد قرار داده است، زیرا آنها خدایان را بی اهمیت تر از آنچه باید باشند نشان داده اند، گزنفون معتقد است: خدایان طوریکه مردم تصور میکنند نیستند، آنها مانند انسان یا حیوان موجود معین و محدود نبوده و مانند انسانها اعضای حسی ندارد، الله باید یکی باشد و به نیروی عقل، جهان را اداره کند و در همه جا حاضر باشد (14: 14-18)، این نظر گزنفون در مورد الله جل جلاله خیلی نزدیک و شبیه است بانظر ادیان سماوی که با اولین انسان و پیامبر روی زمین حضرت آدم علیه السلام سلسله آنها آغاز و با ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خاتمه یافته است.

پدر مورخان هرودوت (425-483 ق.م) و سیسرون رومی (106-43 م) و سالوست رومی (86-34 م) و پلوتارک مورخ یونانی (قرن اول میلادی) و لوسیان (قرن دوم میلادی) همه آنها از خدایان متعدد یونان و روم و هم از آلهه و خدایان معاصر خود که میشناخته اند کم و بیش سخن گفته اند.

تحقیقاتی که در قرون وسطی (ازقرن پنجم میلادی تا قرن پانزدهم میلادی) در غرب در

عرصه علم و شناخت ادیان صورت گرفته توأم با تعصب و تحجر بوده و مورد اعتقاد و باور همگان واقع شده نمیتواند (12: 5-6). وهم اصلاً در این قرون در مورد شناخت ادیان تحقیقات متعدد و قابل پذیرشی بعمل نیامده است. بعد از آن در قرون 17 و 18- راه برای تحقیقات دقیق و حساب شده باز گردیده و بر غنای هر چه بیشتر این علم افزوده میشود. پس از قرن 18- میلادی بود که تعدادی از دانشمندان جامعه شناس اروپا تحقیقات زیادی را در مورد شناخت ادیان قدیم و جدید بعمل آوردند. این تحقیقات در مورد جوامع اسکیموهای گروئنلند و اقوام ابتدایی ساکن استرالیا و امریکای شمالی صورت گرفت، علمای جامعه شناس اواخر قرن 19- و اوائل قرن 20- نیز علاوه بر تحقیق در نهادهای اجتماعی و از جمله نهادهای دینی اقوام، نحوه تکوین و تکامل، رشد و تحول نهادهای مزبور را در اعصار بسیار قدیم تا دوره معاصر به شیوه ها و روشهای مختلف مورد بحث و تحقیق قرار داده اند. از طرف جامعه شناسان و محققان اروپایی حفريات زیادی در مناطق مختلف جهان بعد از قرن 17- صورت گرفته، کشور مصر، کشور عراق (بین النهرین) از جمله آن کشور هایی گفته میشوند که این حفريات و تحقیقات وسیعاً در آنها صورت گرفته است. از سال 1824-1879 میلادی اروپائیان توجه خاصی به تحقیقات باستانشناسی در کشور ما نیز نموده اند در اثر حفريات، مسکوکات، کتیبه ها و مجسمه های زیادی در مناطق مختلف کشور بدست آمده است، این مناطق عبارت است از جلال آباد، برخی جاها در کابل مانند چکری، شیوه کی، کمری، خواجه صفا، شهدای صالحین، تپه سلام، گردنه علی آباد، تپه مرنجان، مناطق مختلف ولایت بامیان، منطقه سیاکرد غوربند، نوبهار بلخ و غیره مناطق (2: 35-116).

ناگفته نباید گذاشت که جامعه شناسان و محققان اروپایی ادعا دارند که تحقیقات در مورد ادیان را از همه اولتر آنها آغاز کرده اند که این ادعا حقیقت نداشته و علاوه از آن، تحقیقات آنها در برخی موارد با نظر متعصبانه نیز همراه بوده است، بعد از تجدید علوم و فنون در اروپا زمینه آن مساعد شد که اروپائیان بر اقوام آسیایی و افریقایی تسلط استعماری خود را قائم سازند و بمنظور ادامه و تحکیم تسلط استعماری خود مستشرقین غربی وظیفه گرفتند تا ادیان و مذاهب مناطق تحت تسلط خود را مورد تحقیق قرار دهند، به ناقص جلوه دادن ادیان و مذاهب آنها پرداخته و زمینه اختلافات بین ملل ساکن در این دو قاره را آماده کرده تا در نتیجه، راه برای استثمار و استغلال بیشتر این ملل آماده شود، برخی مستشرقین کوشیده اند تا دین اسلام را با یک چهره غیر واقعی به معرفی بگیرند و در مقابل دین مسیحیت را یک دین

مطبوع ومورد رغبت جوامع انسانی معرفی کنند، این نوع قضاوت آنها نشان دهنده آنست که در راستای تحقیق آنها از تعصب خاصی دینی کار گرفته شده است.

دانشمندان اسلامی درمورد تحقیق ادیان زحمات زیادی را متحمل شده و با استفاده از نصوص قرآنی و احادیث نبوی در این زمینه حقایق غیر قابل انکاری را بیان داشته اند. قرآنکریم اولین کتابی است که با تفصیل از ادیان و ملل قدیم یاد آوری نموده، ادیان حقّه سماوی را با پیامبران آنها بیان داشته و از موقف مشرکان، بت پرستان، ستاره پرستان، آتش پرستان، و طبیعت پرستان در برابر ادیان الهی سخن گفته است. مفسرین قرآنکریم در مورد تحقیق ادیان خدمات قابل قدری را انجام داده که در زمینه میتوان از ابن کثیر، جلال الدین سیوطی، جلال الدین محلی، نسفی، ابن جریر طبری، فخر الدین رازی، علامه زمخشری، علامه الوسی، ناصرمکارم شیرازی، قاضی بیضاوی و غیره مفسرین رحمة الله تعالی علیهم اجمعین نام برد.

علمای علم عقاید و کلام اسلامی نیز به سهم خود راجع به ادیان و مذاهب ملل مختلف تحقیقات با ارزشی نموده که در این زمینه میتوان از عبد الکریم شهرستانی، البیرونی، ابن حزم ظاهری، ابن تیمیه ودیگر محققین رحمة الله تعالی علیهم اجمعین یاد آوری کرد.

تمرین :



- 1 - سخن معروف پلوتارک یونانی را در مورد اینکه دین یکی از خصوصیات مهم جامعه انسانی است چگونه توضیح نموده می‌توانید؟ با اختصار ذکر کنید.
- 2 - اگر دیندار بودن را به معنی عام آن در نظر گیریم آیا می‌توانیم انسان را با ویژه گی تدین تعریف نموده و از سائر حیوانات ممتاز سازیم ؟
- 3 - دین را از نظر علمای اسلامی تعریف نموده در مورد جامع و مانع بودن آن بحث کنید؟
- 4 - از جمله تعریفاتی که از طرف مستشرقین راجع به دین صورت گرفته کدام یکی از جامعیت و مانعیت بیشتری برخوردار می‌باشد؟ درباره آن معلومات مختصر دهید.
- 5 - از مطالعه تعاریفات مختلف دین چگونه می‌توانید به دریافت موضوع آن دست یابید؟ شرح دهید.
- 6 - ماچطور می‌توانیم از طریق مطالعه و مقارنه ادیان مختلف به حقانیت دین مقدس اسلام پی ببریم؟ این موضوع را وسیعاً مورد جروبحت قرار دهید.
- 7 - اولین نظریات علمای یونان و روم را در مورد مطالعه و تحقیق ادیان بیان داشته و دوام یافتن این تحقیقات را تا قرون معاصر با اختصار ذکر کنید.
- 8 - مناطق مهمی که در سطح جهان تحقیق دینی در آن صورت گرفته نام گرفته و این تحقیقات را بعد از قرون 17 و 18 میلادی در مناطق مختلف کشور خود ما نیز شرح دهید.
- 9 - با استفاده از وسائل درسی در مورد مفیدیت تدریس مضمون شناخت و مقارنه ادیان کار گروهی را انجام دهید.

درس دوم



تقسیمات مختلف ادیان

اهداف:

- 1 - کسب مهارت را جع به تقسیم بندی ادیان از نظر علمای دین و شریعت مقدس اسلام.
 - 2 - کسب مهارت در مورد تمام تقسیم بندیهای معروف ادیان بشریت.
 - 3 - فراهم ساختن زمینه جهت بحث روی نکات بحث انگیز تقسیم بندیهای مختلف ادیان.
- در مورد تقسیمات ادیان روشها و طریقه های مختلفی از سوی دین شناسان بکار گرفته شده که در ذیل ابتداءً تقسیم بندی علمای دین اسلام و بعد تقسیم بندیهای جامعه شناسان را به بحث میگیریم:

(1) علماء و دانشمندان دین و شریعت مقدس اسلام ادیان را بدو دسته: ادیان سماوی و ادیان وضعی تقسیم نموده اند. ادیان سماوی و الهی ادیانی اند که از جانب الله واحد و لاشریک بدستهای توانای پیامبران الهی بصورت وحی الهی برای رهنمایی بشر فرستاده شده، سلسلهٔ این ادیان از اولین انسان و پیامبر روی زمین ابو البشر حضرت آدم علی نبینا وعلیه السلام آغاز گردیده و به آخرین پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خاتمه یافته است.

ادیان وضعی به اشکال گوناگون و با استفاده از غریزهٔ دینی انسانها پیریزی و به رشد و توسعه خود ادامه داده اند مانند دین ودائی، دین برهمایی، دین هندوئی، دین بودائی، دین جابینی، دین زرتشت، دین شینتو، دین لائوتسه، دین کنفوسیوس و غیره ادیان وضعی. قابل یادآوری است که انسانها در ابتدا موحد بوده، شرک و انواع مختلف بت پرستی بعدها توسط ادیان وضعی اقوام ابتدایی به میان آمده است.

(2) برخی جامعه شناسان ادیان جهان را بدو دستهٔ فعال و غیر فعال تقسیم نموده اند. ادیان فعال عبارت از آن ادیانی اند که در عصر کنونی فعالیت داشته و دارای پیرو بوده و هم برخی آنها رو به توسعه و پیشرفته میباشند، تعداد این ادیان در حدود 11 دین بوده و عبارت اند از:

دین هندویی، دین زرتشت، دین بودایی، دین جایی، دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس، دین شینتو، دین سکهی، دین یهودی، دین مسیحی و دین مقدس اسلام. ادیان غیر فعال عبارت از آن ادیان متروکی اند که در گذشته بعنوان ادیان فعال پیرو داشته ولی در زمان حاضر فعالیت خاصی ندارند اما برخی از آنها شاید در تکوین و شکل گیری بعضی ادیان فعال معاصر تاثیر ویژه ای داشته اند مانند ادیان مصریان قدیم در کشورهای افریقایی، ادیان قدیم بابل و آشور مربوط اقوام حیتی و فینیقی، ادیان روم و یونان قدیم، ادیان تیوتونی و سلطت کشورهای اروپایی، ادیان مکزیکی و پیرویی قدیم در امریکا، ادیان میتراپی ومانی در آسیای صغیر.

3) تقسیم بندی دیگریکه از سوی جامعه شناسان صورت گرفته به اساس نفوس و جمعیت پیرو ادیان است. این تقسیم بندی اکثراً دقیق نبوده و بعضاً متعصبانه نیز میباشد. این تقسیم بندی گاهی تابع آن محققان میشود که آمار پیروان ادیان را جمع آوری میکنند که آیا آنها واقعاً یک تحقیق آزاد و بیطرفانه نموده و یا تحت تاثیر ادیان خود قرار میگیرند، یکی از این نمونه های تحقیق، آمارگیری رابرت هیوم است که بیشتر از نیم قرن قبل در کتاب معروفش «ادیان زنده جهان» ارائه شده و قرار ذیل میباشد:

- 1 - دین مسیحیت 835 میلیون نفر.
- 2 - دین کنفوسیوس 300 میلیون نفر.
- 3 - دین اسلام 420 میلیون نفر.
- 4 - دین هندویی 322 میلیون نفر.
- 5 - دین بودایی 275-150 میلیون نفر.
- 6 - دین تائو (لائوتسه) 50 میلیون نفر.
- 7 - دین شینتو 79 میلیون نفر.
- 8 - دین یهودی 12 میلیون نفر.
- 9 - دین سکهی 6، 2 میلیون نفر.
- 10 - دین جایی 1، 6 میلیون نفر.
- 11 - دین زرتشتی 14، 0 میلیون نفر.

این آمار گیری با اینکه از جانب خود محقق هم تقریبی گفته شده اما تعداد مسلمانان در

آنوقت نظر به آمار نامه های رسمی در حدود 800 میلیون الی یک میلیارد نفر پیرو ذکر شده است.

(4) تقسیم بندی دیگری که از جانب جامعه شناسان صورت گرفته به اساس تاریخ ایجاد هر دین است که معمولاً سال تولد مؤسس هر دین را معتبر دانسته اند. به اساس این معیار، ادیان فعلاً موجود و فعال جهان طور ذیل لست بندی میگردد:

- 1 - دین هندویی 1500 تا 2000 سال پیش از میلاد مسیح (زمان هجوم اقوام آریایی به هند).
- 2 - دین یهودی 1200 الی 1500 سال پیش از میلاد مسیح (زمان تقریبی حضرت موسی علیه اسلام).
- 3 - دین شینتو 660 سال پیش از میلاد مسیح (دوره اولین امپراتور جاپان).
- 4 - دین زرتشتی 660 سال پیش از میلاد مسیح (آخرین تاریخ احتمالی زرتشت).
- 5 - دین تائویی 604 سال پیش از میلاد مسیح (بنیانگذار اسمی، لاؤتسه).
- 6 - دین جایی 599 سال پیش از میلاد مسیح (بنیانگذار اسمی، ماهویرا).
- 7 - دین بودایی 560 سال پیش از میلاد مسیح (زمان تقریبی تولد بودا).
- 8 - دین کنفوسیوس 551 سال پیش از میلاد مسیح (زمان تقریبی تولد کنفوسیوس).
- 9 - دین مسیحیت 4 سال پیش از تاریخ مشترک مسیحیت و یهودیت (زمان تقریبی تولد حضرت عیسی علیه السلام).
- 10 - دین مقدس اسلام 570 میلادی (تاریخ دقیق تولد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم).
- 11 - دین سکھی 1469 میلادی (تاریخ دقیق تولد گورو نانک) (42: 29-31).

(5) برخی جامعه شناسان ادیان جهان را به اساس منشاء جغرافیایی تقسیم بندی نموده اند، در این تقسیم بندی قاره آسیا بستر تولد تمام ادیان فعال معاصر جهان گفته شده است:

- 1 - ادیانیکه از غرب آسیا نشأت کرده عبارت اند از: دین یهودی، دین زرتشتی، دین مسیحی و دین مقدس اسلام.
- 2 - ادیانیکه از آسیای جنوبی ناشی شده عبارت اند از: دین هندویی، دین جایی، دین بودایی و دین سکھی.

3 - ادیانیکه از آسیای شرقی سرچشمه گرفته عبارت اند از: دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس و دین شینتو.

(6) برخی جامعه شناسان ادیان جهان معاصر را به اساس چگونگی تصویری که در ابتداء از الله جل جلاله داشته قرار ذیل تقسیم بندی نموده اند:

1 - دین هندویی، دین کنفوسیوس و دین شینتو در ابتداء به اساس شرک ایجاد گردیده اند.

2 - دین بودایی و دین جایی بدون اینکه بر وجود الله جل جلاله تاکید کنند ایجاد گردیده اند.

3 - دین مقدس اسلام، دین بنی اسرائیل، دین مسیحی، دین تائو (لائوتسه)، دین زرتشت و دین سکھی ادیانی اند که در ابتدای آغاز و تاسیس خود به وجود الله جل جلاله معتقد بودند، و اینکه خداشناسی به چه شیوه ای در آن ادیان به بحث گرفته شده بحثی است جدا گانه.

(7) برخی جامعه شناسان ادیان معاصر جهان را به این اساس تقسیم بندی نموده که کدام دین بنام مؤسس آن شهرت یافته و کدام ادیان بنام مؤسسين آنها شهرت نیافته اند، بطور مثال دین زرتشت، دین کنفوسیوس، دین بودایی و دین جینی به نامها و یا القاب مؤسسين خود یاد شده اند در حالیکه برخی ادیان دیگر چنین نیست مانند دین مقدس اسلام، دین شینتو (راه خدایان) و دین سکھی (دین شاگردان).

(8) برخی جامعه شناسان ادیان معاصر را به دو دسته ادیان توحیدی و ادیان شرکی تقسیم بندی نموده اند. دین مقدس اسلام، دین بنی اسرائیل، دین مسیحیت و دین سکھی را در دسته اول ذکر نموده و شش دین باقیمانده را ادیان شرکی خوانده در حالیکه دین زرتشت را نیمه توحیدی شمرده اند، باید یاد آور شد که ماسوای دین اسلام در توحیدی بودن سایر ادیان ذکر شده ملاحظات جدی وجود دارند.

(9) برخی فلاسفه غرب تقسیمات ادیان را به یک شیوه جداگانه دیگر انجام داده اند که به چند نمونه آن ذیلاً اشاره میکنیم:

ویلیام فرید ریخ هیگل آلمانی ادیان جهان بشریت را به سه دسته ذیل تقسیم بندی نموده

است:

- 1 -ادیان اقتباس شده از طبیعت.
 - 2 -ادیانیکه از معتقدات روحانیت فردی نشأت کرده اند.
 - 3 -ادیان عمومی بطور مطلق.
- تیل جامعه شناس هالندی ادیان جهان بشریت را بدو دسته ناشی از طبیعت و ادیان مبتنی بر اصول اخلاق تقسیم بندی کرده است.
- برخی دیگری از جامعه شناسان ادیان را به سه دسته: ادیان قبایل و عشایر کوچک، ادیان ملتها و اقوام بزرگ، و ادیان بین المللی که مورد قبول اقوام و ملل متعدد است گروپ بندی نموده اند.
- علی اصغر حکمت نویسنده کتاب «تاریخ ادیان» تقسیم بندی ذیل را بیشتر منطقی و مورد قبول دانسته است، و در این تقسیم بندی ادیان به سه دسته ذیل تقسیم میگردد:
- 1 - ادیان ساده بدوی: اعتقاد بر اجسام و ارواح و پرستش اجداد مانند: آئیمیزم، توتیمیزم و فتیشیزم.
 - 2 - ادیان مبتنی بر اصول فکری و فلسفی، چون: دین بودایی، هندوئیسم و کنفوسیسم.
 - 3 - ادیان مبتنی بر اصول روحانی مثل: یهودیت، مسیحیت و دین مقدس اسلام (12: 22).
- ایس. ایم شاهد یک محقق اروپایی و مولف کتاب «دنیوالو مذهبونو پیژندنه او د ادیانو پر تلنه» که از طرف جمال الدین عرفان بزبان پشتو ترجمه شده ادیان عالم بشریت را به سه دسته ذیل تقسیم بندی نموده است:
- 1 -ادیان نژاد سامی و ادیان نژاد غیرسامی، در ادیان نژاد سامی دین یهودیت، دین مسیحیت و دین مقدس اسلام شامل میباشند ولی لازم به تذکر است که در دین مقدس اسلام تفوق نژادی وجود ندارد و رنگ مدار اعتبار نمیباشد، عرب بر عجم، سفید بر سیاه امتیاز نداشته بلکه معیار بهتری و کرامت تقوی و پرهیزگاری است و پس. در ادیان نژاد غیر سامی ادیان آریایی مانند دین هندو، دین جینی، دین سکهی و دین زرتشت شامل بوده چنانچه در ادیان منگولیایی، ادیان تائو

(لائوتسه)، کنفوسیوس، شیتو و دین اسلاف پرستی شمولیت دارند. دین بودایی مربوط آریاییها و منگولیاییها هر دو بوده اما به نظر برخی محققان دین بودایی مربوط منگولیاییها بوده نه آریاییها.

- 2 - ادیان الهامی و ادیان غیر الهامی که هدف از ادیان الهامی آن ادیانی اند که بر اساس وحی و الهام الله جل جلاله تشکیل شده باشند مانند دین یهودیت، دین مسیحیت و دین مقدس اسلام که هر سه دین مربوط به نژاد سامی نیز میباشد. ادیان غیر الهامی آن ادیانی اند که اساس آنها وحی و الهام الله جل جلاله نبوده بلکه از سوی برخی اشخاص و یا برخی جوامع وضع شده باشند.
- 3 - تقسیم بندی ادیان به اساس تاریخ ظهور آنها که راجع به آنها قبلاً معلومات ارائه شد (20: 37-39).

تمرین



- 1 - تقسیم بندی ادیان که از سوی علمای دین مقدس اسلام صورت گرفته و مورد تایید مسلمانان می باشد نام برده و آنرا مختصراً توضیح دهید.
- 2 - منظور از تقسیم بندی ادیان به فعال و غیر فعال چه بوده؟ با ارائه چند مثال بیان دارید.
- 3 - تقسیم بندی ادیان به اساس نفوس بعضاً در ارائه آمار متعصبانه است، این موضوع را با ذکر یک مثال شرح کنید.
- 4 - ادیان فعال معاصر همه در قاره آسیا بظهور رسیده اند، این موضوع را به کمک استاد مضمون جرو بحث نمایید.
- 5 - علی اصغر حکمت چرا تقسیم بندی خود را بیشتر منطقی دانسته؟ موضوع را مناقشه کنید.
- 6 - تقسیم بندیهای هیگل، تیل و ایس.ایم. شاهد را بصورت خلاصه ت ذکر دهید.
- 7 - محصلان با استفاده از وسائل درسی راجع به تمام تقسیم بندیهای ادیان، از یکدیگر خود سوالات مختصر را مطرح کنند.

درس سوم



پیشینه تاریخی معتقدات دینی

اهداف:

- 1 - توضیح مختصر سلسلهٔ بعثت انبیای الهی از حضرت آدم علیه السلام الی خاتم انبیاء صلی الله علیه وسلم.
 - 2 - توضیح سوالات اساسی که بر بنای ایمان فطری به ذهن انسان خطور میکند.
 - 3 - توضیح مختصر ادیان وضعی متروکه و فعال جهان.
- چنانچه در درس گذشته ادیان را بدو دسته ادیان سماوی و ادیان وضعی تقسیم بندی نمودیم هر دسته ای از این ادیان دارای یک پیشینهٔ تاریخی خاصی است که در ذیل راجع به هر کدام آنها معلومات مختصر ارائه میگردد:

پیشینهٔ تاریخی ادیان سماوی:

خداوند کریم جل جلاله بنابر اراده و حکمت بالغه اش خواست تا حضرت آدم علیه السلام را بعنوان اولین انسان و خلیفهٔ روی زمین خلق کند و بعد از تکمیل خلقتش کار اعمار زمین به دستان او آغاز گردد، از حضرت آدم علیه السلام و بی بی حواء نسل انسانها بروی زمین گسترش یافت و جوامع انسانی بمرور زمان تشکیل گردید، الله جل جلاله انسان را که یک موجود مکرم و با احسن تقویم است در تنظیم امور زندگی دنیوی و دست یابی به سعادت اخروی تنها نگذاشت بلکه در مقاطع مختلف زمانی، با ارسال رسل و انبیای کرام علیهم السلام او را رهنمایی درست نمود. حضرت آدم علیه السلام خود اولین نبی مبعوث الهی است و سلسله نبوت با او آغاز شده و تظاهر و بعثت حضرت سرور کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ادامه یافته است. پیامبران الهی جوامع انسانی را در امور دنیوی و دینی رهنمائی نموده، اوامر و نواهی او تعالی را به آنها رسانیده اند هر چند که برخی اقوام و ملل منحرف دعوت بر حق ایشانرا نپذیرفته ولی با آنها الله جل جلاله برای همه جوامع با بعثت پیامبران اتمام حجت کرده و هیچ قوم را معذب نخواهد ساخت تا زمانیکه به آن قوم بعثت پیامبری صورت نگرفته باشد، چنانچه میفرماید: وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا

(1: الاسراء، 15) ویا این قول خدای متعال جل جلاله: رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِّئَلَّا

يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (1: النساء)

(165). حضرت آدم علیه السلام در حدود یکهزار سال در بین فرزندان خود زندگی نموده و آنها را از طریق صحائف ده گانه و وحی الهی رهنمایی کرده است.

بعد از حضرت آدم علیه السلام حضرت شیث علیه السلام که پسر او میباشد به پیامبری مبعوث شده و دارای 50 صحیفه بوده و قوم خویش را رهنمایی نموده است.

حضرت ادریس علیه السلام پیامبر دیگر الهی است که 30 صحیفه الهی با خود داشته و

قرآنکریم در موردش میفرماید: « وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا

نَبِيًّا ۖ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٦﴾ (1: مریم، 56-57).

حضرت ادریس علیه السلام در بابل به دنیا آمد و 308 سال از حیات حضرت آدم علیه السلام را دریافت، وی اولین کسی است که بوسیله قلم نوشتن را آغاز کرد، او با پیروانش به طرف مصر هجرت نموده و مردم آنجا را به دین الله جل جلاله دعوت کرده است. در زمان وی مردم به 72 زبان تکلم میکردند که حضرت ادریس علیه السلام همه آن زبانها را یاد داشته تا هر قوم را به زبان خودشان رهنمایی کند چنانچه او تعالی میفرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ». میگویند او اولین شخصی است که قواعد و اصول سیاست مدن و فن شهر سازی را به قوم خود تعلیم داد و در زمانش در حدود 188 شهر اعمار گردید. زمان حضرت نوح علیه السلام فرار رسید و بنابر حدیث ابن عباس رضی الله تعالی عنه میان حضرت آدم و حضرت نوح علیه السلام ده قرن فاصله زمانی وجود داشته و همه مردم این مدت مومن به دین الله جل جلاله بودند، حضرت نوح علیه السلام اولین رسولی است به جانب اهل زمین بعد از طوفان، چنانچه حضرت آدم اولین نبی است برای جامعه نو بنیاد انسانی. الله جل جلاله در مورد او میفرماید: « إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ

أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (1: نوح، 1) او پنجاه سال

کم یکهزار سال در بین قوم خود زندگی کرد.

حضرت نوح علیه السلام به قومی مبعوث شد که بت ها را پرستش میکردند. پنج بت آنها

خیلی مشهور است و قرآن کریم نامهای آنها را ود، سواع، یغوث، یعوق، و نسر ذکر نموده که در اصل نامهای اشخاص صالح و یا نامهای فرشتگان مقرب میباشند که بعد بتهایی از آنها ساخته شده تا تعلیمات و خدمات شان فراموش نشود و آهسته آهسته بعنوان معبودان قوم نوح علیه السلام در آمده اند. حضرت نوح علیه السلام به تبلیغ احکام دین الله جل جلاله در بین قوم خود ادامه داد ولی گوش شنوایی کمتر وجود داشت تا اینکه او مامور به ساختن کشتی شد و طوفان عظیمی نازل گشت، حضرت نوح علیه السلام، اهل و پیروانش سوار کشتی شده و از طوفان نجات یافتند، فرزند مشرک وی کنعان از جمله غرق شدگان بود. او پدر ثانی انسانهای روی زمین بوده که از سه فرزندش سام، یافث و حام نشأت کرده اند. زمان ظهور حضرت ابراهیم خلیل الله میرسد فاصله زمانی او با نوح علیه السلام بیشتر از یکهزار سال میباشد، حضرت ابراهیم علیه السلام در بابل عراق دنیا می آید و قرآن کریم در موردش میفرماید: «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (1)

مریم، 41). او با پدر و خانم خود (ساره) از بابل بسوی شهر «حران» شام هجرت نمود. او به یک قوم فاسد که نمروود بن کنعان حکمران آن بود مبعوث شد و با اقامه براهین نیرومند به مبارزه علیه نمروود و قومش پرداخت، و با شکستادن بت ها یک برهان زیبایی را علیه آنان ارائه داشت، حضرت ابراهیم علیه السلام از حضرت ساره فرزندی داشت بنام اسحق علیه السلام که سلسله ظهور انبیاء بنی اسرائیل را تشکیل داد و از حضرت هاجر فرزندی بنام اسماعیل ذبیح الله داشت که سلسله ظهور انبیای عرب از او بوجود آمده است.

حضرت هود علیه السلام به قوم عاد مبعوث شد ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا﴾ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ﴿أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ (1: الاعراف، 65). قبیله عاد در سرزمین احقاف نزدیک یمن زندگی داشته و از اوامر انبیاء علیهم السلام همواره سرپیچی نموده است.

حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود مبعوث گردید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا﴾ (1: النمل، 45) قوم ثمود در منطقه حجر- که میان حجاز و شام

موقعیت دارد زندگی داشته و بت ها را پرستش نموده و در اثر نا فرمانی از هدایات حضرت صالح علیه السلام به عذابهای گوناگون سرنگون شدند مانند صاعقه (تندر)، صیحه (آواز بلند و مدهش) و رجفه (زمین لرزه).

حضرت لوط علیه السلام به قومی مبعوث میشود که از بدکار ترین مردم بوده و در شهر «سدوم» واقع در شرق اردن زندگی داشته اند، حضرت لوط علیه السلام از عمل بد و شنیع همجنس گرایی آنانرا همواره منع مینمود ولی آنها هیچگاهی سخن حق این نبی کریم را نمی شنیدند، قرآنکریم در مورد لوط علیه السلام و قومش چنین میفرماید: وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ

الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾ (النمل، 54-55)

تا اینکه الله جل جلاله بعد از دادن فرصت زیاد آنها را به سه عذاب مهلک: زیر و زبر کردن قریه ها، صیحه و سنگ باران، نیست و نابود ساخت (22: 275-282).

از حضرت اسحق علیه السلام بن ابراهیم علیه السلام حضرت یعقوب (اسرائیل) تولد شد و از او حضرت یوسف علیه السلام متولد گردید. همه آنها پیامبران الهی بوده و ادیان سماوی را تبلیغ نموده اند. حضرت شعیب علیه السلام، حضرت ایوب علیه السلام، حضرت یسع علیه السلام، حضرت ذوا الکفل علیه السلام، حضرت داود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت الیاس علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت هارون علیه السلام، حضرت یونس علیه السلام، حضرت زکریا علیه السلام، حضرت یحیی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام از جمله پیامبران الهی اند که برای اقوام منحرف و سرکش شان مبعوث شده و ادیان سماوی را که دارای اصول واحد اند تبلیغ نموده اند، این همه پیامبران علیهم السلام صرف آنانی اند که قرآنکریم از آنها یاد آوری نموده در حالیکه تعداد همه انبیای مبعوث الهی بیشتر از 120 هزار تن میباشد که از جمله صرف 313 تن آنها رسول اند و این رقم در حدیث ابی امامة از ابوذر و رسول کریم صلی الله علیه و سلم روایت شده است.

واخرین این همه ده ها هزار تن پیامبر، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم سالار انبیاء و سرور کائنات میباشد که کتابش ناسخ تمام کتب سماوی و رسالتش نقطه پایان همه رسالات الهی است.

پیشینه تاریخی ادیان وضعی:

چنانچه همه میدانیم انسان یک موجود فطرتاً مایل به خداشناسی است و این فطرت را الله جل جلاله در ازل در ذریه بنی آدم نهاده و خود شانرا برآن شاهد ساخته است، چنانچه او تعالی میفرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ^ط قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ^ط أَفْتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ (1: الاعراف، 172-173). ویا این قول الله جل جلاله: «فَظَرَّتْ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ^ط» (1: الروم، 30) وهم این قول قرآنکریم در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾ (1: الزخرف 26-27) ویا هم این حدیث رسول کریم صلی الله علیه وسلم: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصْرَانِهِ أَوْ يُمَجَّسَانِهِ». از آیات کریمه قرآنی و حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بوضاحت فهمیده میشود که انسانها همه به فطرت سلیم خلق میشوند ولی بعد پدر و مادر، جامعه و معاشره انسانی است که این فطرت سلیم را یا به راه و طریق حق رهبری میکنند چنانچه پیامبران الهی و پیروان شان این چنین کرده اند و یا اینکه این فطرت را به راه و طریق نادرست سوق داده و آنرا تابع نظریات آزاد و ادیان وضعی و خود ساخته خود میسازند.

جامعه شناسان میگویند: اگر بتاریخ زندگی بشر نظر اندازی نماییم معلوم میشود که بشر از همان ابتدای پیدایش همواره در جستجو کشف حقایق و نفوذ در بطن مجهولات این جهان سراپا ابهام و رمز بوده و از جمله میخواست بداند که آیا این جهان ازلی و ابدی است یا حادث و فنا شونده؟ خالق دارد یا خود خلق شده است؟ اگر خالق دارد آن خالق چگونه است و

دارای چی صفاتی است؟ سرنوشت انسان در این جهان پر از هزاران حیرت و تعجب چگونه خواهد بود؟ خلق انسان روی هدفی صورت گرفته یا او موجودی است بی هدف؟ آیا درقبال اعمال نیکو و زشت انسان ثواب و عقابی وجود دارد یاخیر؟ اگر وجود دارد کیفیت آن چگونه خواهد بود؟ چه کس با ما محاسبه خواهد کرد؟ آیا محاسب اعمال نیک و بد ما از ماچه توقعی دارد؟ اطاعت و عبادت برای حصول رضای او امر ضروری است یا چطور؟ این همه سوالاتی است که در ذهن هر انسان (اعم از بدوی و متمدن) خطور میکند و از نظر آنها این سوالات آهسته آهسته زمینه را برای آن مساعد ساخته تا انسان بدوی و ابتدائی در پهلوی ادیان سماوی راه خداشناسی را در پیش گیرد و به ذات بالاتر از خود معتقد شود و در وقت مشکلات و سختیها بنام او اطاعت و عبادت کند و قربانی انجام دهد تا رضای او را حاصل نماید (17: 22).

از نظر جامعه شناسان، ماسوای ادیان سماوی، ابتدایی ترین اشکال دین در اقوام ابتدایی عبارت از طبیعت پرستی (توتمیزم) و روح پرستی (فتی شیزم) میباشد که در آنها موجودات پاک از اجرام سماوی و ارضی بعنوان «توتم» انتخاب گردیده و یک موجود غیرطبیعی در همه چیز نافذ بعنوان معبود پرستش میشود و هم ارواح نیاکان عبادت میگردد. ادیان وضعی بدو دسته متروک و فعال تقسیم میشوند که درادیان متروکه جهان باستان ادیان وضعی مصریان قدیم، ادیان وضعی بابلیان و آشوریان، ادیان وضعی اقوام فینیقی و حیتی، ادیان وضعی مترائی ومانی، ادیان وضعی یونان و روم قدیم و ادیان وضعی تیو تونی و سلت اروپا شامل میباشد.

ادیان وضعی معاصر که سابقه زیاد دارند به ترتیب عبارت اند از دین ودایی، دین برهمایی، دین هندویی، دین بودایی، دین جایی، دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس، دین شینتو، دین زرتشت، دین سکهی وسایر ادیان خورد و کوچک.

تمرین :



- 1 - تقسیم ادیان از لحاظ پیشینه تاریخی به کدام دسته ها بیشتر مورد پذیرش ما قرار گرفته میتواند؟ توضیح مختصر کنید.
- 2 - سلسله پیشینه تاریخی ادیان سماوی از دین حضرت آدم علیه السلام آغاز میگردد، شما این سلسله را چگونه میتوانید با ارائه آیات کریمه قرآنی اثبات و تایید کنید؟
- 3 - حضرت ادریس علیه السلام در کدام مقطعی از زمان زندگی نموده و از کارها و مهارتهای مهم او تذکر بعمل آورید.
- 4 - راجع به زندگی و مبارزات حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام معلومات کوتاه ارائه دهید.
- 5 - حضرت هود علیه السلام، حضرت صالح علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام به کدام اقوام سرکش مبعوث گردیده بودند؟ و هم چگونگی هلاک این اقوام را شرح نمایید.
- 6 - تعداد رسل و انبیای کرام مطابق حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از چه قرار بوده؟ ذکر نمایید.
- 7 - آیات کریمه ای را که بر فطری بودن خداشناسی دلالت میکند ذکر، تفسیر و ترجمه کنید.
- 8 - سوالات اساسی ای که در ذهن هر انسان خطور میکند کدام است؟ به جوابات درست آن از نظر دین مقدس اسلام بپردازید.
- 9 - ادیان متروکه و ادیان فعال وضعی را صرف نام ببرید.
- 10 - با استفاده از وسایل درسی راجع به ایمان فطری و ایمان کسبی طی دو گروه جدا گانه جرو بحث نموده و نتایج کاری را با هم شریک سازید.



درس چهارم

طبیعت پرستی و روح پرستی

اهداف:

- 1 - توضیح نظام دینی طبیعت پرستی (توتمیسم).
- 2 - توضیح نظام دینی روح پرستی (فتی شیسم).
- 3 - معرفی کردن سیمای دینی اقوام ابتدایی از دید جامعه شناسان.

الف - طبیعت پرستی:

از نظر جامعه شناسان و مورخین از اولین عکس العمل‌های دینی بدوی ترین مردم جهان قدیم دانسته شده که بنام توتمیسم طبیعت پرستی نیز شهرت دارد (قابل ذکر است که اولین جامعه انسانی دارای دین سماوی توحیدی بوده و آنچه جامعه شناسان میگویند مربوط میشود به جوامع بدوی بعدی که انسانها مظاهر طبیعی را پرستش نموده اند) کلمه توتم را بومیان امریکای شمالی بکار برده که توسط یک نفر بومی که لنگ نام داشت و کتابش در سال 1791 در انگلستان به نشر رسید منعکس گردیده است. بومیان امریکای شمالی شاید اولین کسانی اند که عقاید مربوط به طبیعت پرستی (توتمیسم) را مطالعه و تجربه نموده اند. از نظر برخی محققان اروپایی کشور استرالیا هم محلی است که عقاید طبیعت پرستی بخوبی در آن نگهداری شده است.

اصول اساسی عقیدوی دین طبیعت پرستی (توتمیسم) عبارت اند از توتم، مانا و تابو. توتم به معنی شی پاک و مقدس است، افراد یک قبیله و یا یک طائفه نام برخی از موجودات و اشیای طبیعی را توتم میگذارند و تمام افراد آن قبیله و طائفه آنها را یک شی مقدس و دارای خصوصیات فوق العاده می‌شمارند. توتم گاهی از حیوانات و پرندگان مانند گاومیش، باز، عقاب و طوطی و گاهی از گیاهان مثل درخت چای و غیره و گاهی از اشیای طبیعی مثل ستاره گان، باد، باران و دریا انتخاب میشود (12: 35-36). و زمانی که توتم انتخاب شد این توتم نام قبیله و طائفه میگردد و افراد آن بنام آن توتم یاد میشوند و حتی بعد از مرگ علامه ای از توتم قبیله خویش را با خود می‌برند مثلاً اگر توتم یک قبیله گاومیش باشد موهای مرده آن قبیله را بشکل شاخهای گاومیش تیار میکنند، و اگر توتم آنها پرنده باشد موهای آنها را مثل بالهای آن پرنده شکل میدهند.

مانا کلمه ملانزی بوده و عبارت است از رب النوعی که اقوام بدوی آنها عبادت میکنند، این

رب النوع کاملاً بی نام و نشان و بدون شخصیت و تاریخ است و نیرو و نفوذی است غیر مادی و مافوق طبیعی که بواسطه قدرت مادی و یا هر نوع قدرت و برتری که انسان دارا است ظاهر میشود، جای مانا معلوم نیست و در همه جا وجود دارد و در تمام موجودات طبیعی و شعارهای مقدس مشترک است (8: 94).

تابو کلمه پلینزی و به معنی « نهی » است که مجموعه ای از آن محرمات را دربر دارد که در دین طبیعت پرستی (توتمیسم) وجود دارد، توسط تابو اعمال و اشیای نیک و زشت ازهم متمایز میشود. در این دین کندن و خوردن سبزیجات، کشتن و خوردن گوشت حیوانات که دارای قدرت توتم باشند حرام دانسته شده است. از نظر جامعه شناسان در این دین ازدواج با زنان طائفه خود حرام است، باید با زنان بیرون از طائفه خود ازدواج کرد، باید به زنان و کسانی که محرم راز و اسرار نیستند نگاهی صورت نگیرد، از خوردن زیاد پرهیزد و از اعمال پلید خود را دور نگاه کند تا شایستگی تماس با تابو را حاصل نماید، از فرائض و اوامر این دین خواندن دعا و نماز بوده و بعضاً این فرائض بصورت قربانیها، رقصهای مذهبی، نغمه ها و سرود های دینی و یا مرثیه و نوحه سرایی بیرون می آید (7: 6). در این دین یگانه وظیفه ایکه وجود دارد متمایز ساختن نیک از زشت است، این مشخصه در تمام ادیان دیده میشود، از نظر این دین جسم انسان دارای یک موجود درونی است که همان روح است، صرف برخی قبایل مربوط به این دین زن را موجود بی روح میدانند. در این دین نوعی از تناسخ ارواح نیز وجود دارد که گویا ارواح اجداد گاهی در اجساد بازمانده گان حلول میکند، از نظر این دین ارواح جهت ادامه دادن به زندگی اجتماعی در دنیای ارواح باقی می ماند (19: 13-22).

در این دین معمول براین بود که اشخاص تازه پیوسته به آن باید از جامعه دوری اختیار کرده و تحت نظر چند نفر رهنمای دینی در جنگل و جاهای خرابه زندگی کنند، از خوردن غذای زیاد پرهیز کنند، از سخن گفتن زیاد، شستشو و حرکت کردن خود داری نمایند و این آزمایش در حقیقت یک تغییر و تولد ثانوی بحساب میرود که بعد از آن اجازه ورود به جامعه مذهبی را حاصل کرده و در جامعه مردان جزء محارم میگردند.

ب- روح پرستی (فتیشیسم):

این اصطلاح درقرن 18 میلادی به علم تاریخ ادیان وارد شد. « فتیش » به آن چیزهایی اطلاق میشود که دارای نیروی جادویی باشد و گاه این کلمه برای آلات و ابزار ساحرانه نیز استعمال میشود، از نظر این دین موجودات دارای قدرت کم و بیش شبیه بروح انسانی اند

(12: 32). پیروان این دین نیز به مانا، تابو و پرستش نیاکان معتقد اند، در نظر آنها روح وجود دارد و در برخی از قسمت های انسان مانند چربی بدن جای دارد، روح میتواند بدن را موقتاً ترک کند، بعد از مرگ روح در پهلوی جسد قرار میگیرد و از جسد مراقبت میکند. مردگان مانند زندگان زندگی میکنند، شب مردگان روز زندگان است، زندگی پس از مرگ وجود دارد و ممکن است مردگان در آن دنیا نیز بمیرند، در این دین زیاد تر به فال و جادو پرداخته میشود و با خواندن اوراد و اذکار با آواز بلند میخواهند در طبیعت و حوادث آن نفوذ کنند، بیماری مثلاً با خواندن ورد ذیل معالجه میشود: طوطی پرید، فاخته پرید، مرض پرید، و امثال آن (19: 28). فتی شیسیم از ادیان خیلی ابتدایی نوع بشر بشمار میرود که این موضوع را اگوست کنت فرانسوی نیز تایید کرده و آنرا از ابتدائی ترین ادیان عالم بشریت دانسته است.

در دین جان پرستی مانند دین توتم پرستی افسانه ها وجود دارد که تاریخ فوق طبیعی را توضیح میدهد، افسانه ما را در یک جهان متغیر قرار میدهد، در آنجا انسان و حیوان کاملاً نزدیک میشوند، افسانه اجازه میدهد با نیاکان عهد افسانه ای رابطه برقرار گردد و نتیجه گرفته شود که کار آنها متناوباً تجدید میشود.

تمرین



- 1 - معنای کلمهٔ توتم را بیان نموده و بگویید این اصطلاح بار اول توسط کدام مردم بکار گرفته شده است؟
- 2 - اصول اساسی عقیدهٔ دین طبیعت پرستی (توتمیسم) را نام گرفته و از جمله اصل توتم را توضیح دهید.
- 3 - توتم که از برخی موجودات و اشیای طبیعی انتخاب و تعیین میشود چگونه مورد تقدیس اقوام بومی و ابتدائی قرار گرفته؟ شرح کنید.
- 4 - مانا چیست؟ و چگونه معرفی شده میتواند؟
- 5 - نظام منهیات (تابو) کدام امور دینی را توضیح میدهد؟ با ذکر چند مثال آنرا بیان دارید.
- 6 - راجع به تناسخ ارواح که مورد اعتقاد این دین نیز میباشد معلومات مختصر ارائه دهید.
- 7 - آنانیکه تازه به این نظام دینی می پیوندند کدام برنامهٔ خاصی را عمل مینمایند؟ بطور فشرده ذکر کنید.
- 8 - راجع به دین روح پرستی (فتی شیسم) چه میدانید؟ بیان دارید.
- 9 - حیثیت افسانه ها را در این دین با اختصار وضاحت دهید.



درس پنجم

چگونگی حضور ادیان در برخی کشور های جهان

اهداف:

- 1 -ارائه معلومات در مورد کشورهای مختلف جهان از لحاظ پیروی دینی مردم آنها.
 - 2 -ارائه معلومات در مورد کشورهای مختلف اسلامی.
 - 3 -ارائه معلومات در مورد تعداد صحیح مسلمانان در کشورهای مختلف جهان.
- مسأله حضور عملی ادیان بزرگ در کشورهای مختلف جهان امری است بحث انگیز، احصائیه گیری دقیق فیصدی پیروان ادیان مختلف در کشورهای مختلف کاری است نسبتاً مشکل، شاید هر کسی که به جمع آوری ارقام در این مورد اقدام نموده تحت تاثیر نفوذ دین مربوطه خودش قرار گرفته باشد، ارقام در مورد مردم چین و جاپان که به ادیانی چون کنفوسیوس، تائو و شینتو معتقد اند دقیقاً معلوم نیست، ارقامی که در مورد تعداد مسلمانان در کشور های ی چون هندوستان داده میشود درست نمیباشد، و تعداد مسلمانان در این گونه کشورها اکثراً کمتر از آنچه هست نشان داده میشود.
- ما در جدول ذیل برخی از کشور های جهان را ذکر میکنیم که تناسب پیروان ادیان مختلف در آن به کلمات بیشترین، بیشتر، کمتر، و کمترین ارائه شده است. و در این جدول کشور های اسلامی که در حدود 60 کشور جهان را تشکیل میدهند ذکر نگردیده، محصلان و خواننده گان محترم با این کشورها که اکثریت قاطع مردم آنها پیرو دین مقدس اسلام اند، آشنایی دارند.

جدول برخی از کشورهای جهان که پیرو ادیان مختلف به درجه های متفاوت اند

نام کشور	بیشترین	بیشتر	کمتر	کمترین
بریتانیا	کلیسای انگلیس	کلیسای ویلز	کلیسای اسکاتلند	کلیسای ایرلند، کاتولیک رومی، یهودی
هندوستان	هندو	اسلام	مسیحی	سکھی، جایی، بودایی، زرتشتی، یهودی
ایتالیا	کاتولیک رومی	پروتستان	ارتدکس	یهودی
برما	بودایی	اسلام	هندو	مسیحی
جاپان	شینتو	بودایی	پروتستان	کاتولیک رومی
ارژانتین	کاتولیک	پروتستان	یهودی	سایر مذاهب
استونی	لوتری	ارتدکس	یونانی	یهودی
چکوسلواکیای قبلی	کاتولیک رومی	پروتستان	ارتدکس	یهودی
سیلون	بودایی	هندو	اسلام	مسیحی
هنگری	کاتولیک رومی	لوتری	یهودی	ارتدکس یونانی
بلغاریا	ارتدکس یونانی	اسلام	کاتولیک رومی	
رومانیا	ارتدکس	اسلام	کاتولیک رومی	
سوئیس	پروتستان	کاتولیک	یهودی	
فیلیپین	کاتولیک رومی	اسلام	پروتستان	
کانگو	مسیحی	مذاهب ابتدایی	اسلام	
گینه	آنمیسم	اسلام	مسیحی	
پولند	کاتولیک رومی	یهودی	پروتستان	
یوگوسلاوی	ارتدکس یونانی	کاتولیک رومی	اسلام	
یونان	ارتدکس یونانی	اسلام	یهودی	

آلمان	پروتستان	کاتولیک رومی	سایر مذاهب	
البانی	اسلام	ارتدکس یونانی		
آفریقای جنوبی	کاتولیک رومی	پروتستان		
ایالات متحده آمریکا	مسیحی (کاتولیک و پروتستان)	یهودی	اسلام	
تایلند	بودایی	اسلام		
سویدن	لوتری	سویدنی		
فرانسه	کاتولیک رومی	پروتستان	اسلام	
فنلند	لوتری	ارتدکس یونانی		
کانادا	کاتولیک رومی	پروتستان	اسلام	
کوریای شمالی	یونانی	مسیحی		
کوریای جنوبی	یونانی	مسیحی		
ویتنام	بودایی	مسیحی		
نیکاراگوا	کاتولیک رومی			
لائوس	بودایی			

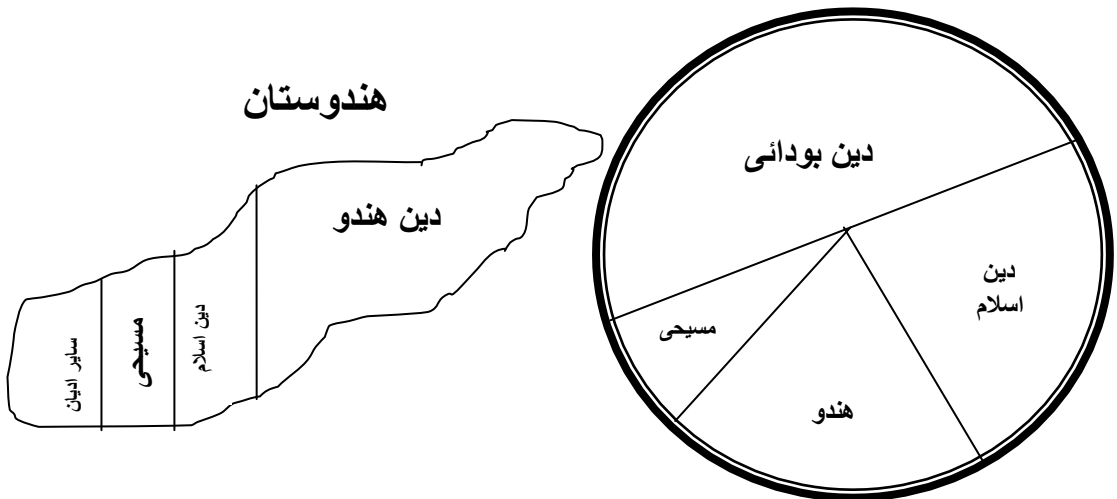
(8 : 349-354).

تمرین:



- 1 - نقشه جهان را به کمک مدرس مضمون حاضر ساخته، قاره ها و کشورهای مختلف را از لحاظ پیروی دینی به بحث گیرید.
- 2 - کشورهاییکه در جدول ذکر گردیده در نقشه عمومی جهان پیدا نموده و بعد با اشکال مختلف تناسب پیروی از ادیان در آنها را نمایش دهید، بطور نمونه:

برما



- 3 - علل اینکه ارقام پیروی مردم کشورهای مختلف جهان از ادیان مختلف بطور واقعی آن ارائه نمیشود چه بوده با تفصیل بیان دارید.
- 4 - کشورهای اسلامی را در نقشه عمومی جهان پیدا نموده و بگویید که اقلیت های دینی این کشورها از چه قرار است؟ موضوع را بطور مستند در صنف جروب بحث کنید.
- 5 - آیا در کشور عزیز ما اقلیتهای سایر ادیان وجود دارند؟ اگر جواب شما مثبت است پس تناسب آنها بیان دارید.
- 6 - شاید هیچ کشوری جهان وجود نداشته باشد که در آن مسلمانان سکونت نداشته باشند و این امر نشان میدهد که دین مقدس اسلام یک دین بین المللی است، این موضوع را طی چند گروپ به بحث بگیرید.

فصل دوم

ادیان متروکه جهان



درس اول

دین بین النهرین

اهداف:

- 1 - ارائه معلومات در مورد منابع معلوماتی راجع به وضع سیاسی، نظامی و دینی بین النهرین قدیم.
 - 2 - ارائه معلومات در مورد حفاریات و دست آوردهای محققان اروپایی در بین النهرین.
 - 3 - ارائه معلومات در مورد ارباب انواع، الهیات و حالت دینی و حقوقی بین النهرین.
- قبل از قرن نوزدهم میلادی راجع به تاریخ دو سرزمین معروف بین النهرین (کلده و آشور) معلومات دقیقی وجود نداشته، بلکه معلومات در این زمینه محدود بود، به حکایت کتاب تورات و روایات برخی نویسندگان، نامهای چند نفر محدود معرفی میگردند، مانند نمرود، وینوس که از آشور بوده و شهر نینوا را اعمار کرده، سمیرامیس که شهر بابل را سرو صورت بخشیده و ملکه ای است که در جنگها و مسافرتها از خود شجاعت زیاد نشان داده است، سارداناپال که یک پادشاه خشن و بد اخلاق بوده و بعد از اینکه در شهر نینوا قلعه بند شد، امتعه بها دار و آثار گرانبها را یکجا با خود و وابستگان خود آتش زده و همه بشمول خودش از بین رفتند. در گذشته حدس بر این بود که پایتختهای این پادشاهان بکلی منهدم شده و آثاری از آنها باقی نمانده باشند و تپه های عظیمی که به چشم میخوردند تپه های عادی و معمولی بیش به نظر میرسیدند.
- زمانیکه باستانشناسان اروپایی حفاریاتی را درمصر انجام دادند برای بار اول توجه آنها به بین النهرین نیز جلب گردید.
- محقق فرانسوی بنام بوتّا در سال 1842 به شهر موصل فرستاده شد، شهریکه در کنار دجله موقعیت دارد و تصمیم داشت تا شهر قدیمی نینوا را جستجو و دریافت کند، بعد از کندنکاریهایی متعدد مجسمه های بزرگ گاو بالدار دریکی از تپه ها بدست آمد که متعلق به قصر سارگون پادشاه آشور بود. بعد از آن محققان زیادی دست بکار شدند و تپه ها را تحت جستجو قرار دادند تا شهر نینوا را از آن بیرون کشند تا اینکه محقق انگلیسی لایارد موفق شد خرابه های شهر نینوا را یکجا با کتابخانه آسوربانی پال از زیر خاک بیرون کشد، این کتابخانه دارای هزاران لوحه گلی بود که بعد از نوشتن در کوره های آتش پخته شده بودند، این لوحه ها مملوء از خطوط میخی بوده که به شکل میخ ها، زوایا و سه گوشه ها حک شده و نزد

مابه خط میخی و نزد فرانسویها به خط زاویه مانند معروف میباشد، چند سال گذشت تا این خط برای محققان قابل فهم گردید، این کار توسط رالنسن انگلیسی و اوپر فرانسوی در سال 1857 انجام شد و آنها توانستند تاییکی از الواح آشور را خوانده و ترجمه کنند و با این کار یک صفحه جدیدی برای راه گشایی به سوی تمدنهای قدیم باز گردید (32 : 93).

تمام معلوماتی که امروز ما در باره بین النهرین، وضع سیاسی، نظامی، فرهنگی و دینی آن داریم از همین منبع موثق که محتویات الواح بدست آمده است، سرچشمه میگیرد.

بین النهرین چنانچه قبلاً نیز گفته شد یکی از قدیمی ترین محلات زندگی بشر است که در بین دو نهر دجله و فرات قرار دارد، در این محله دولت های بسیار بزرگی حکمرانی داشته و وسعت آن از دریای مدیترانه تا سرحدات افغانستان فعلی بوده و قدامت تاریخی آن بین چهار هزار تا پانزده صد سال قبل از میلاد میباشد. بابل و آشور از محلات خیلی قدیمی است که اکثراً بابلیها را مبشرین دین و هنر معرفی نموده اند و از دینداری آنها صحبت شده است، آشوریان را مردم جنگجو، نیرومند و بسیار خشن معرفی میکنند و این محله چندین دوره حکمرانی بسیار قدرتمندی را پشت سر گذاشته است خصوصاً بابل پایتخت دولت کلدانی از شهر های معروف و بسیار متمدن دنیای باستان است، در حوزه های علمی این شهر علوم طبیعی، نجوم، طب و الهیات تعلیم داده میشد تا این سر حد که طالس ملتی یکی از علمای طبیعی یونان باستان و هم فیثاغورث معروف خوشه چینان خرمن علوم و فنون این سرزمین بوده اند (19: 222-224).

بعد از دقت در اسناد دینی بین النهرین معلوم میشود که ساکنان این سرزمین از لحاظ دینی متأثر از دین توتم و فتیش بودند، از نظر ساکنان بین النهرین عقاب، گاونر و شیر مقدس دانسته شده و ارواح در آفتاب، مهتاب و ستارگان قرار داشته که بعدها به هیأت ارباب انواع نمایان شدند، هر شهر دارای رب النوع مخصوص بود و مردوک رب النوع خالق میباشد، تعداد ارباب انواع آشور و بابل بسیار زیاد است که در یک روایت، ارباب انواع و فرشتگان مورد اعتقاد آنان به هفت هزار تن میرسند.

مردم قدیم بین النهرین در مورد الهیات به دو نوع تثلیث معتقد بودند یکی تثلیث اول یا اعلی و دیگری تثلیث دوم. در تثلیث اعلی انلیل یا (بل) رب النوع هوا و زمین است، آنو رب النوع بزرگ آسمان است و ای رب النوع اقیانوس اول است.

در تثلیث دوم شمس رب النوع عدالت و قاضی بزرگ جهانیان است، سپس رب النوع مهتاب است، ایشتار رب النوع زهره زمانی رب النوع نیکخواه است و زمانی هم رب النوع جنگ و شهوت است و کوشش میکند اولاد آدم را فریب دهد و عاشق سازد.

یکی از سلاطین معروف بابلی هامورابی است که از 2080 ق. م الی 2023 ق. م حکومت نموده است، بعد از اینکه تخته سنگ بزرگی کشف گردید دیده شد که 282 ماده از قوانین مدنی و جزائی حمورابی به آن حک گردیده بود و در اثر این کشف به شهرت این سلطان بابلی افزوده شد و در سال 1902 میلادی حفاران فرانسوی این تخته سنگ را به موزیم لوور فرانسه انتقال دادند، در این تخته به موارد متعددی مربوط به قوانین مدنی و جزائی اشاره شده بود از جمله رشوه، دروغ، افتراء، قسم، حدود، ظلم قضات، مجازات دزدی، حقوق تجارت، حقوق خانواده، اجرة طبیب و معمار، لزوم مداخله دولت در قصاص، حرمت انتقام شخصی و سایر موارد.

از نظر مردم آشور و بابل ارباب انواع موجودات توانا، ابدی، دارای صفات بشری، ساکن آسمانها و دور از دست برد بشر اما نیازمند به عبادت، خدمت و میزبانی مردم زمین هستند و غرض آنها از خلقت بشر هم همین مسأله است و هر رب النوع شهری را در اختیار دارد که با اهل بیت خود به شکل مجسمه ها در آن منزلت داشته و رب النوع شهر بحساب می رود که اگر هر شهر همچو رب النوعی نداشته باشد آن شهر با تمام هست و بودش از میان خواهد رفت.

پادشاهان و سلاطین هر یک خلیفه و نائب ارباب انواع بوده که موظف به ساختن معابد و ادای قربانی اند، جنگ بین دو شهر در حقیقت امر جنگ بین دو رب النوع بوده که در صورت مغلوبیت یک شهر مجسمه رب النوع شهر مغلوب هم متعلق به شهر غالب میشد، ارباب انواع موجودات قهاری اند که علاقمند ریختاندن خون و هلاکت مردمان اند، باید دشمنان را به سخت ترین شکل هلاک ساخت تا رب النوع مربوط خوشنود شود، به ارباب انواع باید غذا تهیه کرد و قربانی گوسفند اداء نمود، چون ارباب انواع به خانه و منزل ضرورت دارند، باید معابد را به آنان اعمار نموده و هم باید به ارباب انواع زن و همسر دهند، برای این کار غالباً دختران پادشاهان انتخاب میشدند و آنها را در حجله مخصوص بر سر یک تپه میگذاشتند تا از طرف شب رب النوع به ملاقات منکوحه خود بیاید (19: 252-253).

مردم بابل که به ستارگان در تعیین سرنوشت شان اهمیت زیاد قایل بودند و هم اینکه به قربانی گوسفند و تقسیم اعضای آن اهمیت میدادند و از همین جهت دو علم در نزد آنان شیوع بیشتر داشته و در مورد آن تحقیقات زیاد صورت می گرفت یکی علم نجوم و هیأت و دیگری علم تشریح، موضوع کسوف و خسوف، یوم سبت (روز شنبه) برای رخصتی، سیارات و ثوابت، تعیین روز های هفته برای ستارگان مخصوص از مسایل مورد بحث در نجوم بابلیان

تمرین:



- 1 - اینکه راجع به کلد و آشور قبل از قرن 19 معلومات دقیقی وجود نداشته موضوع را با علت آن بیان کنید.
- 2 - علت اینکه توجه محققان اروپایی به مناطق بین النهرین معطوف شد چه بود؟ واز اولین محقق اروپایی در این زمینه نام ببرید.
- 3 - خط میخی چگونه یک خط است؟ توضیح نموده و آنرا با خط هیروغلیف مقایسه کنید.
- 4 - خط میخی که در فرانسه بنام خط زاویه مانند نیز یاد میشود توسط کدام محققان قابل خوانش و ترجمه گردید؟ ارزش این موضوع را جروبحث کنید.
- 5 - راجع به عقاید مردم بین النهرین چه میدانید؟ آنرا ضمن کار گروهی وضاحت دهید.
- 6 - دو نوع تثلیث در الهیات مردم بین النهرین را مختصراً بیان دارید.
- 7 - قوانین مدنی و جزائی حمورابی دارای چند ماده بوده و شامل کدام موضوعات میباشد؟ شرح دهید.
- 8 - ارباب انواع بین النهرین را با نیازمندیهای ایشان مناقشه کنید.
- 9 - رابطه الهیات را با مسائل عسکری و نظامی در بین النهرین آن وقت بایک مثال واضح سازید.

درس دوم



دین حیتیان، فروگیان و فنیقیان

اهداف:

- 1 - دستیابی به شناخت امپراتوری قدیم حیتی و نظریات دینی مردم آن.
- 2 - دستیابی به شناخت وضع سیاسی، نظامی و دینی فروگیان.
- 3 - دستیابی به شناخت موقعیت فنیقیه، الهیات و افکار دینی مردم آن.
- 4 - دستیابی به شناخت الفبای فنیقیان.

قبل از تمدن فنیقیان امپراتور معظم حیتی در آسیای غربی و بطور خاص در کارپاس وجود داشته، هندیها و اروپائیان مردم حیتی را تحت تسلط خود در آورده اما کشور حیتی را بنام قبلی خود باقی گذاشتند، در این امپراتوری که تقریباً دو هزار سال قبل از میلاد فعالیت داشته عقاید مربوط به «توتم» رواج بیشتر داشته و حیوانات مختلف از جمله مارهای پاک و گاوهای نر مورد اعتقاد مردم قرار دارند، ملکه حیتی بنام آرینا رب النوع آفتاب بوده و شوهرش رب النوع طوفان میباشد. و به اساس برخی شواهد فروگیان عقاید دینی را از مردم حیتی به ارث برده اند.

فروگیان در سال 1180 ق. م محلی بنام ترو را تحت تسلط خود در آورده و در حیتی جابجا گردیدند، فروگیان در ترکیه و بطور خاص در انکره مرکز قدرت خود را بنا نهاده و در مقابله با مصر و آشور خود را آماده ساختند. رب النوعی بنام «ما» را لقب جدید کوبل داده و آنرا به خدایی انتخاب کردند، این رب النوع بعنوان مراقب طبیعت و زمین بکر مورد پرستش آنها قرار داشت. معشوق این رب النوع اتیس نام دارد، رب النوع، معشوق خود را مجبور ساخت که برای تعظیم او خود را خصی کرده و از مردی بیندازد و به همین ترتیب به تعقیب این حادثه روحانیون در مراسم عید خونین خود را ختنه کرده اعضای تناسلی خود را می بریدند و در پیشروی مجسمه رب النوع «ما» می انداختند، حرکات و سکنات زنانه از خود نشان داده و لباس زنانه بر تن میکردند (43: 100-101).

در محل قصر واتیکان فعلی در مراسم جشن دینی روحانی بزرگ و معروف با لباس خاصی شرکت مینمود و از رب النوع «ما» و معشوقش قدردانی بعمل می آورد.

فنیقیان در شمال فلسطین در کنار دریای مدیترانه زندگی داشته و اصلاً فنیقیه گوشه ای از شام است که در مسیر ساحل فلسطین قرار دارد، فنیقیان چون در ساحل زندگی داشته تحت

نفوذ و تاثیر یک دولت مرکزی واحد قرار نگرفته بلکه به شهرهای کوچک و مستقل مانند صور، صیدا، آکر، آراد و بیلوس تقسیم شده بودند، بندرهای این شهرها دارای اهمیت زیادی بوده و در معرض نفوذ دینی و هنری همسایگان خود که باهم روابط تجارتي داشته قرار گرفتند و عقاید دینی آنها با عقاید دینی فلسطینیان نیز ارتباط داشته است. عقاید دینی فنیقیان که در عیش و کامرانی زندگی خود مصروف بودند شباهت زیادی با عقاید دینی کلداه داشته است یعنی فنیقیان اصلاً دارای دین مستقل نبودند، بلکه در انتخاب ارباب انواع بیشتر از کلدانیان متأثر شده بودند، در مراسم دینی نسبت به کلدانیان بیشتر از قساوت قلب و خشونت کار گرفته و ارباب انواع خود را راضی نگه میداشتند. آنها برای کسب رضای ارباب انواع شان انسان را قربانی میکردند، گاه گاه فرزندان پادشاهان نیز جز این قربانیان قرار میگرفتند، قربانی انسان را با مراسم خاصی که با صدای شیپور همراه بود در برابر بتها انجام میدادند و انسان را زنده به آتش میسوزانیدند، در این جشن مردان و زنان با لباسهای زیبا می آمدند و فرزندان را که آماده به قربانی کرده بودند به آتش می انداختند و صدای طبل و آلات موسیقی را میشنیدند تا این حد که صدای اطفال شان را که در آتش میسوختند اصلاً شنیده نمیتوانستند.

برخی اوقات کاهنان زخمی را در وجود خود ایجاد میکردند و میخواستند با خون خویش محل قربانی را رنگین سازند، گاهی کاهنان یک مقدار پول را به عوض قربانی انسان دریافت میکردند.

فنیقیان بدو رب النوع معتقد بودند یکی «بعل» و دیگری «بعله» از آمیزش این دو رب النوع زندگی مرفه و آسایش بوجود می آمد.

بعل جداگانه در هر شهر وجود داشته که بنام خاصی یاد میگردد، بطور مثال آدونیس نام بعل شهر بیلوس بود در حالیکه شهر صور بعلی داشت به اسم ملکارت. رب النوع ماده (بعله) در مرتبه دوم قرار داشته که نمونه معروف آن رب النوع ایشتارت بود که بنام رب النوع عفت و پاکیزگی نیز یاد میشد.

مولوخ یکی دیگر از ارباب انواع فنیقیان بشمار میرود، این رب النوع با خشونت بیشتر عمل میکند و مردم از ترس وی فرزندان خود را در برابر بت وی زنده به آتش میکشیدند، گفته میشود در سال 307 ق. م زمانیکه شهر کارتاژ در تسلط فنیقیان قرار داشته در محل قربانی این رب النوع خشن ده ها پسر از خانواده های متنفع آن شهر به آتش انداخته شدند. از نظر مردم آسیای غربی حاصل خیزی زمین رمزی است از حصول ارتباط «مادر بزرگ» با

معشوق که همه نیروهای طبیعی و از جمله زمین از آن بهره میگیرد. فنیقیان ابتداء الفباء مستقل نداشته و بخاطر رفع مشکلات در مورد خواندن، نوشتن و حساب کردن از الفبای ملل دیگر که دارای تمدن بزرگ بودند استفاده میکردند مانند مردم مصر و کلدی ولى بعدها دست به اقدام عملی زده و قادر به اختراع الفباء مستقل خود گردیدند، علامات خط مصر و کلدی این مشکل عمده را داشته که برای یک صدا چندین علامت را بکار میبردند و هم برخی مشکلات دیگر، فنیقیان از تمام علایم صداها صرف 22 علامه را انتخاب نموده و مشکلی که در خوانش خط مصر و کلدی وجود داشته رفع نمودند و شاید که این 22 علامه از علامه های خط ثانوی مصر که خلاصه شده هیروغلیف بود بدست آمده باشد. با این حروف ارائه تمام صوتهای مخارج زبان فنیقی و زبانهای دیگر میسر شد و در حدود 1100 قبل از میلاد اولین الفبای عملی مورد استفاده قرار گرفته، یونانیان و قوم لاتین نیز در مراحل بعدی از آن پیروی کردند. در هزاره دوم مردم فنیقیه قادر شدند صوتهای هجائی مورد استعمال در خط ترسیمی و تصویری مصریان، و حروف صدادار و بیصدای خط میخی بین النهرین را تجزیه کرده و زمینه آن مساعد شود تا از این الفباء، الفباء یونانی جدید نشأت کنند و این امر ثابت ساخت که فنیقیان در تجزیه امور تجربه کافی و دست طولانی داشته اند. و بطور خلاصه گفته میتوانیم که نظریات دینی و الفبای فنیقیان که هر چند اساس آن در بین النهرین قرار دارد سهم آسبای غربی را بطور کل در رشد تمدن و فرهنگ جهانی منعکس میسازد (19: 256-265).

تمرین:



- 1 - راجع به عقاید مردم امپراتوری معظم حیثی که در حدود دو هزار سال قبل از میلاد فعالیت داشته چه میدانید؟ مختصراً بیان دارید.
- 2 - راجع به وضع سیاسی و نظامی فروگیان معلومات کوتاه ارائه دهید.
- 3 - در مورد رب النوع «ما» که لقب کوبل را نیز به او داده اند چند جمله را ذکر نموده و عکس العمل روحانیان مربوط به کیش این رب النوع را شرح کنید.
- 4 - موقعیت فنیقیه را مشخص نموده و بگویید که چرا این منطقه به شهرهای کوچک و مستقل تقسیم شده است؟
- 5 - اعمال دینی فنیقیان را با اعمال دینی کلدانیان از لحاظ چگونگی کار برد خشونت و قساوت قلبی مقایسه کنید.
- 6 - عقیده ثنویت مربوط به بعل و بعله فنیقیان را توضیح نموده و از بعل های شهرهای صور و بیلوس صرف نام ببرید.
- 7 - اینکه رب النوع مولوخ فنیقیان باخشونت بیشتری عمل میکند با ذکر یک مثال واضح سازید.
- 8 - در مورد الفباء فنیقیان و اینکه چه مراحل را عقب خود گذاشته است معلومات مختصر ارائه کنید.
- 9 - نقش مردم فنیقیه را در غنمندی تمدن و افکار دینی مردم جهان مشخص ساخته و در زمینه چند مثال را ذکر نمایید.



دین مصریان قدیم

اهداف:

- 1 - شرح چگونگی دسترسی به حالت اجتماعی دین مصر قدیم.
 - 2 - بیان قانون مراحل سه گانه اوگوست کنت و شرح حال تثلیث مصریان قدیم.
 - 3 - بیان نظر مصریان قدیم در مورد روح، نیل و چگونگی زندگی بعد از مرگ.
- راجع به وضع اجتماعی و دینی مصر قدیم تا قرن 19 معلومات دقیقی وجود ندارد و صرف محدود میشود به نوشته های علمای یونان قدیم. یکی از مورخان یونان قدیم که به مصر مسافرت کرده هرودوت نام دارد که در قرن پنجم قبل از میلاد زندگی میکرد، او میگوید:
- «مصریان مذهبی ترین مردم جهان میباشند» (19: 34).
- در قرن 19 مصریان آثار ارزشمندی را از دل خاک بیرون آورده و دانش مصرشناسی را باروری بخشیدند، و در این راستا تحقیقات و زحمتکشیهای محققان اروپائی مانند برستد، ماسپرو، کارتر، پتری و دیگران نیز حایز اهمیت میباشد.
- عده ای از دانشمندان و محققان فرانسوی یکجا با ناپلیون که درسال 1798 به مصر حمله ور شد داخل این کشور شدند و با علاقمندی زیادی که قبلاً به این کشور داشته موفق به دریافت اسناد و آثار گرانبهائی گردیدند و گذارش کار عملی خود را در کتابی تحت عنوان «وصف مصر» تحریر و آنرا بعنوان یک اثر با ارزش به انجمن علمی فرانسه در وقت عودت شان تقدیم نمودند. در کتیبه ها، بناها و آرامگاههای قدیمی اسنادی دریافت گردیده که به خط هیروغلیف (زبان یونانی بمعنی خط مقدس است) نوشته شده و حاوی چگونگی وضع اجتماعی، دینی و دنیوی مصریان قدیم میباشد. راجع به این خط هیچ کسی چیزی را نمیدانست صرف برای بار اول یک محقق انگلیسی بنام «یانگ» اینقدر فهمید که این خط الفباء ندارد و یک خط تصویری و ترسیمی است و بعد در ابتدای قرن 19 محقق فرانسوی به اسم شامپولین توانست رموز خواندن و نوشتن این خط را بداند و بعد از این، موقع خوبی بدست آمد تا محققان فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، امریکایی، ایتالیایی، بلژیکی و مصری تحقیقات بیشتری را در زمینه های مختلف زندگی مصریان قدیم انجام دهند. در نتیجه کار این محققان متون گرانبهائی بدست آمده که درکب ذیل انعکاس یافته است:
- 1 - کتاب تابوتها: شامل متونی است که به خط هیروغلیف در داخل تابوتها و چوبها منقوش

بوده و دارای دستوراتی است که چگونگی زندگی و مبارزه در مقابل خطرات را در دنیای دیگر به مردگان تعلیم می‌دهد.

- 2 - کتاب اهرام : شامل متونی است که بروی دیوارها، راهروها و اطاقهای پنج هرم کوچک حکاکی شده و از سرنوشت پادشاه و مراسم گوناگون در جهان دیگر گفتگو میکند.
- 3 - کتاب مردگان: مطالب این کتاب در نوار کوچک مومیایی جمع آوری و اطراف آن با شاخ و برگ مزین گردیده است، محتویات این کتاب مجموعه ای از آداب جادو، اوراد، اذکار و مربوط به سرنوشت مردگان میباشد و در سالهای 1882 و 1907 در فرانسه چاپ گردیده است (19: 34-35).

مصر قدیم یکی از مناطق بسیار کهنی است که دارای سابقه قوی دینی بیش از چهل قرن می‌باشد. قانون مراحل سه گانه او گوست کنت فیلسوف معروف قرن 19 فرانسه را اکثر حلقات علمی میدانند، از نظر او انسانها از بدو پیدایش تا اکنون از لحاظ فکری و عقلانی سه مرحله یی کاملاً باهم متفاوتی را پشت سر گذاشته اند، انسانها ابتداء تمام پدیده های طبیعی را مانند خود فکر میکنند و آنها را دارای نیروی انسان ماندی میدانند که نسبت به انسان قویتر است، این مرحله را اکثر مترجمین بنام مرحله ربانی یاد کرده اند، در مرحله دوم قوای طبیعی و پدیده های عالم هستی توسط قوای ماورای طبیعی ارزشیابی میشود که این مرحله را بنام مرحله میتا فیزیکی یاد کرده اند، در مرحله سوم حوادث طبیعی را با حوادث طبیعی و علل طبیعی ارزیابی میکنند و این مرحله را بنام مرحله علمی یاد کرده اند (29: 317-319).

از نظر او در مرحله اولی تحولات دینی و تکامل فکری و عقلانی انسان از دین توتم و فتیش شروع میشود و زمینه برای شناخت و عبادت خدایان متعدد و ارباب انواع متفاوت مساعد گردیده و سپس به وحدانیت و یگانه پرستی روی می آورد، اگر به تحقیقات دانشمندان در مورد نظامهای دین مصریان قدیم دقت شود به وضاحت فهمیده میشود که مصریان از همه مراحل که اگوست کنت آنها بر شمرده است متناوباً گذشته اند.

از نظر جامعه شناسان مصریان قدیم که مذهبی ترین مردم جهان بشمار میروند ابتدا به دین توتم و فتیش عقیده داشته و سپس به شرک و خدا های گوناگون و در نهایت به خدای واحد و لا شریک معتقد گردیده اند. درخت انجیر، درخت خرما، پیاز و چشمه های آبی از توتم های مصریان قدیم است. نزد مصریان قدیم برخی حیوانات حیثیت رب النوع را بخود گرفته و مورد

پرستش قرار داشته مانند گاوانر، گربه ماده، نهنگ، بقه، اسپ، شغال، عقرب، گرگ، سگ، قوچ، مرغ، باز و غیره. در مقابل کشتن حیوان مقدس انسان قصاص میگردید و کاهنان حیوانها و گیاهای مقدس را میشناختند، این حیوانات کاملاً مورد تقدس و عبادت قرار داشته و هر گونه منفعت ملی همیشه مرجوح این موجودات مقدس شده است، میگویند یکی از پادشاهان آریانای قدیم بنام کامبوزیا در قرن 6 قبل از میلاد به مصر حمله ور شد، چون این پادشاه از تقدس مصریان به برخی حیوانات اطلاع داشت بنابر آن تعدادی از گربه ها و لگ لگ ها را در پیشاپیش سپاه خود قرار داد، مدافعین مصری زمانیکه ارباب انواع خود را در مقدمه الجیش سپاه متجاوزین دیدند از تیراندازی بسوی آنها خود داری نموده و در نتیجه مغلوب گردیدند.

مصریان قدیم به نیروی شبیه به روح در وجود طبیعت، آفتاب، ستاره گان، درختان، رود ها و بخصوص در وجود رود نیل معتقد بودند، رود نیل به عنوان معبود مصریان بوده و وقتیکه میدیدند که نیل بدون باریدن باران بالا آمده و مستی میکند میگفتند: ریختن اشک « ایزیس » بخاطر مرگ شوهرش « اوزیرس » باعث بالا آمدن نیل شده است، چون آنها تا هنوز منابع آبی رود نیل را نمی شناختند و از مناطق دور دست جنوب که همیشه بارانی بوده و معاونین نیل را سیراب می ساخت اطلاعی نداشتند، ویا هم برخی اوقات آب نیل رو به خشکیدن میگرفت و مردم تحایفی را به نیل عرضه میکردند تا آب آن بالا بیاید ولی زمانیکه در قرن 19 - سرچشمه های نیل از جمله بحرالغزال کشف گردید دیگر چیستان بالا آمدن ویا خشکیدن نیل نیز خود بخود روشن شد.

و مسلمانها تقریباً 12 قرن قبل از کشف سرچشمه های آن به حقیقت موضوع پیرامون آب نیل پی برده بودند. درین مورد بیجا نیست تا از نامه حضرت عمر فاروق رضی الله عنه به رود نیل یاد آور شویم: «...افسانه های قدیم رود نیل مصر را اکثر مردم شنیده اند که چون آبش کم میشد مردم مقبولترین دختر شهر را آرایش داده به آب رود نیل پرتاب میکردند، تا آب آن بالا آید. زمانیکه عمرو ابن العاص در دوره خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه مصر را فتح و بحیث والی اجرای وظیفه میکرد، مردم در آن وقت معین سال خواستند تحفه رود نیل را آماده کنند ولی قبل از آن لازم دیدند تا با والی خود درین زمینه مشورت نمایند. والی آنها را از این کار منع کرد، چه این کار عادت جاهلی و کشتن یک انسان بیگناه بود، آب نیل خشک شد، والی در هراس افتید تاشکلی ایجاد نشود و درین مورد از امیرالمؤمنین طی نامه ای مشورت خواست، حضرت عمر رضی الله عنه در جواب نامه والی نوشت که من به رود نیل نامه

نوشتیم، بعد از مواصلت آنرا در آب نیل بیانداز! در نامه نوشته شده بود:

از طرف من عمر امیرالمؤمنین به رود نیل مصر!

اگر تو به امر الله ﷻ جاری هستی، الله ﷻ ترا جاری میکند، اگر به امر خود جاری هستی خشک شو! ما به تو ضرورت نداریم.

والی مردم را جمع کرده و خط را در رود نیل می اندازد و بعد می بینند که آب رود نیل بالا می آید، مردم مصر یقین حاصل کردند که آب رود نیل به فرمان الله ﷻ در حرکت است، کمی و زیادت آن نیز مربوط به مشیئت الله ﷻ میباشد و دیگر از این عادت جاهلی و مصیبت تاریخی رهایی یافتند و من بعد هیچ دختری قربانی این تصور غلط مصریان نگردید» (محمد ابراهیم ابراهیمی. ثقافت اسلامی 2 و 1. کابل: ریاست عمومی تربیه معلم، 1390 ش. ص: 26).

طبقه روحانی مصر قدیم همیشه تلاش داشته تا از طریق یک سیستم واحد در عرصه پرستش ارباب انواع وحدت مصر را تامین کنند و قدرت و سیطره فراغه را مستحکم تر سازند، آفتاب رب النوع بسیار معتبر مصریان بود که بنامهای متفاوتی مورد پرستش قرار داشت. «اوزیریس» رب النوع آفتاب در حال غروب (6: 53). هوروس پسر اوزیریس و رب النوع آفتاب در حالت طلوع، ایزس زن اوزیریس و رب النوع آسمان و ماه، ست یا تیفون شیطان تاریکی و ظلمت که هوروس همواره با او در جنگ است، میباشد، طبق روایات جامعه شناسان رب النوع اوزیریس ابتداء در وادی نیل پادشاهی دارد و بعد از آرامش در اینجا به سیاحت دنیا میپردازد تا صلح و امن را در جهان برقرار سازد ولی از طرف ست یا تیفون به قتل میرسد و بدنش پارچه پارچه میگردد، ایزیس زن وی اشک ریزان بدن پارچه پارچه شوهرش را جمع آوری کرده و از او حمل میگیرد و هوروس بدنیا می آید و زمانیکه هوروس بزرگ میشود خدای ظلمت (تیفون) را دستگیر و نزد مادرش ایزیس می آورد و این جنگ بین نور و تاریکی دوام مییابد و شاید تا حال هم به نحوی ادامه دارد.

اوزیریس بحیث رب النوع دارای زندگی دوباره همیشه مورد عبادت مصریان قرار داشته است، فرعون که بر مصر بالا و پایین حکومت داشت تحت حمایت خاص ارباب انواع و خصوصاً هوروس قرار داشت، فرعون پرتوی از آفتاب، پسر رب النوع و در نهایت رب النوع بود، فرعون مظهر هوروس است و صبح و شام مانند رب النوع آفتاب طالع به او سجده کرده و عبادت نثارش میکردند (19: 40-49).

ارباب انواع مصر خانه های مخصوص داشتند و خادمان زیادی مصروف خدمت در آن خانه ها بودند که برخی به امور آرایش و پوشش و برخی به تغذیه آنها و از طریق هدایا و بخششهای مردم عواید زیادی به پادشاهان سرازیر میشد.

زندگی بعد از مرگ در عقاید مصریان و جود دارد ولی در برخی موارد مبهم است، در ابتداء حق زندگی کردن بعد از مرگ تنها به پادشاهان منحصر بود و آنهم در صورتی که در محکمه ارباب انواع جواب و حساب بهتری بدهند و عدل و داد خود را در روی زمین ثابت کنند، بعد این حق به سایر اشخاص دارای و ظائف بلند نیز داده شد که شاید بعدها این حق همگانی شده باشد به شرطی که در پیشگاه رب النوع بزرگ (اوزیریس) حاضر شوند و بی گناهی خود را ثابت سازند، هرکس باید اعتراف نامه زیر را در پیشگاه رب النوع اوزیریس به زبان آورد و از آن دفاع کند:

«من انسان بی گناه هستم، در خانه حقیقت جز راستی چیز دیگری نکرده ام، با هیچ کس ظلم روا نداشته ام، موجب آزار و بدبختی آیندگان نشده ام، باعث رنج، فقر و ترس کسی نگردیده ام، هرگز کسی را گرسنه نساخته ام، و هیچ صاحب غلام و خادم را نگذاشته ام تا به مادون خود ظلم، ستم و گرسنگی روا دارد، در هیچ حالتی دروغ نگفته ام، زنا نکرده ام، پرندگان رب النوع را با دام نگرفته ام، هدایای ارباب انواع را خیانت نکرده ام، من بیگناهم، من بیگناهم».

تمرین:



- 1 - قبل از قرن 19 معلومات مربوط به مصر قدیم منحصر در نوشته های علمای یونان قدیم بود، شما صرف نظر هرودوت پدر مورخان را در مورد مصریان قدیم بیان دارید.
- 2 - بعد از حمله ناپلیون به مصر چه اکتشافاتی در زمینه علم مصرشناسی بوجود آمد؟ مختصراً توضیح دهید.
- 3 - راجع به محتویات کتب بدست آمده از تحقیقات باستان شناسان معلومات کوتاه ارائه کنید.
- 4 - تا حال راجع به اهرام مصر چه شنیده و یا خوانده اید؟ به کمک استاد مضمون در این مورد جروب بحث کنید.
- 5 - از چگونگی تطبیق قانون مراحل سه گانه اگوست کنت بر سیر تحولی افکار دینی مصر وضاحت دهید.
- 6 - از نخستین افکار مذهبی مصریان قدیم و تقدس روح توسط آنها معلومات مختصر ارائه نمایید.
- 7 - از تثلیث خاصی که در الهیات مردم مصر قدیم دیده میشود یاد آوری نموده و منشأ افسانوی این تثلیث را بیان دارید.
- 8 - عقاید مصریان قدیم نسبت به زندگی بعد از مرگ را با اختصار ذکر کنید.
- 9 - اعتراف نامه ایکه از نظر مصریان قدیم باید توسط هر کسی نزد رب النوع اوزیریس به زبان آورده شود چه بوده؟ متن کامل آنرا بیان دارید.
- 10 - راجع به افسانه های مربوط به رود نیل چه میدانید؟ از نامه حضرت عمر فاروق رضی الله تعالی عنه به رود نیل معلومات دهید.
- 11 - وضع گذشته و فعلی کشور مصر را از لحاظ دینی با استفاده از منابع دست داشته و وسایل درسی جدید با هم مقارنه کنید.



درس چهارم

ادیان کوچک اروپایی

اهداف:

- 1 - شرح و بیان عقاید دینی اقوام قدیم جرمن.
- 2 - شرح و بیان عقاید دینی اقوام سلت و گل.
- 3 - شرح و بیان عقاید دینی یونان و روم باستان و تاثیر ظهور دین مسیح علیه السلام بر کلیه ادیان اروپائیان قدیم.

پیش از نفوذ دین حضرت مسیح علیه السلام در اروپا برخی ادیان کوچک در آنجا شیوع داشت که در زمینه میتوان از ادیان اقوام جرمن، دین اروپای غربی و سلتها، دین اروپای جنوبی مخصوصاً یونان، روم و ایتالیا نام برد. اقوام جرمن به چندین دسته تقسیم گردیده که در کشورهای مختلف اروپایی زندگی میکردند و نظریات دینی این دسته ها نیز باهم متفاوت بود.

در دین قدیم جرمن آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود، در این دین برخی درختان اهمیت خاص تقدسی دارند و هم بعض حیوانات مانند اسب و زاغ از اهمیت دینی خاصی برخوردار اند، از نظر این دین ممکن برخی از زنان و مردان به قیافه خرس یا گرگ در آیند. نزد جرمنها نرتوس Northus از قدیمی ترین ارباب انواع (مادر زمین) بوده که با فریا Freya رب النوع عشق و زیبایی و فراوانی شباهت داشت، برادر و محبوب او فریر Fryer نام داشت، در حوزه دینی فریر عرفان و افسانه شناسی یک بخش عمده ای از افکار عرفانی جرمنها را تشکیل میدهد، سه رب النوع جرمنها بنامهای اودین رب النوع روحانیان جادوگر (5: 34)، تیو رب النوع مربوط به جنگجویان، و تُر رب النوع مخصوص دهقانان که از یک سو شباهت زیادی با سه طبقه اولیه هندوهای قدیم داشته و از جانب دیگر با رب النوع روم نیز بی شباهت نبودند و هم این شباهت بالترتیب با عطارد، مارس و ژوپیتر رومیان نیز صدق میکند.

مراسم قربانی و حتی گاهی مراسم قربانی انسان بخاطر خوشنودی ارباب انواع صورت میگیرفت و متصدی این کار روحانیون بودند، اقوام جرمن دارای تشکیلات و رهبری روحانی مستقل نبودند، بلکه شاه روحانی اصلی بشمار میرفت و امور جادو، کهنات و دین را در اداره خود داشت و اگر احیاناً پادشاهی بدون مهارت جادوگری پا به عرصه قدرت میگذاشت از بین

برده میشد.

بعد از ظهور دین مسیح علیه السلام و شیوع آن در اروپا این عقاید اقوام جرمن رو به تضعیف نهاد، بت ها توسط دین مسیح علیه السلام سوختانده شد و درختهای مقدس نیز از بین برده شد، جرمنها بعداً مسیحی شده ولی آثاری از دین قدیم در آنها باقی مانده و جادوگری و کهنانت را محترم می شمردند.

اقوام سلت و گل از آلمان شرقی و جزایر دنمارک در سراسر اروپای غربی منتشر شدند خصوصاً در ایتالیا و ایرلند، از عقاید دینی اقوام سلت جز مطالب شفاهی چیز دیگری در دست نیست، آثار دین توتم در عقاید اقوام سلت و گل بخوبی به مشاهده میرسد، درخت بلوط توتم اقوام گل بود، برخی قبایل نام حیوانات را بخود می گذاشتند مانند گاو نر، زاغ و غیره، برای خود آنها هم برخی علایم و آثار قایل بودند، خروس برای دفع تندر یا صاعقه بکار رفته چنانچه خرگوش برای فال گرفتن استفاده میشد، از نظام توتم برخی تابوها یا منهیات نیز نشأت میکرد، سلتها گوشت اسب را نمیخوردند، دست زدن به غنایم دشمن و نزدیک شدن کودکان مسلح به پدران جایز نبود، جوانان نزد راهبان یا خانواده های بیگانه تربیت میشدند که حتی امروز هم موسسات شبانه روزی در فرانسه و انگلستان وجود دارند که شاید متأثر از همان نظر دینی قدیم باشد، کوه ها، چشمه ها و جنگلهای مقدس و جود داشته و راهبان به تناسخ ارواح و معاد معتقد بودند. اکثر جامعه شناسان ارباب انواع رومی را به پنج رب النوع مردم «گل» مشابه میدانند، مثلاً رب النوع توتاتس که رب النوع تمدن بود با عطارد مخترع هنر و پدر قوانین شباهت داشته چنانچه این شباهت در بین ارباب انواع تارانیس رب النوع رعد، رب النوع مارس حاکم بر جنگ، اپولون رب النوع صحت و میترو رب النوع صنعت و حرفه با ارباب انواع روم وجود داشته است (5: 30). قربانی برای حفظ ارباب انواع در صلاحیت راهبان قرار داشته، انسان بیگناه و یا محکومین به مرگ را قربانی میکردند و جوانان مربوط به طبقه نجبا را تربیه نموده تا به آنها یاد دهند که ارباب انواع را احترام کرده بدی نکنند و همیشه با شهامت و شجیع باشند و این تعالیم به علاوه از یک احساس شاعرانه جزء اساسی ارزشهای دینی مردم سلت و جرمن را تشکیل میداد.

کلیسای کاتولیک مسیح موفق نشد تا برخی عقاید قدیم دینی این مردم را از بین ببرد بلکه در برخی موارد تحت تاثیر آن قرار گرفت مانند عقیده آنها به آتش قبر ستانها، جادوگری، تقدس درخت بلوط، وجود شیاطین و دیوان (19: 332-339).

یکی دیگر از مناطق مربوط به اروپا یونان است که نه تنها در مورد فلسفه و حکمت، زیبایی

شناسی و کشف حقیقت، بشریت امروزی مرهون احسان آنست، بلکه در عرصه معتقدات دینی نیز از اهمیت تاریخی زیادی بهره مند است.

اطلاعات در مورد یونان علاوه از کتیبه های بدست آمده از طریق دو مورخ معروف یونانی (هیروdot) و (توسیدید) که در قرن پنجم قبل از میلاد زندگی میکردند بدست ما آمده است و هم منظومه «هومر» بنام «ایلیاد و اودیسه» که قدیمترین شاهکار ادبی یونان باستان بشمار میرود و توسط این شاعر معروف سروده شده و از منابع قوی معلومات ما در مورد عقاید دینی، حکمت، هنر و ادب یونان قدیم بشمار میرود (28: 2-5). در مورد نظام دینی هشت قرن پیش از میلاد تفصیلات زیادی وجود دارد که ما در اینجا صرف به برخی نکات اساسی آن اشاره میکنیم:

در یونان قدیم دین توتم از اهمیت خاصی برخوردار بوده، تقدیس درخت بلوط، برخی گیاهان، حیواناتی مانند گاونر، سوسمار، عقاب و غیره نمونه های بارزی از دین توتم است و همچنان مردم یونان به ارواح عقیده داشتند.

مردم یونان معمولاً ارباب انواع را شبیه به نوع بشر میدانستند ولی با نوعی از تمایز و گاهی هم به شکل حیوانی ظهور میکردند (3: 45-47).

قدیمی ترین ارباب انواع عبارت از مادر زمین گانیایاک و اورانوس بودند که هر دو فرزندان زیاد زیادی داشته و آخرین رب النوعی که پا به عرصه وجود گذاشت گرونوس بود، رب النوع سخت بی رحم که حتی اولاد خود را میخورد، اما یکی از ایشان به کمک مادرش جان به سلامت برد که نام او زئوس است. زئوس فرزند گرونوس رب النوع معتبر یونان گردید. در اطراف زئوس ارباب انواع زیادی قرار داشتند که در محلات مربوطه قدرت داشتند، هرا زن زئوس بود که در آسمان زندگی داشت، به زئوس سه فرزند بنامهای هرمس، ارتمیس، واپولون را نسبت میدهند. هرمس مظهر باران، ارتمیس به هیکل زن شکارچی مجسم میشد و رب النوع ماه بود، واپولون رب النوع آفتاب، نور و موسیقی است.

در روم قدیم هم آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود، موجودیت برخی نباتات مقدس، درخت انجیر، بوته باقلا، گرگ نر، گرگ ماده و غیره دلالت بر این حقیقت دارد، مردم روم قدیم به ارواح نیز اعتقاد داشته که دارای قدرت الهی اند و آهسته آهسته این ارواح حیثیت ارباب انواع را کسب میکند، آنها به نوعی از تثلیث اعتقاد داشتند: ژوپیتر، مارس و کوایرینوس رب النوع صلح.

نظر به ناخوشنودی که از عقاید دینی روم در اطراف و اکناف وجود داشت نتیجه این شده که

برخی عقاید دینی آسیای غربی، دین اوزیریس و ایزیس مصر، آئین میترا از ایران و افغانستان در نظام دینی روم تاثیر نماید و زمینه را به یگانگی و اتحاد مذاهب و ادیان مساعد سازد (19: 325-399).

تمرین:



- 1 - قبل از ظهور دین حضرت مسیح علیه السلام ادیانی که در اروپا وجود داشته صرف نام ببرید.
- 2 - مثالهای توتّم های اقوام قدیم جرمن را نام گرفته و موضوع مسخ انسانها را در دین شان بایک مثال واضح سازید.
- 3 - مشهورترین ارباب انواع دین قدیم جرمن را ذکر و از تثلیث آن وضاحت دهید.
- 4 - تاثیر ظهور دین مسیح علیه السلام را بر عقاید دینی اقوام قدیم جرمن با ذکر مثالها بیان دارید.
- 5 - چگونگی آثار توتّمیسم را در دین اقوام سلت و گل شرح نموده و از نظام تابو (منهیات) آن دین یاد آوری کنید.
- 6 - اینکه جوانان نزد راهبان و یا خانواده های بیگانه تربیت میشدند چگونه تحلیل مینمایید و هم این معمول دینی قدیم را در عصر حاضر ردیابی و ارزیابی کنید.
- 7 - چگونگی شباهت ارباب انواع روم قدیم را با ارباب انواع اقوام گل شرح نمایید.
- 8 - منابعی که در قسمت معرفی حالت دینی یونان قدیم مورد استفاده قرار گرفته صرف نام ببرید.
- 9 - نکات فارقّه و مشابه ادیان یونان قدیم و روم قدیم را ذکر و با هم مقایسه کنید.
- 10 - با استفاده از منابع و مواد درسی جدید مطالب این درس را خوبتر در ذهن تان مستحکم سازید.



درس پنجم

ارقام جدید در مورد پیروان ادیان مختلف جهان

اهداف:

- 1 - ارائه معلومات در مورد عللی که باعث میشود بعضاً محققین ارقام پیروان برخی ادیان را کم و یا زیاد نشان دهند.
- 2 - ارائه ارقام پیروان ادیان مختلف با تفکیک پیروان فرق مربوطه هر دین.
- 3 - ارائه برخی معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان.

در مورد ارائه ارقام پیروان ادیان همواره مشکلات زیادی وجود دارد، در گذشته هم آنانیکه به این کار مبادرت میورزیدند تحت برخی ملاحظات قرار داشته و در زمان حاضر نیز این ارقام زیر نفوذ برخی عوامل قرار دارند، در احصائیه گیریهها همیشه این مسأله هم مطرح بوده که شخص محقق به کدام یکی از ادیان فعال جهان منسوب است و هم اینکه در نمونه گیریهای پیروان مشکلات وجود داشته و ضمناً هرکس علاقه داشت پیروان دین خود را در یک ساحه بیشتر نشان دهد و یا اینکه در یک خانواده غربی صرف پدر و یا مادر پابند به دین مسیحی بوده و پسران و دختران آنها اصلاً به دین مسیحیت پاندی نداشته اند ولی در احصائیه گیریه، تمام افراد آن خانواده در جمله مسیحیان ذکر گردیده است وده ها عامل و مشکل دیگر.

ما در اینجا تازه ترین ارقام پیروان ادیان را ذکر میکنیم که در سال 2005 جمع آوری شده و در سایت «وکی پدیا» تحت عنوان «گروه های دینی اصلی» به نشر رسیده که این ارقام هم یقیناً در برخی موارد تحت تاثیر برخی عوامل، کم و یا زیاد معرفی شده، بطور مثال پیروان دین مقدس اسلام 21٪ فیصد کل نفوس جهان ارائه شده و پیروان دین مسیحیت در حدود 33٪ در صد تثبیت گردیده است که شاید تعداد مسلمانان در امریکا، اروپا و افریقا با دقت تمام احصائیه گیری نشده باشد و همچنان تعداد مسلمانان در هند، مالیزیا و اندونیزیا شاید تحت عوامل خاصی کمتر گزارش یافته باشد. با ملاحظه این مشکل باز هم ما ارقام وکی پدیا که یک دانشنامه آزاد خود را معرفی میکند بدون کم و کاست در اینجا نقل میکنیم:

1 - دین مقدس اسلام 1,3 میلیارد نفر.

○ اهل سنت و جماعت: 940 میلیون نفر.

- اهل تشیع: 120 میلیون نفر
- سایر فرق اسلامی: 240 میلیون نفر
- 2 - دین مسیحیت: 2,1 میلیارد نفر
 - کاتولیک رومی: 1,05 میلیارد نفر
 - ارتودکس / مسیحی شرقی: 240 میلیون نفر
 - فرقه های بومی افریقایی: 240 میلیون نفر
 - کلیسای متحد مسیح: 75 میلیون نفر
 - انگلیکان / اسقفی: 73 میلیون نفر
 - بهتیس: 70 میلیون نفر
 - متدیست: 70 میلیون نفر
 - لوتری: 64 میلیون نفر
 - مقدسهای روز آخر: 12,5 میلیون نفر
 - ادونتیستها: 12 میلیون نفر
 - کلیسای پاپ / حواریونی جدید: 15 میلیون نفر
 - شهود یهود: 6,6 میلیون نفر
 - جنبش بازگردانی: 5,4 میلیون نفر
 - تفکر جدید (وحدانیت، علم مسیحی و غیره) 1,5 میلیون نفر
 - جامعه مذهبی دوستان: 300000 نفر
 - و برخی فرق کوچک دیگر.

3 - یهودیت: 14 میلیون نفر

- یهودیت محافظه کار: 4,5 میلیون نفر
- اصلاحگرایان: 3,75 میلیون نفر
- ارتدکس: 2 میلیون نفر
- یهودیت باز سازی گرا: 150000 نفر
- غیر وابسته و سکولار: 4.5 میلیون نفر

4 - دین هندو: 900 میلیون نفر

- وشنوویسم: 580 میلیون نفر

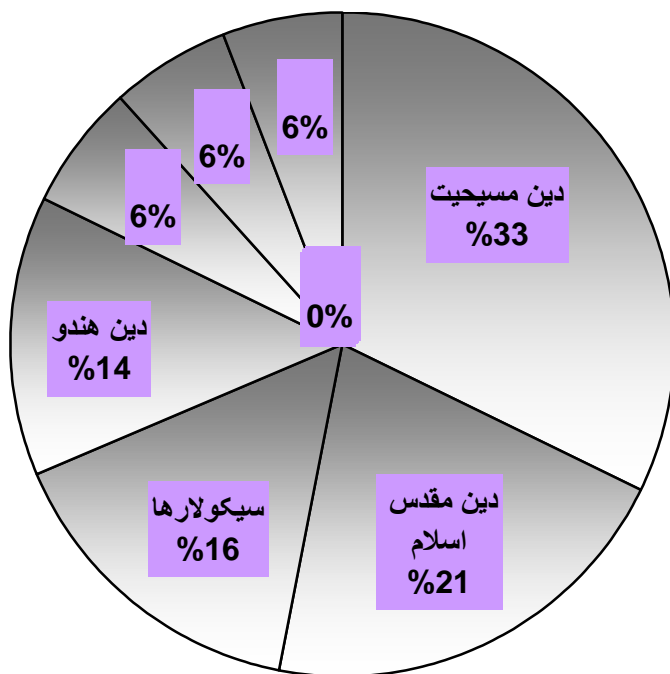
- شیوا ویسم: 200 میلیون نفر
- هندوهای اصلاحگرا: 22 میلیون نفر
- لیگاوات ها: 10 میلیون نفر
- 5 - دین بودایی: 376 میلیون نفر
- ماهایانا: 185 میلیون نفر
- تراوادا: 124 میلیون نفر
- واجویانا (بودایی گرای تبتی) 20 میلیون نفر
- 6 - دین سکهی: 23 میلیون نفر
- 7 - دین جایی (جائین گرای: 4,2 میلیون نفر)
- اسوتامبارا: 4 میلیون نفر
- استاناکواسی: 750000 نفر
- دیگامبارا: 155000 نفر
- 8 - دین بهایی: 7 میلیون نفر (شروع قرن 19)
- 9 - دین زرتشت: 2,6 میلیون نفر
- پارسی ها: 110000 نفر
- گبرها: 20000 نفر
- فالون گنگ: 2,1 میلیون نفر (شروع 1992)
- 10 - دین عامه چین: 394 میلیون نفر
- این دین یک دین سازمان یافته واحد نیست و عناصری از دین تائو (لائوتسه)، کنفوسیوس، بودایی گرای و آئین های مذهبی که در کتابهای مقدس نیامده اند را در خود دارد و آنرا دین سنتی چین نیز میگویند.
- 11 - دین شینتو: 4 میلیون نفر (شروع 300 قبل از میلاد)
- این عدد نشان دهنده پیروان عملی این دین است، اگر اشخاصی را که به دلیل طبقه بندی نژادی یا تاریخی، شینتو محسوب میشوند در نظر بگیریم این عدد به 100 میلیون میرسد.

12 دین روحگرایی (اسپریتسم): 15 میلیون نفر (شروع اواسط قرن 19 میلادی).

13 سکولارها (غیر مذهبیها) که شامل تمام گروه های ملحد، کافر، ضد مذهب و ضد الله میشوند: 1,1 میلیارد نفر.

این دسته طیف وسیعی از عقاید را دربر میگیرد و به یک آیین خاصی مربوط نیست و برخی آنها مربوط اومانیزم (بشرگرایی) و برخی دیگر دارای تفکر آزاداند.
([http:// fa. Wikipedia.org](http://fa.Wikipedia.org)).

برخی ادیان معروف جهان معاصر را در دایره ذیل با فیصدی مربوطه و رنگهای مختلف در زیر ملاحظه کنید:



جدول برخی معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان

شماره	نام دین	تاریخ ظهور	محل	خدای مورد عبادت	تعداد پیروان	کتاب دینی
1	دین مقدس اسلام	اوایل قرن 7 میلادی	سرتاسر جهان	الله جل جلاله	1.3 میلیارد نفر	قرآن مجید
2	دین مسیحیت	قرن اول میلادی	سرتاسر جهان	خدای پدر	2.1 میلیارد نفر	عهد جدید (انجیل)
3	دین یهودیت	1200 - 1500 قبل از میلاد	اسرائیل، و پراکنده	یهوه	14 میلیون نفر	عهد عتیق (تورات)
4	دین هندو	1500 قبل از میلاد	هندوستان	برهما واریه اب انواع مختلف	900 میلیون نفر	وداه، اوپانیشاد
5	دین کنفوسیوس	اوایل قرن 6 قبل از میلاد	چین	چنت - یا موسس	3 میلیون	کتاب کلاسیک
6	دین بودا	اواخر قرن 6 قبل از میلاد	برخی کشورهای شرقی	در آغاز بدون خدا بعد خود بودا	376 میلیون نفر	تری پیتیاکا
7	دین شینتو	اواسط قرن 7 قبل از میلاد	جاپان	خدای طبیعت	4 میلیون نفر	گوچی کی، نیهونگی
8	دین زرتشت	اواخر قرن 7 قبل از میلاد	ایران و هندوستان	اهورامزدا (اورمزد)	2.6 میلیون نفر	اوستا
9	دین تائو (لاوتسه)	اوایل قرن 7 قبل از میلاد	چین	تائو	یک میلیون نفر	تائوته کنگ
10	دین سکهی	اواخر قرن 1 میلادی	هندوستان	نام حقیقی	23 میلیون نفر	گرانث
11	دین جاینی	اوایل قرن 7 قبل از میلاد	هندوستان	در ابتدا بدون خدا و بعد خود مؤسس	4.2 میلیون نفر	آنگکه هالا (2)

تمرین:



- 1 - ارقامی که در مورد پیروان ادیان فعال جهان ارائه می‌گردد بعضاً دقیق نمیباشد، علل این موضوع را با تفصیل بیان کنید.
- 2 - طبق احصائیۀ وکی پدیا که یک دانشنامه آزاد است تعداد پیروان اهل سنت و جماعت و اهل تشیع را در جهان نشان دهید.
- 3 - به اساس ارقام گیری سال 2005 تعداد پیروان دین هندو را ذکر و اگر معلومات داشته باشید تعداد مسلمانان هند را بصورت تقریبی با فیصدی آن بیان دارید.
- 4 - دین مسیحیت به فرقه های متعدد تقسیم شده شما صرف نام برخی فرق مشهور این دین را نام بگیرید.
- 5 - ارتدکس فرقه ای است که هم در مسیحیت و هم در یهودیت وجود دارد از نظر شما این فرقه در هر دین چگونه یک فرقه مذهبی بوده میتواند؟ به کمک مدرس مضمون توضیح دهید.
- 6 - واجویانا یک فرقه ای از دین بودایی است شما بگویید این فرقه در کدام کشور آسیایی فعالیت دارد؟
- 7 - گبرها مربوط کدام دین بوده، تعداد پیروان و محل فعالیت این فرقه را ذکر کنید.
- 8 - سکولارها شامل کدام گروهها و اشخاص شده میتواند؟ نام بگیرید.
- 9 - طی چند گروپ روی جدول « معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان » بحث و مناقشه کنید.
- 10 - با ملاحظه دایرۀ ارائه شده چگونه میتوانید فیصدی پیروان ادیان مختلف را با دیاگرامها، گرافها و اشکال نشان دهید.

فصل سوم

ادیان هندوستان



درس اول

دین ودایی

اهداف:

- 1 - بیان چگونگی مهاجرت اقوام آریایی به هندوستان.
 - 2 - شرح مشترکات دینی اقوام آریایی و بومیان هندی.
 - 3 - معرفی ارباب انواع دین ودایی، وظایف و نقش آنها در خلقت جهان.
- قدیمی ترین دین هندوها دین ودایی است که از کلمه «ودا» که بمعنی دانش است گرفته شده، دین ودایی اکثراً بنام دین هندویی نیز یاد میگردد و شاید سابقه تاریخی 1500 سال قبل از میلاد را دارا باشد. آریایی ها در قرن 15 قبل از میلاد از سواحل دریای بالتیک و جنوب روسیه به مناطق افغانستان کنونی نقل مکان نموده و خود را «آریا» یعنی زیبا، دهقان و اصیل خوانده اند، در برخی این مناطق اقوام بومی زندگی داشته و دارای معتقدات مختلف دینی از جمله معتقدات توتمی، طبیعت پرستی و روح پرستی بوده و برخی از حیوانات مانند گاو، سگ، مار، اسب و هم بعضی از گیاهان را مقدس میدانستند و اقوام آریایی نیز با این معتقدات بیگانه نبوده و خداهای متعددی را پرستش میکردند (33: 331-332) و از آنها هر مراد و مقصد خود را میخواستند چنانچه فرد آریایی همواره در دعای خود میگفت: «ای خدای طبیعت (ایندرا!)» «اگر من هم میتوانستم مانند تومال و ثروت ببخشم پس هیچوقت کسی را که مصروف اطاعت و عبادت من میبود از داشتن یک رأس گاو محروم نمی ساختم».
- آریایی ها در قرن 15 پیش از میلاد به مناطق هندوستان فعلی رهسپار شده و اقوام بومی و سیاه پوست ساکن آنجا را بسوی جنوب هند راندند و خود را آریا، بادار و اصیل آنجا شمرده و معتقدات بومیان هند را که مسلماً دارای خصوصیات ویژه بود و سه هزار سال قبل از میلاد در بین آنها رواج داشته خرافی قلمداد کرده و خداهای آنانرا دیوان و غولانی بیش ندانستند. (37: 148).

هندوها و آریایی ها در برخی موارد وجوه مشترک پیدا کرده و از جمله خداهای مشترک مانند میترا (خدای آفتاب) را هر دو پرستش میکردند و خدای «اهورا» زرتشتیان و خدای «وارونا»ی هندوها دارای شباهت زیاد میباشد، و یا اهمیت یکسان قربانی نزد هندوها و آریایی ها.

دین ودایی (هندویی) قدیمی ترین دین شکل یافته و فعال جهان بوده و دارای پیروان زیاد میباشد، این دین تنها در قلمرو هندوستان محصور بوده و در جاهای دیگر جهان پیرو ندارد به

جز آن پیروان هندی این دین که از هندوستان به کشورهای دیگر نقل مکان نموده اند. دو دین فعال و رو به انکشاف جهان معاصر (دین مقدس اسلام و دین مسیحیت) به تعداد قابل ملاحظه ای از هندوها را پیرو خود ساخته اند خصوصاً دین مقدس اسلام در هندوستان نفوذ بیشتر داشته و متجاوز از صد میلیون هندی پیرو این دین سماوی و بر حق میباشند و در هر شهر و هر گوشه و کنار این کشور صدای آذان محمدی صلی الله علیه وسلم با آواز بلند شنیده میشود، وچنانچه همه میدانیم جدایی کشور پاکستان در اواسط قرن بیستم از پیکره هندوستان به اساس پیروی از دین مقدس اسلام صورت گرفته و حالا این کشور یک جمهوری اسلامی مستقل در سطح جهان است و بیشتر از 150 میلیون نفوس در آن زندگی میکنند. دین ودایی یگانه دینی در جهان است که بر بنیاد نظام طبقاتی - اجتماعی کاست استوار بوده و بر آن عقیده و باور دارد. از نظر تاریخی در کشور هندوستان چهار کاست یا طبقه وجود دارند که این طبقات از یک نسل به نسل دیگری به ارث گذاشته شده اند، افراد متعلق به هر کاست و طبقه، خود را دارای برخی امتیازات دانسته و در این امتیازات خود را از افراد سایر طبقات ممتاز تصور میکردند تا جائیکه با افراد طبقه دیگر اجازه ازدواج کردن، همبازی شدن و دیگر روابط اجتماعی را نداشتند، این چهار طبقه قدیم کشور هندوستان عبارت اند از:

1 - طبقه برهمنان که امور دینی و روحانی جامعه را بدوش داشتند.

2 - طبقه حکام و جنگجویان.

3 - طبقه زارعان و صنعتگران.

4 - طبقه غلامان (38: 27-29).

علاوه از این چهار طبقه، امروز در حدود 58 طبقه که هر کدام به میلیونها نفر پیرو داشته در هندوستان وجود دارند و به قولی هم در حدود دو هزار طبقه فرعی و اگر فروعات خوردتر آنها را در نظر گیریم در حدود 19 هزار طبقه در این کشور زندگی میکنند، و هم به میلیونها فرد فاقد طبقه وجود دارند که اصلاً افتخار تعلق به پستترین طبقه اجتماعی این کشور را نیز با خود ندارند و رهبر فقید هند «گاندی» بر این افراد اصطلاح «هاريجان ها» را گذاشته بود و کوشش به خرج داد تا طبقه ای زیر نام «نچس ها» وجود نداشته باشد. و در جریانات جدید و معاصر هند نظام طبقاتی کاست ضربه شدیدی را متحمل شد و در حال فرو پاشیدن است و بطور خاص «نچس بودن» از نظر قانون اساسی هند غیر جایز دانسته شده است. چنانچه قبلاً گفته شد طبقات چهارگانه جامعه هند از جهات مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی و فرهنگی با هم تفاوت داشتند و این از زمانی آغاز شد که اقوام «هند و اروپایی» از سواحل دریای بالتیک از راه افغانستان کنونی بسوی سرزمین هندوستان سرازیر شدند، اقوام مهاجم آریایی سه طبقه اول را تشکیل داده که طبقات بلند جامعه آنوقت هند بشمار میرفتند. اقوام اصلی ساکن هندوستان (بومی ها و سیاه پوستان) طبقه غلامان و پستان را تشکیل داده اند. سه طبقه اول دارای امتیازات بیشتر بوده و خود را از نژاد اصیل و آریایی میخواندند و از جمله آنها طبقه اول (برهمنان) اهمیت مذهبی و روحانی نیز داشته و امور مذهبی دوران خود را تنظیم کرده و تا هنوز هم در جامعه هند امروزی تاثیر مذهبی و روحانی خود را حفظ نموده است. مراسم قربانی بدون برهمنان صورت گرفته نمیتواند، تنها برهمنان اند که با خواندن اوراد و اذکار عبادت قربانی را در بدل اجره ایکه اکثراً یک یا چند رأس گاو میباشد انجام میدادند، در سرود شماره دهم کتاب دهم ریگ ویدا در مورد اجره قربانی چنین آمده است: «اگر کسی به برهمن یک رأس گاو بدهد تمام دنیا به او داده خواهد شد». خلاصه برهمنان بطور کل عهده دار تمام امور دینی در هندوستان بشمار میرفتند (14: 274).

دین ودایی که قدیمی ترین و بزرگترین دین هندوستان بوده و اساس دین برهمایی و دین هندویی معاصر را گذاشته دارای چهار کتاب مقدس است که بنامهای یا جور ودا، اتاروا ودا، ساما ودا، و ریگ ودا معروف میباشند.

کتاب یا جور ودا تشریفات مربوط به قربانی و سایر مراسم مذهبی هندوها را بیان میدارد، قربانی در معتقدات این دین اهمیت خاصی دارد و از قربانی کردن چند هدف در نظر است: اول - مردگان بخاطر بقای خود به خوردن قربانی احتیاج دارند. دوم - ارباب انواع نیز به قربانی علاقه میگیرند.

سوم - در زیادت مال و اولاد ذکور، صحت و زیادت عمر قربانی کننده تاثیر مستقیم دارد. کتاب اتاروا ودا از کلمه اتاروان یا اذروان که بر محافظان آتشکده ها اطلاق میگردد گرفته شده، این کتاب تشریحات مربوط به عبادت آتش، سحر و کهانت را بیان کرده است. کتاب ساما ودا شامل سرود های دینی راجع به قربانی است.

کتاب ریگ ودا شامل سرود های روحانی است که برخی از آنها قصه خلقت را بیان میکند و برخی دیگر آن را باب انواع طبیعت را مورد خطاب قرار میدهد.

دین ودایی به خدای برهما که حضور مطلق دارد معتقد میباشد، در حقیقت هندوهای ارتودوکس به هر گونه اعتقاد اعم از پرستش خدا، چند خدایی یا شرک و یا وحدت وجود باور

داشته اند.

این دین با اعتقاد نظری به یک «روح جهانی» ذاتی و درونی، جهان شمول و سرتاسری پاک، تنوع بیشتر پیدا کرده و ادیان مختلف هند از آن سرچشمه گرفته اند (42: 39).

اما این دین بطور خاص ارباب انواع ایندرا، وارونا و میترا را نیز مورد عبادت و پرستش قرار داده است (21: 56-57). ایندرا رب النوع طبیعت، رعد و برق، طوفان و باران و تاجایی رب النوع مبارز و جنگجو و مدافع مردم است یعنی میشود ایندرا را رب النوع خشونت نیز نام داد ولی در مقابل وارونا رب النوع خرد و عقل است، این رب النوع اگر چه ابتداء رب النوع آسمان ستاره دار شب است ولی بعد بجای رب النوع رهنمای انسان، جهان و اخلاق قرار میگیرد. میترا رب النوع آفتاب، روشنی، نیکی، راستی و عدالت است که وارونا نیز در این امور با او همکاری میکند. ادی تی مادر میترا و وارونا است. دی اوس پیتار پدر بسیاری از ارباب انواع هند است و فرزند مشهورش ثریا رب النوع آفتاب نام دارد. مانو رب النوع قانون، و واتا رب النوع باد است.

این همه ارباب انواع دین ودایی شباهت زیادی به انسان دارند که کم کم ارزش خود را از دست داده و در نتیجه رب النوع آگنی رب النوع آتش، و سوما رب النوع شراب و آب حیات در صدر و اول ارباب انواع قرار گرفته اند که برای سایر ارباب انواع از طریق قربانی که اهمیت زیادی در این دین دارد، احتیاجات آتش و آب را رفع می نمایند.

از نظر دین ودایی نقش خلفت جهان و عالم وجودگاهی برای آگنی رب النوع آتش، گاهی به ایندرا رب النوع طبیعت و گاهی هم به سوما رب النوع شراب و آب حیات داده میشود و بعضاً این نقش را به رب النوع تمام اشیای زنده بنام پراچاپاتی داده شده است و گاه گاهی در این زمینه از خدای واحد و یگانه نیز صحبت کرده اند (40: 16-17).

تمرین:



- 1 - اقوام آریایی از کجا، چه وقت و چگونه به سر زمین پهناور هندوستان سرازیر شدند؟ مختصراً توضیح دهید.
- 2 - مشترکات اعتقادی اقوام آریایی و بومیان هندی را با اختصار ذکر کنید.
- 3 - چگونگی جدا شدن کشور پاکستان از هند را معلومات داده و تعداد تقریبی مسلمانان در هند امروزی را ذکر کنید.
- 4 - دین ودایی نظام طبقاتی کاست را بر هندوستان قدیم مسلط ساخته شما طبقات معروف اجتماعی این نظام را صرف نام گرفته و طرز زندگی طبقات فرعی را بیان دارید.
- 5 - اهمیت طبقهٔ برهمن در نظام طبقاتی هند قدیم را با مثال ذکر کنید.
- 6 - کتب چهارگانهٔ ودایی را نام گرفته و از محتویات آن بطور مختصر معلومات دهید.
- 7 - ارباب انواع مورد پرستش دین ودایی را ذکر نموده و برهما را معرفی کنید.
- 8 - نقش خلقت جهان را در دین ودایی به کدام یک از ارباب انواع نسبت میدهند؟ ذکر نموده و علت این نسبت را نیز بیان دارید.

درس دوم



دین برهمنی و دین هندوی معاصر

اهداف:

- 1 - شرح چگونگی پیدایش دین برهمنی و توضیح معتقدات آن.
- 2 - توضیح مسأله تناسخ ارواح، برهمن، آتمن و سلوک عرفانی مکتب فلسفی یوگا.
- 3 - معرفی دین هندوی معاصر، معتقدات، مراسم معروف و وضع شهر بنارس.

1 - دین برهمنی:

دین برهمنی بر بنیاد دین ودایی تشکیل شده و برهمنان برای احراز موقعیت هر چه خوبتر دین در جامعه هند دست به یک سلسله اصلاحات در دین ودایی زدند، این اصلاحات طی قرون 9 تا 6 قبل از میلاد صورت گرفت و دین ودایی آهسته آهسته جای خود را به دین برهمنی تخلیه نمود. در دین ودایی اعتقاد به ارباب انواع گوناگون از قبیل «ایندرا» «رب النوع طبیعت، «میترا» رب النوع آفتاب یا آسمان در وقت روز، و «وارونا» رب النوع آسمان در وقت شب وجود داشته است. به قربانی ارزش بس بزرگی داده میشد، اینگونه اعتقادات ودایی تا قرن نهم پیش از میلاد دوام کرد و بعد در دین برهمنی که نتیجه کار و اصلاحات برهمنان است بجای ارباب انواع گوناگون و متعدد یکتا پرستی و توحید نسبی توجه جامعه هند را بخود جلب میکند و من بعد بروح جاویدانی عالمی که ارواح انسانها نیز منشعب از آن میباشد معتقد میشود، و با وجود اصرار به رستگاری از راه قربانی به رستگاری از راه معرفت نیز پافشاری دارد.

علاوه از کتب ودایی در دین برهمنی کتب برهمنان یا اصول اعمال دینی و عبادات و کتب اوپانیشاد یا محاورات محرمانه نیز وجود دارد. کتب برهمنان بین قرن 8 الی 6 قبل از میلاد نوشته شده و کتب اوپانیشاد در فاصله قرن 6 الی 3 قبل از میلاد تالیف و حیثیت نتیجه و پایان ودا را دارا میباشد، محتوی کتب اوپانیشاد متعلق به وحدت، آزادی، صلح و آرامش روح است و شوپنهاور در غرب راجع به این کتب گفته است:

« در جهان هیچ نوع مطالعه به اندازه اوپانیشادها سودمند و ترقی دهنده نیست. اوپانیشادها مایه تسلی خاطر من در حیات بود و پس از مرگ هم تسلی بخش من خواهد بود » (19: 85).

دین برهمایی بر وجود برهمن (نفس جهانی) و وجود آتمن (نفس انسانی) عقیده دارد. از نظر این دین جوهر وجود ما جسم یا فکر یا فرد نیست بلکه آن وجود خاموش بی شکل مایه وجود ماست که نامش «آتمن» میباشد، در قدم دوم برهمن است که بی شکل، بی جنس و جوهر نافذ و لمس نا پذیر جهان (واقعیت واقعیت ها) است. برهمن تولد نشده و مرگ بر او طاری نمی شود، در حقیقت روح تمام موجودات عالم است در حالیکه آتمن روح همه ارواح و یگانه قدرتی است که همه نیروها را احاطه کرده است. در قدم سوم آتمن و برهمن با هم یکی است. از اول تنها برهمن وجود دارد که خالق ارباب انواع است، برهمن در بالا و پائین، جلو و عقب موجود است، خالق آسمان، زمین، هوا، روح و جسم ما است، برهمن اساس وجود هر حقیقت است و شباهت زیادی با «مانا»ی اقوام ابتدایی دارد. محققان هند زمانی که اساس جهان بیرونی را برهمن دانسته متوجه درون و باطن خود شده که در آن آتمن را مشاهده کردند، از نظر آنها جسم انسان از طریق نفخه و نسیم مرکزی که آتمن نام دارد حیات خود را در می یابد.

محققان این دین چون در برهمن، مطلق خارجی و در آتمن، مطلق داخلی و باطنی را مشاهده کرده بنابر آن به اتحاد و شخصیت کامل برهمن و آتمن پی برده و آنرا حقیقت مطلق «آتمن - برهمن» دانستند.

از نظر دین برهمایی جهان بدو شکل پدیدار میگردد:

1 - هستی مطلق.

2 - هستی مشابه به هستی مطلق.

هستی مطلق را وحدت وجود و هستی دومی را کثرت نام میگذارد. بدبختی موجودات در کثرت وجود است پس بهتر است با کثرت مبارزه کرد و کثرت شوم را از وحدت سعادت بخش وجود جدا نمود. در جهان کثرت، تولدات پی در پی صورت میگیرد، اعمال نیک و بد انسان، تظاهر مجدد بهتر و یا بدتر او را در قبال دارد، انسان وقتی از این تولدات رهایی می یابد و رستگار میشود که او جز آتمن کس دیگری را نخواهد، در این صورت به جسم دیگر حلول نمیکند و بسوی برهما مراجعت مینماید، چه او در زندگی قبلی راه تنعم را رها کرده و به هوای نفس جواب مثبت نداده و صرف در صد دریافت برهمن - آتمن گردیده است پس تناسخهای دیگر در حق او پایان یافته و به سعادت ابدی می پیوندد.

بنابر این نظریهٔ دین برهمایی است که مکتب فلسفی مرتاضان هند «یوگا» تحت نفوذ آوردن نفس سرکش را پیشنهاد میکند، معنی یوگا «یوغ» است که به معنی سیر و سلوک زاهدانه بوده که در اثر آن سالک مشتاق، یوغ امساک نفس را بر گردن خود میگذارد تا آنرا از همه خواهشات مادی پاک نگهدارد و به قدرت و نیروی فوق طبیعی راه یابد و از تناسخهای پی در پی رهایی جوید. این سیر و سلوک مکتب یوگا منزل های گوناگون دارد که سالک مشتاق باید آنرا طی کند:

1 - منزل اول مرگ امیال است که روح، علایق خود را از میلانهای مادی قطع میکند.

2 - رعایت صادقانهٔ برخی خصایل است مانند پرهیز گاری، تطهیر نفس، پاکیزگی و خرسندی.

3- قرار گرفتن در یک وضعیت مخصوص جسمی است که هر نوع حرکت و احساس را متوقف میسازد، قرار دادن پاها روی رانهای مقابل، خم کردن چانه بر قفس سینه و دوختن چشم برنوک بینی.

4- تنظیم تنفس که در آن انسان همه چیز را فراموش میکند به جز تنفس کردن و خود را به حد اقل تنفس عادت میدهد.

5- تجربه ای که در آن ذهن سالک همه حواس را نظارت میکند و خود را از همه مطالبات حسی دور نگهدارد.

6- تمرکز، در این منزل سالک به یک مطلب تمرکز حاصل نموده و زمینهٔ آن مساعد میشود که جوهر غیر مادی حقیقت را درک کند.

7- تأمل، این حالت با تکرار مداوم هجای اوم صورت میگیرد و سالک به قلهٔ یوگا میرسد.

8- حالت جذبه، در این منزل ذهن آخرین «اندیشه» خود را هم از دست میدهد و معرفت جاودانی که همه چیز را بصورت واحد درک میکند برای او حاصل میشود. این حالت غیر قابل انتقال به نوآموزان است و فقط یوگا صرف از طریق سیر و سلوک یوگا قابل درک است و بس (19: 93-95).

2- دین هندوی معاصر:

در مقابل قدرت برهمنان دو دین جدیدی بنامهای جینا و بودا عرض وجود کردند که برهمنان را مجبور ساختند تا دین برهمایی را انسجام بیشتر دهند و زمینهٔ آنرا مساعد سازند که دین

هندویی پا به عرصه و جود گذارد دینی که در قرن معاصر هم مورد تعمیل هندیان قرار دارد. دین هندویی معاصر مجموعه ای از معتقدات دین توتمی، طبیعت پرستی، روح پرستی و معتقدات دین ودایی، دین برهمایی و تزئیدات دیگری است که توسط برهمنان از قرن 6 قبل از میلاد تا قرن اول میلادی به آن ملحق شده است.

در دین هندویی معاصر جنبه اخلاقی نسبت به سایر جنبه ها جای خوبی گرفته است که این موضوع در اصل تناسخ و ثواب و عقاب بخوبی به مشاهده میرسد. این دین از شدت بدینی دین برهمایی در مورد وجود شر و رنجهای تناسخ کاهش قابل ملاحظه ای بعمل آورده است. دین هندو که از قرن اول میلادی تا امروز در هندوستان % 85 پیروان دارد از تناقضات طبقاتی و تفاوتهای آشتی نا پذیر اجتماعی که بدست برهمنان بر جامعه هند طاری گردیده بود کاست و آنرا شکل مطبوعتری بخشید تا قابل قبول برای همه شده بتواند.

در این دین گرچه به ارباب انواع متعددی عقیده وجود دارد ولی در ورای آن توحید و یکتا پرستی نیز متظاهر است به این معنی که آنها معتقد به یک منشأ و *علة العلل* اند اما چون این منشأ و *علة العلل* قابل فهم برای عامه نیست بنابر آن در وجود سه مظهره دیگر تبارز کرده است (8: 123). و این اعتقاد آنها شباهت زیادی به تثلیث مسیحیان (اب، ابن و روح القدس) و یا سه اصل سقراط فیلسوف بزرگ یونان (خیر، نیکو و زیبا) دارد (17: 25). این سه مظهره دین هندو عبارت اند از:

- 1 - برهما خالق جهان
- 2 - ویشنو نگهبان جهان
- 3 - شیوا فناکننده جهان (33: 245).

از نظر این دین جهان ازلی و ابدی است، بود، هست و خواهد بود و روح موجودی است جاودانی که بعد از تناسخهای پی در پی به روح عالمی می پیوندد. دین هندویی معاصر بر علاوه اینکه به کتب سابقه وداها، برهماناها و اوپانیشادها عقیده دارد به کتب دیگر نیز معتقد است، مانند کتاب «مهابهاراتا» که شامل قصه های حماسی و اخلاقی است و در فاصله قرون دوم و سوم پیش از میلاد تحریر یافته است، این کتاب عمدتاً شامل شرح جنگ بزرگی است با اشتراک ارباب انواع و انسانها و یکی از علل این جنگ هم گم شدن زن زیبایی از میان یک ملت و افتادن او بدست ملت دیگر است، لذا مهابهاراتا از این جهت به ایلید شباهت دارد که توسط هومر شاعر یونان قدیم نوشته شده است. «پورانا»

مجموعه ای از داستانهای قدیمی است. «مانو» کتابی است شامل مبادی حقوقی و قانونی و میتوان آنرا اساس قوانین مدنی و جزایی هندوستان دانست، این کتاب در فاصله قرن اول و دوم پیش از میلاد بدست برهمنان نوشته شده است و مطابق حکم این کتاب زن هندی یک موجود فاقد اراده و مطیع و فرمانبردار مرد (پدر، شوهر و یا پسر) میباشد، در این دین زندگی و مرگ زن مربوط بوجود مرد است و مانند سایه او را تعقیب میکند، زن، موجود فاقد روح است و نمیتواند بدون مرد زندگی کند، بنابر این عقیده احياناً زن هندی پس از مرگ شوهر با جسد او خود را آتش زده میسوزاند و این کار را جزء افتخارات خود و نمونه صداقت، عفت، پاکدامنی و وفاداری نسبت به شوهر خود میدانست و اگر زن حمل میداشت بعد از وضع حمل خود را آتش میزد.

چنانچه قبلاً نیز بعض رسید دین هندویی معاصر از ادیان اقوام ابتدایی مانند توتمیسم، طبیعت پرستی و روح پرستی بهره دارد و از همین جهت است که در این دین به برخی از حیوانات، گیاهان، دریاها و اماکن اهمیت خاص دینی داده میشود. ویشناویسم و شیوائیسم (مذاهب مربوط به ویشنو و شیوا) دو دینی اند که توسط هندیان عام عملی میشوند، این دو دین باهم روابط دوستانه داشته و گاهی مراسم قربانی آنها در یک معبد انجام میگردد و برهمنان هوشیار که مورد تایید اکثریت مردم هند اند نیز به این دو رب النوع یکسان احترام قایل هستند.

در دین هندو حیوانات مقدس زیادی وجود دارند که در مرتبه اول گاو ماده و بعد به ترتیب میمون و مار است، درختان و دریاها ی مقدس مانند گنگا نیز مورد اعتقاد این دین میباشد. تناسخ و مهاجرت ارواح یکی از اصول دین است، مراقبت و توجه در تشییع جسد مردگان به تظاهر مجدد مردگان کمک میکند، خاکستر مردگان را در دریای مقدس گنگا می اندازند. در این دین مراسم خاص دینی وجود دارد مانند احترام گذاشتن به ارباب انواع، انجام فرائض به افتخار آنها، مراقبت مجسمه های ارباب انواع و حیوانات مقدس، تغسیل در رود خانه های مقدس، رفتن به زیارت معبد های بنارس. این شهر مرکز زندگی دینی در هندوستان است، به این شهر زائرین زیادی می آیند و گاوها و میمونهای گویا مقدس را مشاهده میکنند.

دو هزار معبد، پانزده صد مجسمه ارباب انواع، حمامهای گویا مقدس، انبارهای مخصوص سوزانیدن اجساد برای زیارت و مشاهده آنان وجود دارند و از جالبترین نمایشگاه های دنیا محسوب میشود و این شهر برای هر زائر چیزهای زیادی برای نمایش دارد که هر کدام یک

فکر و نظریه دینی هندی را منعکس مسازد (19: 106-107).

تمرین:



- 1 - دین برهمنی چه وقت و چگونه بمیان آمد؟ کتب مقدس این دین را معرفی کنید.
- 2 - برهمن و آتمن را که مورد اعتقاد دین برهمنی قرار دارند مختصراً معرفی کنید.
- 3 - موضوع تناسخ و مهاجرت ارواح را از نظر این دین شرح دهید.
- 4 - مکتب فلسفی یوگا را معرفی و هشت منزل سیر عرفانی این مکتب را بیان دارید.
- 5 - علل پیدایش دین هندویی معاصر را جستجو و توضیح نموده و مجموعه معتقدات آنرا ذکر کنید.
- 6 - تفاوت‌های دین هندویی معاصر را با ادیان ودایی و برهمنی مقارنه و مقایسه کنید.
- 7 - سه مظهره دین هندو را نام گرفته و از روابط صلحجویانه دین ویشنو و شیوا معلومات دهید.
- 8 - مراسم معروف دین هندویی معاصر را ذکر و شهر مذهبی بنارس را معرفی کنید.
- 9 - در مورد وضع دینی مردم هند معلومات اضافی ارائه دهید.



درس سوم

دین بودایی

اهداف:

- 1 - معرفی مختصر شخصیت بودا.
- 2 - معرفی مختصر مبانی معروف دینی دین بودایی.
- 3 - معرفی چهار حقیقت دین بودایی.
- 4 - انحطاط دین بودایی چگونه بطور مستدل اثبات میشود؟

قبل از اینکه راجع به دین بودایی چیزی بنویسیم لازم است تا ابتداء راجع به خود بودا مؤسس این دین معلومات ضروری را ارائه کنیم:

بودا:

نام اصلی بودا، گوتاما است که در میانهٔ قرن ششم پیش از میلاد یا دقیقتر در 563 ق. م در شمال هندوستان در یک خانوادهٔ مربوط به نجباء چشم به جهان گشود و چند روز از تولدش گذشته بود که مادرش وفات نمود، او به سن جوانی رسید و با عیش و عشرت زندگی مرفه را سپری میکرد، او ازدواج نمود و صاحب یک پسر گردید، بودا با وجودیکه زندگی مجلل داشت از زندگی خود چندان لذت نمیبرد، علت این حالت بودا را در چهار واقعه تشخیص نموده اند که در بیرون از خانه به آن مواجه شده است. او یکبار در بیرون از خانه پیر مردی ناتوان را دید که در عواطف بودا سخت مؤثر واقع شد و به بی مفهومی جوانی پی برد، بار دیگر در بیرون از خانه و قصر مجلل خود بیمار و مریضی را دید که با مریضی دست و پنجه نرم میکند، او با مشاهده وی باور خود نسبت به سلامتی و صحتمندی را نیز از دست داد، در بار دیگر جنازه ای را دید که بسوی سرنوشتش حمل میکنند، در مجموع زندگی را یک چیزی بی مفهوم و بی اهمیت یافت، اما در دفعهٔ دیگر از قصر خود بیرون شده راهبی را دید که با بسیار آرامش و سکون زندگی خویش را سپری میکند، زندگی آرام این راهب تاثیر زیادی به روح و روان او گذاشت و تصمیم گرفت تا راه زهد و تقوی را پیشه کند و زندگی مجلل خود را با خانم و یگانه فرزند دوست داشتنی اش رها کند، او به سن 19 سالگی خانه و کاشانه خود را ترک کرده راهبی در دشت و صحراء شد و هفت سال تمام را به شیوهٔ ریاضت و پرهیزگاری سپری نمود، پنج زاهد و دوست دیگر نیز با او همراه بودند ولی بودا بعد از گذشت هفت سال درک

کرد که ریاضت کامیابی را دربر ندارد و یک کار بیهوده است، زاهدان دیگر از تغییر رویه بودا اندوهگین شده و او را رها کردند، بودا حمام کرد و بطور معمول غذا صرف نمود. بودا بعد از این در زیر درخت انجیری می نشست و همواره به تفکر و اندیشه عمیق مصروف میبود تا اینکه نظر به ادعای بودا و پیروانش در یکی از شبها حقیقت بر او آشکار گردید و من بعد لقب بودا (عارف نورانی) به او داده شد، و اولین مومنان این دین عبارت از آن پنج نفر زاهدی اند که در هفت سال ریاضت با او یکجا بودند.

دین بودایی:

دین بودایی اولین دین دنیا است که در آن زمان شکل جهانی بخود گرفته است، در این دین بعد از فوت بودا او را بدرجه الوهیت رسانیدند و ارباب الانواع زیاد دیگری نیز مورد اعتقاد پیروان این دین قرار گرفته اند، بودا خود با فداکاری بدنبال نجات جهان و جهانیان بود و آرزو نداشت خود مورد پرستش قرار گیرد، در این دین برعکس دین هندو به گرفتن مزه، قربانی های مذهبی و غیره تشریفات اهمیت وجود ندارد بلکه در مقابل تاکید میگردد تا بر نفس کنترل صورت گیرد و با هوشیاری بر نفس غلبه حاصل شود و از این طریق آرامش را بدست آورد، در این دین به نظام طبقاتی پشت پا زده شده و هر کس فرد مبارکی است و میتواند برهمین شود، ای احمق در درون تو سیاهی و درنده خویی است اما بیرون و ظاهر تو تمیز به نظر میرسد (42: 105).

از نظر این دین عواقب عمل و کار هر فرد متوجه خودش است و خود او است که سرنوشت خود را معین میکند نه وضع موروثی طبقاتی، وضع اجتماعی، سرنوشت، رب النوع ویا شیطان. و این موضوع را بنام «قانون کارما» یاد میکند. به اساس این قانون شخصی به اساس کار بدی که انجام داده به پادشاه جهنم آورده میشود و از طرف او محکوم به مجازات میگردد. در این دین به ضد خود خواهی مبارزه صورت میگیرد و به تناسخ ارواح اعتقاد وجود دارد که به اساس قانون «کارما» یعنی عمل و عکس العمل روح انسانی به اجساد دیگری منتقل میشود تا اینکه روح، دیگر ضرورت به تناسخ را نمی بیند و به «نیروانا» یعنی حالت سعادتبار میرسد و دیگر در حق آن تناسخ به پایان میرسد، نیروانا به معنی نابودی کامل نیست بلکه به معنی آزادی بی قید و شرط از تناسخ است.

در دین بودایی در هر دو هفته یکبار اجتماع پیروان تشکیل میشود تا 227 قاعده دینی را بین خود تکرار کنند و به توافق، خوش مشربی و ترک نزاع دست یابند. برای عبادت تعداد زیادی

معابد یا استوپه ها، داگوبه ها و پاگوده ها وجود داشته که در هر جا نامهای آن با هم تفاوت دارند. کتاب دینی این دین «تری پیتاکا» یا سه سبد است که یک سبد آن بنام سبد دسپلین و انضباط یاد میشود که شامل آن قواعد و اصولی است که به اشخاصی تعلق میگیرند که تازه به دین بودایی میپیوندند. سبد دومی سبد آموزش نام دارد که حاوی بیانات شخص بودا میباشد. سبد سومی نظریهٔ میتافیزیکی است که حاوی موضوعات روانشناسی و بخشهای نظری این دین میباشد.

عبادت و چهار حقیقت دین بودایی:

در دین بودا به کدام خدای مخصوص عبادت صورت نمیگیرد و خود بودا نیز کدام پیامبر و تجسمی از خدایان نیست بلکه بودا صرف یک رهنما است که میتواند راه «معرفت» را به مردم نشان دهد. در دین بودایی عوض عبادت و دعاها به تمرین های مراقبه، جذب، تفکر و تعمق اهمیت داده میشود و همچنان در این دین به تجربه و تحقیق آزاد افراد نسبت به سماعیات و سنن تعبدی ارج فراوانی گذاشته میشود. از نظر دین بودایی هیچ چیز ازلی و ابدی بوده نمیتواند، و در تعلیمات این دین از خدا و توحید و خلقت آفریدگار سخن بمیان نمی آید، دین بودایی عقیده دارد که تفکر کردن باید در مسایلی صورت گیرد که کشف حقیقت آن ممکن باشد و این تفکر به اساس تجربهٔ مشخص استوار باشد بنابر این نباید در مسایلی نظیر جسم و روح، ازلی و ابدی بودن جهان، رستاخیز و زندگی در جهان دیگر به تفکر و تعمق پرداخت.

بودا جهت رهایی و نجات از بدبختی به چهار حقیقت ذیل معتقد است:

- 1 - «پی بردن به این امر که این جهان جز درد، عذاب و رنج نیست، در نظر بودا تناسخ ارواح یکی از شرهایی است که انسان با آن دست به گریبان است. ولادت، مرض، پیری و مرگ عذابهایی است که با اصل تناسخ جهت آزار انسان دست بدست هم داده اند».
- 2 - «اساس و شالوده تمام عذابها، آرزوها و خواهشات است. در این دین خواهش و آرزوی بقای وجود با هستی وجود ارتباط داده میشود، هستی پر از درد و رنج و توأم با ترس از مرگ. این خواهش و آرزو اساس همه بدبختی های انسان را تشکیل میدهد».
- 3 - «عذاب و درد را باید توسط معرفت و شناختن آرزوی بقا و قطع هر گونه علایق با اینگونه آرزو از بین برد».
- 4 - «باید درد و رنج را با عقیدهٔ مقدس، قول مقدس، عمل مقدس، تفکر مقدس از خود دور

ساخت (8: 151-158).

دین بودایی از پیرو خود هیچگونه عبادت و نمازی را نمی خواهد صرف او را دعوت میکند بر اینکه: در پی کسب معرفت باشد، شجاعت را در طول حیات خود از دست ندهد، حقیقت را دوست داشته باشد، صابر و ثابت قدم باشد، و جیبۀ خود را بشناسد، التفاتی به غم و سرور نداشته باشد، مهربان و عفو کننده باشد (15: 283-287).

علاوه از آن دین بودایی پیرو خود را اینطور تربیت میدهد: از سرقت، دروغ گفتن، زنا کردن، شراب خوردن و کشتن جاندار پرهیز کن! و در ایام روزه داری از استعمال عطر و وسایل آرایش، تنبلی، پرخوری، پول پرستی، هوا و هوس خود داری کن! (38: 53-55).

انحطاط دین بودایی:

دین بودایی در طی 13 قرن (از قرن 6 ق. م تا قرن 7 میلادی) به انحطاط و فساد گرایید و نتوانست با شرایط مسلط جامعه آنوقت هند خود را مطابقت دهد از جمله انحطاطات دین بودایی یکی این بود که ازدواج را یک امر بسیار پست تلقی نمود و با زنان مانند حیوانات بر خورد صورت میگرفت، زنان موجودات فاسد و شر انداز معرفی شده و از همین جهت است که از نظر این جواز ندارد مرد در یک خانه با خواهر، مادر و دختر خود تنها بماند. در این وقت معابد به مراکز تجمع فساد گران و گناهکاران مبدل گردید و از طرف دیگر برهمنان که از دین بودایی خود را متضرر میدانستند بر علیه آن سرسختانه مبارزه نمودند و در آن موقع نفوذ دین مقدس اسلام در سر زمین هندوستان نیز خالی از تاثیر نیست. این همه عوامل باعث شد که دین بودا در قرن هفتم میلادی جای خود را در هند خالی کند و در کشور های مجاور مانند چین، برما، جاپان، سیلان، تبت و دیگر کشورهای منطقه به پیشروی خود ادامه دهد. (33: 372-373).

و در این اواخر این دین در کشورهای تایلند، تبت، کامبودیا، لائوس و برما دین رسمی گفته میشود و در جاپان و چین نصف نفوس را پیرو خود ساخته است (8: 165-166).

تمرین:



- 1 - بودا چه وقت و در چگونه شرائط خانوادگی و محیطی متولد گردید؟ مختصراً شرح کنید.
- 2 - چه عوامل باعث گردید که بودا زندگی مجلل خود را رها کرده و راهی صحراء شود؟ این موضوع را با ادعای وی و پیروانش مبنی بر القاء و الهام توضیح دهید.
- 3 - کدام نظریات دین هندویی مورد پذیرش دین بودایی واقع نشد، با اختصار بیان کنید.
- 4 - راجع به اصل تناسخ، نیروانا، و کارما طی سه گروپ معلومات دهید.
- 5 - وضع عبادت را در دین بودایی توضیح کنید.
- 6 - هدف از چهار حقیقت دین بودایی چیست؟ بطور مختصر جروبحث نمایید.
- 7 - راجع به انحطاط این دین در هندوستان و نشر آن در کشورهای منطقه معلومات دهید.
- 8 - وضع زنان را در این دین وضاحت دهید.
- 9 - برای توضیح بهتر موضوعات این دین از مواد و منابع ضروری استفاده کنید.



درس چهارم دین جاینی

اهداف:

- 1 - به تصویر کشیدن زندگی و شخصیت مهاویرا.
- 2 - توضیح چگونگی نفی اعتقاد بوجود الله و ارزش متعالی.
- 3 - تحلیل اصول دینی و اصل اهیمنسای این دین.
- 4 - مقارنه بین دین جاینی و دین بودایی.

مهاویرا:

مهاویرا (فاتح بزرگ) رهبر و مؤسس دین جاینی است، گرچه به ارتباط زندگی وی در کتب دینی این دین به تفصیل چیزی ذکر نشده صرف در سه جای راجع به وی سخن بمیان آمده است: مادر مهاویرا 14 خواب عجیب دید که این خوابها را بعنوان مقدمه تولد یک پسر برجسته تعبیر نمود، تغییر مثبت وضع مالی و اقتصادی خانواده و برخی وقایع خوش آیند دیگر در زمان تولد وی بوقوع پیوست، مهاویرا پسر دوم خانواده است که در منطقه شمالی هندوستان در شهر وسالی در فامیل یک راجه کوچک متولد میشود، او زندگی مجللی داشت و در طفولیت بواسطه پنج تن خدمتگار مراقبت میگردید، او با دختر یکی از خانواده های اشرافی ازدواج کرده و صاحب یکدختر شد. مهاویرا بعد از فوت والدین در سی سالگی طبق یکی از طریقه های معروف دین هندویی به گوشه نشینی روی آورد تا از این راه به رستگاری و تقوی برسد، او تمام لباسهای فاخر خود را کشیده و موهای خود را کنده و نذر نمود و هم دارایی خود را به فقیران بخشید، این حالت وی برای ارباب انواع دین هندویی تکان دهنده بود. در اول او 13 ماه لباس می پوشید ولی بعد از آن یک زاهد برهنه بود و شکنجه های جسمانی سختی را از انسانها و حیوانات متحمل میگردید، برای 12 سال مصروف اندیشه و تفکر گردید، کاه و طلا، خوشی و رنج، بوی بد نجاست و بوی خوش چوب صندل، به او بی تفاوت بود، نه به مرگ علاقه داشت و نه به زندگی متمایل بود، نه به این دنیا و نه آن دنیا بستگی داشت. بنابر ادعای پیروان این دین مهاویرا در سال سیزدهم ریاضت خود به نیروانا و حالت سعادتبار رسید. زمانیکه او درک کرد که دیگر هم بر بدن خود و هم بر جهان تسلط کامل دارد خود را از ریاضت و گوشه نشینی کشید و بحیث یک آموزگار موفق در آمده و پیروان

زیادی پیدا کرد، با چهار پادشاه وقت خود ملاقات کرد و حمایت آنها را بدست آورد و تا آخر زندگی بکار و عطا و تعلیم مصروف باقی ماند.

از نظر مهاویرا هیچ چیزی برای پرستش وجود ندارد و طبق این نظر باید یک زندگی آرام و بدون آزار را سپری نمود، پیروانش او را تقدیس و عبادت کرده و متون دینی او را معرفی نمودند.

دین جاینی:

مهاویرا پرستش هر گونه خدا و حتی صحبت از آنرا محکوم کرده و این دین با انکار هر گونه هستی متعالی در عالم شروع بکار نمود، از نظر این دین نباید گفته شود: خدایا باران را بباران! زمین را بارور ساز! بلکه باید گفته شود: ابر جمع شده و به زمین می آید و آنرا بارور میسازد، لکن این نظر بعدها با عکس العمل روبرو شد، مهاویرا خودش تا درجه خدایی پرستش گردید و پیروان این دین هرگز اجازه نمیدهد تا این دین را ضد خدا معرفی و یا کسی آنرا بی خدا بخوانند. از نظر این دین هر کس باید بوسیله عمل خود به کامیابی برسد. پیروان این دین در هندوستان معابد زیادی بنا کردند و در آنها به عبادت 24 راه یافته که آخرین آنها مهاویرا است می پرداختند و با وجودیکه میدانستند آنها عبادت شانرا درک کرده نمیتوانند و نه چیزی به آنها کمک رسانیده میتوانند اما در این طور عبادت یک ارزش درونی و ذهنی وجود دارد که باید انجام شود.

در دین جاینی بزرگترین فضیلت عبارت از ریاضت درویشانه و عدم آزار به جانداران دیگر است، باید از دوست داشتن و هم از تنفر و دشمنی کردن خود را نگهداشت، بخاطریکه این هر دو از اشکال وابستگی است، یک فرد کامل دین جاینی فرد زاهد، ریاضت کش، متواضع و غیر مهاجم بوده و کینه جو نیست (42: 67-79).

علت همه بدبختیهای انسان اتصال بین جسم مادی پست او با روح خالص و جاودانی است پس باید برای آزاد ساختن روح خود جسم را تحت فشار قرار داده تا به نیروانا برسیم. تفاوت روشن دین جاینی با دین هندویی در اینست که دین جاینی نظام طبقاتی هندوستان را محکوم مینماید.

خصوصیات دیگر این دین اعتقاد به اصل «کارما» است که طبق این اصل اخلاقی، مکافات و مجازات از طریق تناسخ ارواح صورت میگیرد، بموجب این اصل روح دوباره تولد شده و در

اجساد همین دنیای سراسر بدبختی حلول میکند و این حلول به چگونگی اعمال نیک و یا زشت او در زندگی قبلی مربوط است.

دین جایی به کتاب «آگاماس» که دارای 46 بخش است و آداب رهبانیت و روش تصفیه نفس را بازگو میکند اعتقاد شدید داشته و پیروان خود را به عملی کردن دستورات آن فرا میخواند.

دین جایی مانند دین بودایی به معرفت مقدس، عقیده و کردار مقدس اعتقاد دارد (31: 63) و به اساس این اعتقاد است که اصل قربانی، دعا و شفاعت دین برهمایی را مورد تردید قرار میدهد. کشتن حیوانات در آیین جایی جداً ممنوع است با اینکه این اصل در دین بودایی نیز دیده میشود، ولی در این دین اهمیت خاصی پیدا کرده و آنرا به کلمه «اهیمسا» تعبیر میکند.

پیروان این دین در طول راه با احتیاط قدم میگذارند تا مبادا حشره یی زیر پای آنان نشود، و آتش را کمتر در میدهند تا نشود حشرات خوردتری را بسوزاند. عمل به اصول این دین آنقدر مشکل به نظر میرسد که شاید از عهده آن تنها راهبان و گدایان آن دین بدر آیند (8: 176-181). و از همین جهت است که این دین توسعه بیشتری نیافته و در نهایت امر با برهمنان کنار آمده و عقاید آنانرا در برخی موارد پذیرفته است و حتی روی مجبوریت به مشروعیت طبقات اجتماعی نیز مجدداً حکم کرده و برهمنان را به رهبری دینی خود قبول نموده اند.

مقایسه ادیان بودایی و جایی:

چنانچه قبلاً گفته شد هر دو دین به طبقات اجتماعی چهار گانه هند اهمیت قابل نیستند، هر دو دین تعلیمات، آداب و شعایر دینی برهمایی را بی اعتبار خوانده و خدایان آنها را بی ارزش تلقی نموده اند، مؤسسان هر دو دین نه خود را پیامبر، نه خدا و نه تجسمی از خدا میدانند بلکه هر دو خود را رهبر و رهنما برای مردم بحساب می آورند، و هر دو دین به اصل تناسخ ارواح معتقد اند، و هر دو دین به «نیروانا» که بحثی از آن بعمل آمد نیز اعتقاد مشابهی دارند (33: 621-624).

اما تفاوت دین جایی با دین بودایی در اینست که دین جایی از پیروان خود یکنوع پیروی افراطی می طلبد و آنها را به پارسایی، زهد، تحمل مشقات و ریاضتهای طاقت فرسا و افراطی وادار میسازد و برای روزه گرفتن ارزش خاصی قابل است و اولین مذهبی است که به برهنگی پیروان خود امر میکند (البته جز کسانی که لاغر اند) و در نتیجه تضاد خاصی بین برهنگان و

لباس پوشان در این دین بمیان می آید.

تمرین:



- 1 - مهاویرا چه وقت و در چگونه شرایط خانوادگی و محیطی متولد شد؟ توضیح دهید.
- 2 - بعد از فوت والدین مهاویرا تغییری که در زندگی او نمایان شد شرح مختصر کنید.
- 3 - بعد از تسلط بر نفس، او چطور بر تعلیم اصول دین خود پرداخت، با اختصار وضاحت دهید.
- 4 - در دین جاینی به خدای خاصی اعتقاد وجود ندارد، این مسأله را در صنف وسیعاً جروب بحث کنید.
- 5 - بزرگترین فضایل را از نظر این دین بیان دارید.
- 6 - علت بدبختیهای انسان از نظر این دین در چه نهفته است؟ با دقت توضیح دهید.
- 7 - اصول کارما، نیروانا و اهیمسا را با اختصار شرح کنید.
- 8 - وجوه اشتراک و اختلاف ادیان جاینی و بودایی را بیان دارید.
- 9 - در مورد این درس از منابع و مواد درسی مناسب استفاده کنید.

درس پنجم



حرکات دینی قبل و یابعد از دین سکھی

اهداف:

- 1 - معرفی مختصر مذهب اکبرشاه.
- 2 - معرفی مختصر مذهب برهما سماج و راما کریشنا.
- 3 - معرفی مختصر مذهب کبیر.

ما در این درس به ارتباط چند مذهب جدید هند معلومات مختصر ارائه میکنیم تا مقدمه ای باشد به توضیح دین سکھی بابا نانک. این مذاهب عبارت اند از مذهب اکبرشاه، مذهب کبیر، مذهب برهما سماج و راما کریشنا. مؤسسين این مذاهب اهداف تقریباً نزدیک و با هم مشترکی داشتند، این اهداف دادن توافق و سازش بین ادیان هندو، اسلام، زرتشتی، جایی و مسیحی بوده که در نهایت میخواستند از طریق وحدت ادیان سرزمین هندوستان استقلال و وحدت ملی و سیاسی آنرا تامین نمایند.

1 - مذهب اکبر پادشاه:

در سال 1556 میلادی در هندوستان طفلی در یک خانواده متولد و نامش را محمد گذاشتند اینکه به سن جوانی رسید به اکبر پادشاه معروف گردید. در دربار این شاه، فارسی زبان رسمی بوده که خود خواست کتاب حماسی «مهابهاراتا» را به فارسی ترجمه کند و هم به سایر ادیبان در بار وظیفه سپرد تا ادبیات، تاریخ و علوم هند را به زبان فارسی برگردانند، این شاه به فلسفه علاقه ای خاصی داشته و میخواست در جنب اینکه یک پادشاه است یک فیلسوف نیز باشد، چنانچه برخی فلاسفه مانند افلاطون نظر داشتند تا یک فیلسوف پادشاه عصر خود نیز باشد. در زمان این پادشاه علوم، فنون و فلسفه رشد بیشتری یافت. او چندان تمایلی به فتوحات و گسترش سرزمین هندوستان نداشته، مذاهب و کیشهای گوناگون او را ناراحت میساخت و میگفت من منتظر یک مرد فیلسوف و صاحب بصیرت میباشم که مشکلات این سرزمین را حل کند، او خود چنین مرد فیلسوف و صاحب بصیرت گشت، او تمام ادیان هند را مطالعه کرد و برای مدتی نظریه تناسخ ارواح را پذیرفت. اکبر پادشاه از یکطرف تمام ادیان جامعه هند را مطالعه کرد و از طرف دیگر یکنوع استعداد خاصی را نیز کسب نمود تا به صاحبان هر دین خود را نزدیک ساخته و خود را از جمع آنان حساب کند. به اساس این

مهات بود که او بخاطر ارضای صاحبان دین جایی در روزهای معین کشتار حیوانات را ممنوع اعلان کرد و خود از شکار کردن حیوانات و پرندگان خود داری نمود، بخاطر پیروان دین هندو علایم دینی آنانرا را بر پیشانی خود زده و در محلات عام به سیر و حرکت میپرداخت، بمنظور راضی نگهداشتن زرتشتیان هند، پیراهن مقدس زرتشتی را به تن کرده و به زیر لباس خود کمر بند آنرا بسته مینمود، اینکه دین مسیحی جدیداً توسط پرتگالیها به هندوستان نفوذ داده شده بود، دو نفر علمای دینی خود را به پیروان آن دین فرستاد و هم تعدادی از یسوعیان به دهلی آمده بودند و او را به دین مسیح سخت علاقمند ساخته و فرمان داد تا انجیل را ترجمه کنند (19: 152-157).

او در هندوستان زمینه را قسمی مساعد ساخت تا هرکس بطور آزادانه راجع به دین خود ابراز نظر کند و خود به اصول دین اسلام چندان اعتنا نمیکرد و این بی اعتنائی او سبب شد تا مسلمانان هند از او ناراضی شوند، او میگفت الله را باید از طریق خرد و عقل پرستش کرد نه از طریق تبعیت کورکورانه و هر کس متناسب با وضع و حال خود نامی بر پروردگار متعال میگذارد. اکبرشاه از اختلافات دینی کشور خود در تشویش بود و فکر میکرد این اختلافات باعث خواهد شد تا بعد از فوت وی امپراطوری را متلاشی سازد و به این فکر شد تا دین و مذهب جدیدی را عرضه کند که اصول و مبانی تمام ادیان و مذاهب هندوستان را دربر داشته باشد. برای این مطلوب بزرگان تمام ادیان را دعوت کرد و کنفرانس وسیعی را تشکیل داده و در آن به شکل ماهرانه گفت: این امر نادرست است که اعضای یک امپراتوری از هم پراکنده بوده و دشمن یکدیگر باشند، ما بخاطر تامین وحدت دینی و سیاسی هند باید تمام ادیان را در یک دین که در آن خوبیهای و امتیازات هر دین وجود داشته باشد جمع کنیم، در این صورت ما خوبیهای دین خود را از دست نداده و علاوه از آن خوبیهای سایر ادیان را نیز از آن خود میسازیم. همه حاضرین به این پیشنهاد اکبرشاه موافقت خود را ابراز کردند و همه موافق شدند که بر خدا احترام میگذاریم و به مردم خود صلح و صفا می بخشیم. مذهب جدید اکبرشاه یک توحید وحدت وجودی است توأم با آتش پرستی زرتشتی و سنتگرایی هندویی. در این دین اصل دین جایی یعنی خود داری از خوردن گوشت و کشتن گاو در نظر گرفته میشود، گیاه خواری لااقل صد روز در یکسال برای هر فرد هندی جبری اعلان میگردد، خوردن سیر و پیاز بخاطر احترام به عقاید دینی بومیان ممنوع ساخته میشود، در این دین ساختن مسجد، گرفتن روزه ماه رمضان، زیارت کعبه شریفه و سایر مراسم اسلامی را غیر

قانونی اعلان کرد، آئنده مسلمانانی که با این فرامین اکبرشاه مخالفت نمودند محکوم به تبعید شدند.

این دین اسباب رضایت بسیاری از پیروان ادیان هندوستان را فراهم ساخته ولی باعث گردید مسلمانان هند از آن ناراضی بمانند. اما آهسته آهسته این دین نفوذ خود را از دست داده و تعداد محدودی پیرو به آن باقی ماند و اکبرشاه نتوانست با ایجاد این دین اصول کهنسال ادیان هندی را متزلزل سازد، اما با آن هم ایجاد این دین نتایج زیادی را به مردم هندوستان به ارمغان آورد از جمله:

1 - لغو جزیه که قبلاً اخذ میشد.

2 - دادن آزادی به تمام ادیان.

3 - ضعیف شدن تعصبات دینی و نژادی و تحمل کردن نظریات دینی یکدیگر.

4 - حصول وحدت سیاسی هند.

اکبرشاه که خود را مسلمان میدانست سبب شد تا مسلمانان را از خود آزاده خاطر سازد و در نتیجه مسلمانان دست به شورش زده و شاهزاده جهانگیر را به شورش علیه پدر نیز تحریک کنند. قیام جهانگیر مغلوب شد و او مورد عفو پدر قرار گرفت، اکبرشاه در روزهای آخر عمر مورد بی اعتنائی پسران خود قرار داشته و به مرض اسهال که گفته میشود به اثر مسمومیت توسط جهانگیر به او دست داده باشد در سال 1606 میلادی فوت نمود.

2 - برهما سماج و راماکریشنا:

مذهب برهما سماج که به «جامعه پیروان برهمن» معروف است در سال 1828 میلادی توسط رام ماهون در هندوستان انتشار یافت. او زبانهای سانسکریت، پالی، فارسی، عربی، عبری، یونانی و انگلیسی را فرا گرفت تا از طریق آن به اصول دینی ادیان مختلف راه یابد. رام ماهون مذهب جدیدی را به هموطنان خود عرضه کرد تا از طریق این مذهب پرستش چند خدا، تعدد زوجات، نظام طبقاتی، ازدواج باکودکان و بت پرستی از بین برده شود و در عوض به یک الله و یک برهمن عبادت صورت گیرد، مذهب او ترکیبی از دین شینتو، دین بودایی و دین مسیحی است (19: 160-164).

حرکت مذهبی دیگر در اواخر قرن 19 توسط یک فقیر بچه بنگالی بنام راماکریشنا بوجود آمد. او مدتی به دین مسیحیت پیوست و الوهیت مسیح را قبول کرد، در مدت دیگر به اسلام رجوع کرد و به اجرای عبادات اسلامی پرداخت و دیری نگذشت که به دین هندویی پیوست.

کرشنا در راه آموزش و پرورش خود سعی ننمود، نه سانسکریت و نه انگلیسی آموخت، و از بحث و استدلال نیز خود را نگهداشت.

اما به پیروان خود تعلیم میداد: همه ادیان خوبست، هریک رهبری است بسوی پروردگار... همه رودها به سوی اقیانوس روان هستند، تو هم روان شو! و بگذار دیگران نیز روان باشند! در مذهب او گفته میشود: این تصوفات نا توان کننده را ترک کنید و نیرومند باشید... بگذارید تا پنجاه سال بعد ... خدایان همه از ضمیر ما محو شوند، تنها خدای بیدار همین است، همین نسل ما... اولین عبادت عبادت کسانی است که گرد ما هستند، اینها خدایان ما هستند، آدمیان و حیوانات، اولین خدایان ما، هموطنان ما هستند که باید اول آنها را عبادت کرد. این اعتقادات مذهب راماکریشنا ملت هندوستان را به سرنوشت خود علاقمند ساخت و زمینه آنرا مساعد نمود تا گاندی استقلال این کشور را دوباره حاصل کرده و اختلافات دینی به یکسو گذاشته شود.

3 - مذهب کبیر:

کبیر از پدر مسلمان و مادر برهمنی در شهر بنارس چشم به جهان گشود او شغل نساجی داشته و تصمیم گرفت تا دین اسلام و دین هندویی را باهم نزدیک و یکی سازد، در مذهب او نه معبد و نه مسجد، نه بت و نه فرقه، و نه رسم ختنه وجود دارد و وجود صرف یک خدا تبلیغ میشود. کبیر میگوید: «پروردگارا! اگر خدا هستی یا راما، من بنام تو زنده ام... بت های خدایان از جان تهی اند، سخن گفتن نتوانند، من اینرا خود میدانم، زیرا با آنان با آواز بلند سخن گفته ام... در حالیکه فریب در خانه دل داری و زیر لب دعا میخوانی و به زیارت میروی؟» کبیر بسیاری نظریات دینی خود را به زبان شعر بیان میکند. او به تناسخ ارواح معتقد است.

کبیر در سال 1518 میلادی فوت نمود، بر سر مرده اش بین مسلمانان و هندوها نزاع بر پا شد، مسلمانان میخواستند او را به خاک سپارند و هندوها آرزو داشتند میت وی را بسوزانند، در این نزاع بنابر ادعای پیروان وی مردی آمده روحایی از جسد او کشید و جز خرمنی از گل در آن چیزی دیگر نیافتند. هندوها قسمتی از آن خرمن را در بنارس سوختاندند و باقی را مسلمانان بخاک سپردند.

اشعار کبیر مایه الهام گیری برای بابا نانک شد، نانک بعد از پانزده سال که از فوت کبیر گذشته بود چشم به جهان گشود و بنیاد دین سکھی را گذاشت.

تمرین:



- 1 - هدف مشترک مذاهب کوچکی که قبل از دین سکھی ویا بعد از آن بمیان آمدند چه بود؟ با اختصار ذکر کنید.
- 2 - چرا اکبر پادشاه با وجود اینکه یک امپراتور عصر خود بود خواست یک فیلسوف شود و بنیاد دین و مذهب جدید را بگذارد؟ موضوع را مختصراً توضیح دهید.
- 3 - شاه اکبر بمنظور ارضای پیروان ادیان مختلف هند از کدام مهارت استفاده کرد؟ شرح کنید.
- 4 - در مذهب اکبرشاه کدام اصول ادیان مختلف هند بچشم میخورد؟ صرف نام ببرید.
- 5 - با اینکه مذهب اکبرشاه پیروان زیادی پیدا نکرد ولی نتایج قابل ملاحظه ای را به مردم هندوستان به ارمغان آورد، شما این نتایج را طی کار گروهی وضاحت دهید.
- 6 - مذاهب برهما سماج و راماکریشنا توسط کدام اشخاص و چه وقت ایجاد شدند؟ بطور مختصر ذکر کنید.
- 7 - راجع به مذهب برهما سماج معلومات مختصر ارائه دارید.
- 8 - مذهب راماکریشنا چگونه در وحدت دینی مردم هند مؤثر واقع شد؟ جرو بحث کنید.
- 9 - هدف کبیر را بیان داشته و داستان مرگ وی را مختصراً بازگو نمایید.
- 10 - در مورد حرکات دینی این درس از منابع و مواد درسی مناسب استفاده کنید.

درس ششم



بابا نانک و دین او

اهداف:

- 1 - به تصویر کشیدن زندگی و شخصیت بابا نانک.
- 2 - توضیح اصول دین سکھی.
- 3 - تحلیل اصلاحات گورو گوویند سنگه.

بابا نانک بنیاد گذار دین سکھی (1469-1568 م) :

بابا نانک در پهلوی دریای راوی در قریهٔ تالواندی که در حدود 45 کیلو متری جنوب غرب لاهور موقعیت دارد متولد شده است، این قریه را بعدها به اسم «نانک آراء» یعنی محل نانک مسمی ساختند. پدر و مادر نانک از افراد عادی بشمار رفته که متعلق به هندوهای طبقهٔ دوم بودند اما با یک زمین دار مسلمان وظیفه خود را انجام میدادند. نانک به سن هفت سالگی به مکتب رفته و از جمله شاگردان تیز هوش و متجسس بود، در سن نه سالگی به فراگیری زبان فارسی پرداخت که بعداً در برخی قسمتهای کتاب دینی سیکھیها «گرانث» نیز منعکس شد. او به کارهای معمول زمان خود اهمیت قایل نبوده بلکه به عوض آن به تفکر و اندیشهٔ عمیق ترجیح میداد اینکه او به امور دنیوی و مسایل مربوط به تجارت و کاروبار علاقه نداشت سبب شد تا همه خویشاوندان از او مایوس شوند.

او از زندگی در دهکده به تنگ آمده تصمیم گرفت تا خانم و دو فرزند خود را رها کند و راهی دشت و بیابان شود، او در تفکرات و اندیشه ها آنقدر عمیق میرفت که دیگر توان خوردن و نوشیدن را از دست داد و هم تمام دارایی را که پدرش بخاطر تجارت به اختیارش گذاشته بود به فقرای مذهبی تقسیم کرد و مورد سرزنش پدر قرار گرفت. بنابر ادعای متون دینی این دین، نانک بعد از گرفتن حمام برای سه روز داخل جنگل شده و در عالم رویا نزد خداوند برده شد و برایش چنین گفته شد که: « برو ! نام مرا همیشه تکرار کن و دیگران را هم به این کار تشویق کن! هیچوقت به امور دنیا آلوده مشو! به گرفتن وضوء، عبادت، تفکر، تأمل، دادن خیرات و صدقات مصروف باش... نام من اولین خدا، برهما است و تو نیز گوروی الهی هستی! ».

بعد از دریافت این پیام دوباره به خانه آمده و تمام هست و بود خود را به مساکین تقسیم نمود

و اطرافیان وی به این باور شدند که او دیوانه شده و گفتند یک روحانی مسلمان نزد او بیاید و او را از این جن زدگی رهایی دهد. عصر زندگی نانک مملوء از بی عدالتی ها است، پادشاهان هر نوع ظلم را بر رعیت خود روا میدارند، نانک لباس زهد را به تن کرده و با یک لنگ ساده کار خود را آغاز نمود، در گذشته همواره میگفت: ای خدا! من در خدمت تو هستم! و حالا یک جمله حیران کننده ای از دهن وی بیرون میشود: «هندو و مسلمان وجود ندارد» این جمله وی اینطور تعبیر شد که او میخواهد یک دین روحانی و سיעتری را بنیاد گذارد. به اساس ادعای متون سیکھی قاضی و یا حاکم مسلمان نزد او آمده و برایش گفت: عجیب است که این شخص مورد رحمت الله جل جلاله قرار گرفته و قاضی، مؤمن بدین وی میشود. نانک با دوست موسیقی نواز خود «مردانا» که قبلاً مسلمان و خدمتکار بود به سفر پرداخت و خواست تا عقیده به یک خدای حقیقی واحد را در همه جا تبلیغ کند، خدای که مالک ثروتمندان و فقراء است. گورو نانک در پوشیدن لباس از سبک هندوها و مسلمانان هر دو پیروی میکرد. بر پیشانی خود به شیوه هندوها یک نشان زعفرانی میزد و به سر خود یک کلاه قلندری مسلمانان را می نهاد و یک چادر سفید ر ابه شانه خود می انداخت، این کار وی علامت آن بود که نشان دهد در صدد ایجاد دینی است که هم مورد قبول هندوها و هم مورد قبول مسلمانان باشد. این دو دوست دوازده سال تمام به سفرهایی در داخل هندوستان مصروف مانده و موفقیتهای زیادی را بدست آوردند تا اینکه دوباره به پنجاب وطن اصلی خود برگشتند. او در دوره دوم سفر خود شاید اولین فرد هندی است که مراسم حج را در مکه مکرمه انجام میدهد.

گرانت ادعا دارد که نانک بعد به مدینه منوره رفته در جرو بحث بر علمای مسلمانان غالب آمد سپس به بغداد سفر کرد و در آنجا آذان سر داد. در مورد اصول دعوت و روشهای تبلیغی نانک گفته میشود که او بعد از اینکه محبوس میشود به کمک پهره دار مسلمان که تحت تاثیر موعظه های وی قرار گرفته بود از حبس رها گردید. زمانیکه نانک مورد حمله دزدان قرار میگیرد، به آنها به تبلیغ احکام دین میپردازد که اگر عوض این کار به پیشه زراعت و یا حرفه های دیگر مصروف شوند و از ماحصل دستان خود به نیازمندان نیز بدهند، گناهان ایشان همه پاک خواهد شد، آنها تحت تاثیر سخنان وی قرار گرفته، توبه کردند و دست از این کار و عمل ناجایز کشیدند. گروه زنان ساحره را به اساس نصیحت خود از کار سحر و کهنانت منصرف ساخته و پیروان خود نمود و بسیاری از اشخاص شریر را به راه راست هدایت

و معتقد به دین خود ساخت.

بنابر ادعای گرانت، نانک بسیاری از هندوها را بدین خود پیرو ساخته و متون دین هندو را برایشان از سر تفسیر کرد و همچنان بسیاری از مسلمانان را نیز پیرو دین خود کرد، در این دین بین اسلام و دین هندو تقارب صورت گرفته است (36: 429). نانک وقتی دانست روزهای نزدیک مرگ خود را سپری میکند «انگار» را بحیث جانشین و گورو (معلم) تعیین نموده و در مورد سوختاندن و یا دفن کردن جسد وی از او همواره می پرسیدند ولی او در جواب میگفت: بگذارید هندیها به طرف راست من و مسلمانها به طرف چپ من گل قرار دهند. گفته میشود زمانیکه نانک فوت کرد روحایی را بر سر او هموار نموده تا فردا مسأله سوختاندن یا دفن وی حل و فصل گردد، فردا وقتی که روحایی را از سرش دور کردند چیزی را زیر آن نیافتند، مسلمانان به خاطر او در این محل که کارته پور پنجاب است یک مقبره بنا کرده و هندوها یک معبد بر آن اعمار نمودند که هر دوی آنها با آب دریا از بین رفته است.

اصول دین سکھی:

1 - ارزش متعالی از نظر این دین تنها یک خدای واحد وجود دارد که نام او حق، خالق، مبرا از ترس و دشمنی، فنا نا پذیر، زاییده نشده، قایم به ذات، عظیم و سخاوتمند میباشد، خدای حقیقی واحد در آغاز عالم وجود داشته است، خدای واحد همیشه بوده، هست و خواهد بود.

2 - جهان و انسان از نظر دین سکھی جهان در مقائسه با خدای ازلی و ابدی، کاملاً بیهوده و گذران است، امور این جهان نا پایدار و چهار روزه است و یک خواب و خیال بیش نیست. انسان هم در مقائسه با خدای قادر مطلق، یک موجود بیچاره و مخلوق مطیع است. تا وقتی که انسان فکر میکند بر هیچ چیزی توانا نیست هیچ وقت به سعادت نخواهد رسید، به اراده خداوند، انسان عزیز و یا ذلیل میشود.

3 - راه رستگاری: رستگاری و نجات انسان تنها در معرفت خداوند نهفته است، معرفت خداوند صرف از راه کلمات بدست نمی آید بلکه نیازمند لطف پروردگار میباشد. در این دین از طریق «بهگتی» که طریقه ایمان و ارادتمندی است، نجات و رستگاری حاصل میشود. آنانیکه به رستگاری میرسند جنت (ساچ قند) نصیبشان میشود که از نظر برخی سیکهای تحصیلکرده جنت دین سیکھی شباهت زیادی با نیروانای دین هندویی دارد.

4 - عبادات در این دین عبادت از طریق اندیشه و تفکر در باره خداوند انجام میشود و بطور خاص با تکرار «نام حقیقی» خداوند. در دین سیکھی قربانی وجود ندارد و از تنها هم خبری

نیست.

5 - اعتقادات بوجود گورو (معلم) دین سیکهی بر موجودیت گورو تاکید بیشتری صورت میگیرد و گفته میشود که بدون گورو هیچ کس به خداوند نخواهد رسید و راه رستگاری را نخواهد یافت. در دین سیکهی ده گورو (معلم) وجود داشته که بعد از گذشت گوروی دهم این مقام به کتاب گرانت منتقل شده است.

ده گوروی این دین عبارت اند از: 1- گورو نانک 2- گورو آنگار 3- گورو آمارداس 4- گورو امداس 5- گورو آرجان 6- گورو کرومند 7- گورو هررای 8- گورو هرکیشان 9- گورو تق بهادر 10- گورو گوویند سنگه

گورو گوویند سنگه کوشش کرد تا دین سیک را به یک حکومت الهی نظامی مبدل سازد، شهر داکه در زمان وی مرکز قدرت دین سیک شد، او نام «سنگ» را که بمعنی شیر است جزء نام خود ساخت و از دیگران نیز دعوت کرد تا این کلمه را پسوند نام خود بسازند، او مراسم عشاء ربانی را بر قرار ساخت که افراد تازه وارد از آب شیرین مینوشند که دریک لگن آهنی قرار داشته و با شمشیر به هم زده میشود. او گرانت دیگری را نوشت و ضمیمه گرانت اولی کرد، زیرا از نظر وی مطالعه گرانت اولی سیکها را زبون و بی جرئت بار آورده است، او در سال 1708 فوت نمود و صلاحیت گورو به کتاب گرانت تعلق گرفت. بعد از جنگ دوم، مهاراجه دولپ سنگ آخرین پادشاه سیکها تسلیم قوتهای انگلیسی شده و جواهر معروف خود را بنام کوه نور به ملکه ویکتوریا تقدیم نمود و خود مسیحیت را پذیرفت. بعد از استقلال پاکستان سیکها هم که خود را شیران پنجاب میگفتند به فکر تاسیس یک کشور مستقل سیک شدند.

6 - فرقه های مختلف این دین اساساً دین سیک بدو بخش اساسی تقسیم شده است: 1- پیروان گورو نانک 2- پیروان گوروی دهم (سیکهای خالص). در این دین پنج فرقه دیگر هم وجود دارند که آهسته آهسته پیروان این دین به بیست فرقه تقسیم میشوند که حتی رنگ جامه هم باعث شده فرقه های مختلفی بوجود آیند (42: 128-153).

در جایی از کتاب گرانت آمده است:

« من به چهار کتاب ودا مراجعه کردم اما این نوشته ها حدود خدا را نشان نمیدهد، من چهار کتاب مسلمانان را هم دیده ام اما ارزش خدا در آنها شرح نشده است » .

فهمیده نمیشود که هدف نانک از چهار کتاب مسلمانان چه است که در آنها ارزش خدا را مشرح ندیده است، چهار دلیل شریعت اسلامی یا چ هار مذهب اهل تسنن و یاکدام چیزی دیگری؟ و در هر صورت قرآن کریم یکی از آنها میباشد که به هیچ وجه ادعای نانک قابل پذیرش نیست چه قرآن کریم یگانه کتابی است که ارزش، ذات و صفات الله جل جلاله در آن به وضاحت تمام ذکر شده است.

پیروان بابا نانک برخی امور معجزه آسا را نیز به او نسبت میدهند که گویا او فیل مرده را زنده ساخته و هم به انسان مرده زنده گی دوباره داده، درخت خشک شده انجیر را دوباره پر ثمر ساخته و زمانیکه شخص مصاب به مرض جذام را شفا داده او بلا فاصله به دین نانک ایمان آورده است. برخی پیروان نانک در توصیف شخصیت او بیشتر از حد مبالغه کرده تا اینکه او را خدا و برهمای متعالی خوانده اند ولی پیروان معتدل این دین از این حرفهای مبالغه آمیز خود داری مینمایند.

گرانث Granth به زبان سانسکریت به معنی « کتاب بزرگ » است که از اشعار چندین شاعر تالیف یافته و مشکلترین کتاب مذهبی جهان است که 90 در صد خود سکها از محتوای آن اطلاع کافی ندارند ولی چنان آنرا تعظیم مینمایند که خود به نوعی از بت پرستی نزدیک میشود.

گرانث اصلی بنام « ادی گرانث » در سال 1604 توسط گوروی پنجم جمع آوری شده و هم بعد از یک قرن گرانث دیگری توسط گوروی دهم بنام « داسام گرانث » جمع آوری میشود که به سان ادی گرانث مورد احترام سکها است (هیوم، رابرت. ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1369 ه. ش. ص: 137-153).

تمرین:



- 1 - بابا نانک در کجا، چه وقت و در چگونه حالات سیاسی بدنیا آمد؟ توضیح دهید.
- 2 - به اساس ادعای گرانت او چگونه الهامات خداوندی را دریافت نمود؟ جروبحث نمایید.
- 3 - نتایج مهم سفر های نانک را توضیح و از قوت استدلال وی صحبت کنید.
- 4 - نانک میخواست چگونه یک دین را بمیان آورد؟ راجع به آن با اختصار بحث نمایید.
- 5 - داستان مرگ نانک را شرح مختصر کنید.
- 6 - نظریات سیکهی را در مورد خدا، جهان و انسان بیان دارید.
- 7 - راه رستگاری و طرز عبادت در این دین را چگونه توضیح نموده میتوانید؟
- 8 - از گورو های ده گانه دین سیکهی صرف نام ببرید.
- 9 - اصلاحات گورو گوویند سنگ را در این دین با اختصار ذکر کنید.
- 10 - از فرقه های معروف این دین مختصراً وضاحت دهید.
- 11 - اگر در محل بود و باش تان اقلیت سیکهی وجود دارد در مورد جزئیات و فروعات دینی شان با آنها مصاحبه کنید.

فصل چهارم

ادیان بزرگ چین و جاپان

درس اول



دین شینتو در جاپان

اهداف:

- 1 - به تصویر کشیدن وضع کلی دین شینتو.
- 2 - معرفی ارزش متعالی، معابد و چگونگی عبادت در این دین.
- 3 - بیان نحوه کنترل معابد و جشنهای دینی شینتو.

دین شینتو سومین دین وضعی قدیمی جهان است که سابقه آن به 660 سال قبل از میلاد می‌رسد، یگانه خصوصیات این دین شکل دادن به نظریه سیاسی و ثبات ملی پیروان آن می‌باشد، از نظر آن اولین مخلوق الهی جزایر جاپان است، میکادو اولین امپراتور از نسل الهه آفتاب بوده که به زمین نزول یافته است. این دین در حدود چهارده صد سال در کنار دو دین دیگر بودایی و کنفوسیوس زندگی داشته. چون با ابتکار شخصی بوجود نیامده بنابر آن هیچگونه دعوت و تبلیغی در قبول و عدم آن وجود ندارد و دسته خاصی در قبال آن فعالیت ندارد.

شینتو به معنی راه خدایان است و دو کتاب معروف این دین یکی «کوجی کی» به معنی یاداشتهای موضوعات قدیمی و دیگری «نیهون جی» به معنی حوادث جاپان می‌باشد و سالهای نوشتن این دو کتاب به ترتیب 712 و 720 میلادی تخمین زده شده است. اولین میکادوی جاپان جیموتو می‌باشد.

ارزش متعالی دین شینتو:

در این دین کلمه «کامی» را برای ارزش متعالی (خدا) استعمال میکند و معنی تحت اللفظی آن «بالا تر» می‌باشد ولی بعدها در این اصطلاح تحقیق بیشتر صورت گرفته و معانی زیادی را برای آن دریافتند مانند: خالص، متعالی، روشن، برتر، فوق طبیعی، مخفی، غریب، اسرار آمیز و غیره. «کامی» یگانه اصطلاحی است که معانی بیشتر در زبان جاپانی دارد. و به گفته موتوری یکی از متکلمین این دین کامی به دیگر اشیای طبیعی که با داشتن قوه های فوق العاده ایکه لایق ترس و یا احترام اند نیز اطلاق میشود. به تعداد ارباب انواع در این دین اشاره مشخص وجود ندارد ولی ضمیر جمع به آنها بکار رفته است. دو رب النوع معروف «ایزاناگی» (مذکری که دعوت میکند) و «ایزانا می» (مونثی که دعوت میکند) باهم اتحاد

کرده و همه ارباب انواع دیگر از آنها زاده شده اند، تصویری که از ارباب انواع در این دین وجود دارد کاملاً شبیه به شخصیات انسانی است مثلاً آنها تولد یافته، ازدواج کرده، دارای اولاد بوده، استغراق کرده، حمام نموده، مریض شده، به غضب شده، حسادت کرده، خنده کرده، گریه نموده، ناسزا گفته، خرابی کرده، قتل نموده و در نهایت مرده اند و در جاهای خاصی مدفون شده اند، امپراتور جاپان توان آنرا دارد تا آنها را به ترتیب مرتبه دوباره زنده سازد. از دو رب النوع فوق الذکر سه فرزند: رب النوع آفتاب، رب النوع مهتاب و رب النوع طوفان متولد گردیده و از رب النوع آفتاب اولین میکادوی جاپان (جیمونتو) تولد یافته است و روی این نظریه است که پرستش پادشاه و امپراتور تا هنوز هم در جامعه جاپانی مرتبه بلندی دارد. واز نظر این دین، وطن پرستی و دین دوستی با هم در یک سطح بوده بخاطریکه در سرزمین آنها زمانی الهه آفتاب زندگی کرده است (30: 127-129).

اینکه در نظریات دینی مردم جاپان امپراتور زاده الهه آفتاب است لذا اطاعت و عبادت امپراتور مانند عبادت و اطاعت خدا از جمله فرائض دینی و ملی بحساب میرود، از نظر آنها مردم این کشور فرزندان دو رب النوع متذکره اند و از این جهت است که مردم جاپان خود را اشرف تمام مردم جهان میدانند و طبق فرمان پادشاه جنگ و تحت تسلط آوردن جهان از جمله وجایب ملی و دینی حساب میشود، تا سال 1945 میلادی (پایان جنگ جهانی) این اعتقاد در میان مردم این سرزمین قطعیت خاصی داشته و زمانیکه جاپان در این جنگ به شکست رو برو شد اصل عبادت امپراتور و تحت تسلط آوردن جهان توسط اشرف مردم جهان (مردم جاپان) به تدریج از رونق قبلی خود باز مانده اما بطور کل از صفحه ذهن آنان شسته نشد و هنوز هم به آسمانی بودن امپراتور و اشرف بودن مردم خود معتقد اند.

در جاپان تعدد ارباب انواع به حدی زیاد است که امکان پرستش منظم همه آنها وجود ندارد و صرف یکتعداد محدودی از این ارباب انواع مورد عبادت قرار میگیرند، رب النوع آفتاب از لحاظ اهمیت درصدر همه قرار دارد، این رب النوع را به آسانی به شکل فردی و محلی عبادت میکنند ولی یک شکل خاص پرستش دولتی و رسمی نیز وجود دارد که برای تمام مردم جاپان در شهر «آیسه» درنظر گرفته شده است. شاید همه پیروان با اخلاص دین شیتو وظیفه خود میدانند که حد اقل یکبار در طول عمر خود به قصد زیارت سفری به شهر «آیسه» داشته باشند. در این شهر «معبد درونی» نایکو قرار دارد که از نظر جاپانیها 4 سال قبل از میلاد مسیح بنام رب النوع آفتاب «آماتراسو» جد مادری میکادوها، پاک و مورد احترام

دانسته شده است.

معبد‌های دین شینتو:

معبد‌ها در هر گوشه و کنار هر شهر جاپان بچشم میخورد و در جاهای خوش منظر بنا شده است، در قرن دهم میلادی تعداد معبد‌های رسمی در «یوگی - شیکی» در حدود 3132 معبد بود، در سال 1880 میلادی شمار معابد بزرگ و کوچک «اوستا» به 18347 میرسید ولی در سال 1920 میلادی این عدد تا حدود 110000 معبد از طریق وزارت کشور تحت مراقبت حکومت ملی قرار داشتند، علاوه از این معابد، معبد‌های زیادی دیگری در جاپان وجود دارند که تحت کنترل دولت نبوده بلکه معابد فرقه ای اند که توسط هدایای داوطلبانه مردم کنترل میشوند.

عبادت به شکل فردی در معبد انجام میشود نه دسته جمعی، عبادت شامل خضوع و تواضع در مقابل معبد است که بطور سرخم کردن انجام میشود، زانو زدن چندان رایج نیست، برخی اوقات بخاطر تعظیم دست‌ها بهم زده میشوند، نذر دادن و تقدیم هدایای مادی برای ارباب انواع نیز جز عبادات بشمار میرود. در زمان حاضر عبادت پیروان شینتو تنها به آمدن به یک معبد و ادای احترام و دعا خلاصه میشود.

برخی مراسم دینی در وقت کشت برنج انجام میشود چنانچه این مراسم در وقت جوانه زدن مزارع برنج و هم در وقت چشیدن طعم اولین محصول برنج تازه نیز انجام میشود، این مراسم با رقص، آواز، شادی با لباسهای مخصوص اعیاد، و هدایا صورت میگیرد (42: 211-227).

دین شینتو بعد از آنکه در قرن ششم میلادی دین بودایی و دین کنفوسیوس با اصول پا برجا و شکل یافته خود وارد سرزمین جاپان شدند تحت این نام (شینتو) عرض اندام کرده و معتقدات اساسی خود را برای مقابله با ادیان وارد شده از خارج نظم و آرایش بخشید و قبل از آن معتقدات مردم جاپان عبارت بود از مجموع عقاید طبیعت پرستی، توتیم پرستی، نیاکان پرستی، شاه پرستی، ارواح پرستی و نفوس پرستی ولی این معتقدات در دین شینتو چوکات بندی شد و منزلت یک دین منسجم را بخود گرفت و بعد از آن در این دین از جمله همه ارباب انواع صرف یک رب النوع آسمانها مورد تقدیس قرار گرفته و ارباب انواع دیگر به منزلت پری‌ها و نفوس هبوط مینمایند، در این دین علاوه از شاه پرستی به تفوق نژاد جاپان و تقدس ارواح نیاکان، اخلاق خانواده گی نیز اهمیت داده میشود و همچنان به سر رسانیدن

وظایف اجتماعی، شجاعت، راستگاری، راستگویی، پاکدامنی، داشتن اولاد، پاکی روح و تن برای تجلیل بهتر ارواح مردگان از جمله تکالیف و وجایب دینی بشمار میرود (8: 231-233).

مردم جاپان عشق به طبیعت را از دین شینتو، عشق به هنر را از دین بودایی و عشق به فراگیری علم و دانش را از دین کنفوسیوس آموخته اند.

تمرین



- 1 - معنی تحت اللفظی شینتو و زمان شکل گیری آنرا بیان دارید.
- 2 - کتب معروف دین شینتو را نام گرفته و معانی مختلف کامی را ذکر کنید.
- 3 - ارباب انواع مشهور شینتو کدامها اند و صفاتی اصلی و طبیعی آنانرا بیان نمایید.
- 4 - رابطه مسایل دینی با موضوعات ملی را در شینتو چگونه یافته اید؟ توضیح مختصر دهید.
- 5 - تعداد معابد رسمی جاپان رابا تفکیک سالها بیان داشته و از معابد فرقه ای نیز صحبت کنید.
- 6 - جشنهای دینی را با نحوه عبادت در دین شینتو و ضاحت دهید.
- 7 - مردم جاپان از دین شینتو و سایر ادیان چگونه استفاده نمودند؟ در این رابطه مقالات مختصر تحریر کنید.

درس دوم



دین لائوتسه و کنفوسیوس

اهداف:

- 1 -ارائه معلومات در مورد شخصیت لائوتسه.
- 2 -ارائه معلومات مورد اصول شخصیت دین لائوتسه.
- 3 -ارائه معلومات در مورد شخصیت و دین کنفوسیوس.

لائوتسه:

لائوتسه نام مؤسس و رهبر دین لائوتسه (دین تائو) است، لائوتسه در حدود 50 سال قبل از کنفوسیوس در قسمت مرکزی چین در ولایت هونان بدنیا آمده است. درباره لائوتسه اطلاعات آنقدر ناچیز است که برخی فکر کرده اند که وجود واقعی نداشته است. در مورد سال دقیق تولد وی اختلافات زیادی وجود دارد، تعدادی تولد وی را بین اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن ششم قبل از میلاد دانسته و در برخی تحقیقات، تاریخ تولد او را در حدود قرن چهارم قبل از میلاد ذکر کرده اند. گفته میشود که زندگی او مقارن کنفوسیوس، زرتشت در سرزمین فارس، مهاویرا و بودا در هندوستان بوده است، کنفوسیوس که مقام رسمی دولتی را بعهده داشت لائوتسه را ملاقات نمود، لائوتسه از کنفوسیوس خواست که شخصاً با بسیار آرامش در جستجو تائو (انتظام عالمی) بر آید که اصل باطنی تمام جهان بوده و به تنهایی توان آنرا دارد تمام اصول دین و زندگی را بدست دهد. لائوتسه در نظر کنفوسیوس مانند کسی معلوم شد که در رویاهای دنیای دیگری زندگی کرده و در بین امواج تفکرات خود بلند پروازی میکند، و شاید کنفوسیوس در نظر لائوتسه شخصی جلوه گر شده باشد که در امور هر کس مداخله میکند، این دو شخصیت با نفوذ مردان تاریخ چین از حیث اهداف، روشها، سیستمهای کلی و ارتباطات با همدیگر یکسان نبودند. لائوتسه شهرت را نمیخواست و صاحب تقوی و استدلال بود، در محلی بنام «چو» زندگی میکرد و قتی وضع چو را در فساد و زوال پیش بینی کرد آنجا را رها نموده و به سرحد آمد و به اساس خواهش رئیس گمرکات کتابی را در دو بخش تالیف کرد که در آن مفاهیم تقوی و تعقل را مورد دقت و بحث قرار داده بود، بعد آنجا را نیز ترک کرده و دیگر معلوم نیست که او به کجا رفته است. لائوتسه گفته است: «اقتدار مردم خوشحال هستند، چقدر خوشحال، اما من به تنهایی ساکن می مانم، من چقدر پریشان و تنها

هستم، من جاهلم، من یکی دچار اشتباه هستم... من یکی با دیگران فرق دارم، اما من افتخار میکنم که از مادر مان (تائوی عالم) نیرو میگیرم» (42: 189).

ارزش متعالی در دین لائوتسه مبهم است و او به یک هستی متعالی معین و مشخص چیزی تعلیم نداد، ولی ملیونها پیرو چینی در چهره لائوتسه این مرد توانا و دانا تجسم واقعی یک هستی متعالی را می بینند.

کتاب دینی دین لائوتسه:

یک سند ادبی مهم که به لائوتسه نسبت داده میشود عبارت از کتاب «تائوته کینگ» است که به اشکال مختلف ترجمه شده است. آنها به زبانهای مختلف، یکی دیگر از کتب دینی تائو عبارت است از کتاب «تای شانگ کانگ پینگ پی ین» که بمعنی «افعال و جزاهای آنها» میباشد، این کتاب نواحی اخلاقی شخصیت انسانی را نیز تذکر میدهد. در حدود 2500 سال دین لائوتسه با دین کنفوسیوس در تقابل قرار داشته، دین کنفوسیوس دین اصلی مردم چین بوده و دین سوم یعنی دین بودا نیز قبل از میلاد مسیح وارد چین شده، امپراتورهای چینی کمتر طرفداری دین لائوتسه را نموده اند. بر عکس دین کنفوسیوس، در دین لائوتسه توجه به زندگی بعد از مرگ صورت گرفته ولی برخی محققین این توجه را نتیجه آمادگی و آرایش این دین در مقابل دین وارد شده بودا میدانند که چون در دین بودا بیشتر از زندگی بعد از مرگ، جنت و دوزخ صحبت شده لذا مورد استقبال مردم چین که ادیان شان تقریباً فاقد این اصل بودند، قرار گرفته است.

تائو (انتظام عالمی) رکن دین لائوتسه را تشکیل میدهد، این اصل از دو فکتور مثبت و منفی متشکل است، بنابر این اصل برای حفظ انتظام خانواده، کشور و جهان باید اعمال خود را هماهنگ با تائو (انتظام عالمی) بسازیم و هیچ عملی را انجام ندهیم که کار و نظم عادی جهان طبیعی را برهم زند یعنی کار نیک و شریفانه آنست که به مقتضای طبیعت و انتظام عالمی انجام یابد و اخلاقی را در کار آن وارد نسازد و البته این هماهنگی کار انسان با انتظام عالمی در دین لائوتسه از طریق نوعی جذب و انجذاب و مکاشفه فردی بعمل می آید (8: 194-195).

از نظر این دین شخص باید در مقابل حوادث روزگار، خوشی ها و غمهای آن مانند کودک خرد سال و گوساله نوزاد بی اعتنا و بی تفاوت باشد. از نظر این دین فرد متقی کسی است که هم نوع خود را نکشد، دزدی و فریب کاری نکند، از پدر و مادر پیروی و اطاعت کند. در این

دین پیروان به پیروی از اصل (نیکی کردن با همه و حتی با آنانی که در حق ما بدی روا داشته اند) دعوت میشوند.

برخی نظریات دینی لائوتسه از اعتقادات چینایی قدیم متأثر است، در چین قدیم به ارواح نیاکان اهمیت زیادی داده میشد، از نظر آنها جهان مملو از نفوس، ارباب انواع، دیوها و ارواح غیر مرئی دیگر است که میتواند مشکلی را ایجاد کنند و یا به حل آن بپردازند. در ابتداء زنان در اقتصاد خانواده نقش اساسی داشته که بعد از مرگ عبادت نیز مربوط ارواح مادران و زنان بود ولی زمانیکه نقش مردان در تقویۀ امور مالی خانواده بیشتر شد عبادت نیز بیشتر به تقدیس ارواح پدران و مردان تعلق گرفت (19: 170).

در عبادت مردم قدیم چین نوعی از دوگانگی و ثنویت دیده میشود بطور مثال عبادت برای ارواح مادران و پدران، عبادت به شانگتی (خدای مذکر) و هاتن (خدای مونث)، عبادت به تائو که فکتور مثبت و منفی بنام یانگ ویین دارد، عبادت به زمین (مونث) و آسمان (مذکر). دین لائوتسه در عصر حاضر با شدت رو به زوال و انحطاط است، تقریباً در حدود یکهزار سال میشود که در این دین هیچ روحانی و فیلسوفی بظهور نرسیده است.

دین کنفوسیوس 479-551 قبل از میلاد):

شاتونگ شهری که مردم چین آنرا پاک مینامند محل تولد و دفن کنفوسیوس است. کنفوسیوس در سه سالگی پدر خود را از دست داد و مجبور به کار کردن شاقه گردید، در سن 19 سالگی ازدواج کرد، مدرسه ای را تاسیس نمود که تاسه هزار شاگرد در آن درس میخواندند، در این مدرسه شعر، ادبیات، تاریخ، اخلاقیات، حکومت، موسیقی و علوم طبیعی تدریس میگردد، و از تدریس برخی موضوعات از جمله موضوعات ماوراء طبیعی اجتناب میگردد. او بحیث حاکم شهر و قاضی اصلی آن وظیفه اجراء نموده که بعد نظر به برخی حسادتها استعفاء داده است. او حکومت خوب را ضرورت جامعۀ انسانی میدانست و کوشش کرد در محل دیگری کدام منصب مهم را بدست آورد ولی موفق نشد. کنفوسیوس در برخی شهرها مورد لت و کوب مردم قرار گرفته و بالاخره بحیث یک پیر مرد مأیوس چشم از جهان بست.

کنفوسیوس کوشش میکرد یک فرد ایدآل و دلخواه و مفید باشد. کنفوسیوس که بنام سقراط چین معروف است مردم را تشویق مینمود تا در وظائف اجتماعی شان کار آمد و صادق باشند. او یک بنیاد گذار دینی و یک مؤلف موفق است که کتب وی

بعدها بحیث متون دینی بحساب رفته است.

ارزش متعالی دین کنفوسیوس:

گرچه توجه بیشتر کنفوسیوس به اخلاقیات است ولی با آنهم ارزش متعالی در دین وی بوضاحت مشاهده میشود، از نظر وی خوب بودن در طبیعت بشری یک موهبت الهی است، تمام کتب وی اشاراتی به ارزش متعالی دارد، ارباب انواع متعددی در دین او مورد پرستش بوده مانند پرستش آسمان، نیروی های مشهور طبیعت از قبیل زمین، مهتاب، کوه ها و دریاها ی مهم چین. او ایمان را از حالت شخصی بیرون کرده و اخلاقیات آنرا جنبه دنیوی داده است (14: 280).

کنفوسیوس به آداب معاشرت اجتماعی اهمیت زیادی قایل است، او مقابله به مثل را در امور اجتماعی پیشنهاد میکند، فضایل و سنجایی مختلفی مورد تشویق و اندرز کنفوسیوس قرار گرفته که از جمله صداقت، ایمان، حسن سلوک، سعی و زحمت، عدالت، خیر خواهی، میانه روی، جستجوی حقیقت، آرامش و احترام متقابل میباشد. دین او یک برنامه ریزی اخلاقی و شریفانه برای زندگی دنیوی است، دین او با آخرت چندان سرو کاری ندارد و راجع به مرگ و زندگی بعد از آن صحبت ننموده چه از نظر او انسان قادر به درک زندگی بعد از مرگ نیست و نباید وقت خود را ضایع کند و در مورد ارباب انواع، سحر، تکریم ارواح اکثراً سکوت اختیار میکرد او برای پیرو خود برنامه هایی را درست میکند که در اثر آن بتواند درست فکر کند و درست استدلال اقامه نماید و در نتیجه زندگی خود را بخوشی و شرافت سپری کند. او مانند سقراط سعادت فرد را در ضمن سعادت اجتماع میداند (26: 15).

دین کنفوسیوس نیز به تائو عقیده دارد ولی نه به شکل وحدت وجود عرفانی آن. و با شروع قرن بیست دیگر عبادت طبیعت و آسمان باقی نه مانده و از ارواح گذشتگان به شکل قدیمی آن تجلیل بعمل نمی آید.

تمرین



- 1 - راجع به زندگی و شخصیت لائوتسه چه میدانید؟ مختصراً بیان دارید.
- 2 - چگونه میتوانیم شخصیت لائوتسه را با شخصیت کنفوسیوس مقایسه کنیم.
- 3 - ارزش متعالی و کتب دینی دین لائوتسه را با اختصار ذکر کنید.
- 4 - تائو که بمعنی راه و طریقه است از لحاظ دینی چگونه تفسیر میشود؟ وضاحت دهید.
- 5 - معتقدات دینی چینیان قدیم را طی مقالات جداگانه شرح کنید.
- 6 - تنویت چیست؟ چند مثال آنرا در معتقدات مردم قدیم چین بر شمارید.
- 7 - راجع به شخصیت و زندگی کنفوسیوس معلومات مختصر ارائه دارید.
- 8 - اصولی دینی کنفوسیوس را طی بحث آزاد تشریح نمایید.

فصل پنجم

ادیان قدیم ایران و افغانستان

درس اول



ادیان ایران قدیم و دین زرتشت

اهداف:

- 1 - بررسی چگونگی پیدایش دین زرتشت و معرفی شخصیت وی.
- 2 - توضیح اصول کلی دین زرتشت.
- 3 - ارائه معلومات مختصر در مورد دین مهر ایران.
- 4 - معرفی مختصر دین مانی.

مهاجرین هند و اروپایی که بنام دهقان و نجیب یاد میشوند از جنوب روسیه و از اطراف دریای بالتیک مهاجرت نموده به سرزمین افغانستان و ایران قدیم سرازیر شدند و دسته های دیگر آن رهسپار هندوستان گردیدند، در قبایل بومی ایران قبلاً عنعنات دینی مانند توتم پرستی و روح پرستی وجود داشته و برخی از حیوانات و نباتات مورد تقدیس و تکریم آنها بودند مانند اسب، مار، سگ، گاو نر و گاو ماده. آنها به دو نوع ارواح اعتقاد داشته که یکی آن ارواح سودمند بوده و دیگر آن ارواح خبیثه که ضرر را میرسانید. سحر و کهانت رواج بیشتر داشت. به زعم آنها ارواح مردگان از زنده ها حمایت و مراقبت مینماید، این ارواح بعد از دین مزدا حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند. در قرن 14 قبل از میلاد بسیاری ارباب انواع ایرانیان و هندیان بطور مشترک مورد پرستش قرار داشته مانند وارونا، میترا و ایندرا. وارونای هندوها همان «اهورا» است که بعد ها رب النوع بزرگ ایرانیان شده است. در نزد هر دو (ایرانیان و هندیان) میترا رب النوع آفتاب و مورد احترام است و آتش نیز از نظر هر دو ملت شیی پاک است، آهسته آهسته در بین آنها از لحاظ دینی تفاوتهایی بوجود آمده، در هندوستان دیوها ارباب انواع نیکو کار تلقی شده در حالیکه در ایران آنها را شیاطین میگفتند و بر عکس اسوراها که شیاطین دین هندو میباشد بعد از دین بودایی نزد ایرانیان حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند، در ایران ایندراى هندی بعنوان شیطان تحت نام اندرا شناخته شد، وارونای هندی هم حیثیت دیو شهوت را بخود گرفت، زمانیکه ایران از لحاظ دینی از هند جدا شد دین مزدا را که منسوب به رب النوع معروف بلخیها (اهورامزدا) میباشد در سرزمین خود انتشار داد، این دین قبل از بمیان آمدن زرتشت بنام دین «مزدیسنا» شهرت داشته ولی بعد از ظهور زرتشت در متون دینی وی مدغم ساخته شد.

زرتشت 583 تا 660 قبل از میلاد:

در مورد عصر زندگی زرتشت اختلاف وجود دارد برخی زندگی او را شش هزار سال قبل از میلاد دانسته و برخی دیگر به ترتیب چهارده صد سال قبل از میلاد، یکهزار سال قبل از میلاد و یا هم هفت قرن قبل از میلاد عصر زندگی وی را حدس زده اند. پیروان این دین در مورد تولد زرتشت ادعا های عجیب و غریبی دارند: گفته میشود که در باره تولد وی سه صد سال و یا هم سه هزار سال قبل پیشبینی صورت گرفت، اهورامزدا به آن دختری منتقل گشت که بعد مادر زرتشت گردید، زرتشت در سن پانزده سالگی کمربند پاک را بعنوان نشانه ای از ایثار و فداکاری در راه دین انتخاب کرد، او نسبت به مساکین و حیوانات بسیار همکار و با ترحم بود. در سن بیست سالگی بدون رضایت و موافقه والدین خانه خود را ترک کرده و خود را وقف امور دینی نمود. کتاب اوستا او را به درجه پیامبری میرسانید، زرتشت میگفت: او میخواهد یک دین متری و جهان شمول را بنیاد گذارد که در آن زمینه مساعد شود تا مردم شریر نیز به آن دعوت شده و آنرا بپذیرند، در نتیجه پادشاه آن زمان ویشتاسپ (یا هیستاسپ) برادر، پسر، یکی از مشاوران و صدراعظم وی نیز به دین زرتشت پیوستند و یکی از دختران زرتشت با صدراعظم ازدواج کرد. با پیوستن این اشخاص به دین زرتشت این دین زمینه آنرا بدست آورد تا آهسته آهسته جهانی شود (42: 270-274).

ارزش متعالی دین زرتشت:

دین زرتشت پرستش خدای واحد (اهورامزدا) را از پیرو خود می طلبد، از نظر این دین اهورا مزدا بنامهای نور، زندگی، خوبی و حقیقت یاد میشود. این خدا بزرگترین، بهترین، زیباترین، باثبات ترین، حکیم ترین، کاملترین، سخی ترین روح، خالق، تابان و پرشکوه میباشد. زرتشت عقیده به این خدا را تاکید بیشتر مینمود. صفاتی که در اوستا به این خدا داده شده عبارت اند از عالم، خالق، بصیر، قادر، بزرگ، دوستانه، پدر عدالت یا حقیقت، پدر فکر نیک، کریم و بخشنده ترین روح. و 54 نام برای وی ذکر شده است.

اهریمن:

در دین زرتشت اهریمن یا رب النوع شر، بدی و ناپاکی مورد نکوهش و تقبیح قرار دارد. یکی از ویژه گیهای مهم دین زرتشت در بین تمام ادیان عالم همین نظریه عقیده به یک ثنویت

جهانی است یعنی یکی خدای خیر و نیکی و دیگری خدای شر و بدی که علیه یکدیگر مبارزه میکنند، از نظر این دین این دو خدا و نیرو از ابتدای خلقت جهان وجود داشته و تا آخر کار این جهان، به ضد یکدیگر مشغول میباشند.

ارواح خیر:

علاوه از خدای اهورامزدا ارواح دیگر خیر نیز در دین زرتشت وجود دارد، ارواح خیر بنام «امشاسپنتا» یاد میشوند و بطور متمایز از اهورامزدا قرار دارند و معروفترین آنها عبارت اند از: بهمن: فرشته اندیشه، ذهن، مشرب نیک. اردیبهشت: فرشته راستی و درستی، نظم، عدالت. شهریور: فرشته قدرت، سلطه، حکومت و پادشاهی. آرمی تی: فرشته تقوی و عشق. خرداد: فرشته کمال، رفاه، سلامتی. امرداد: فرشته خلود، حیات جاودانی.

ارواح شر:

در دین زرتشت در مقابل اهورامزدا و فرشتگان خیر که در پهلوی او قرار دارند ارواح شر یا شیاطین نیز موجود اند، این شیاطین که تعداد آنها بی شمار است در مبارزه با ارواح خیر مشغول میباشند، برخی این ارواح شر عبارت اند از:

- شیطان حسد.
- شیطان نخوت.
- شیطان خشم.
- شیطان گرسنگی.
- شیطان تشنگی.
- شیطان سخن دروغ.
- شیطان بدکارگی زنها.
- شیطان خشکسالی.
- شیطان زمستان.

طهارت و پاکی در دین زرتشت:

برای زرتشتیان اکثراً آتش پرست هم گفته شده ولی آنها این نسبت را همواره رد میکنند. آنها آتش را پاک می‌شمارند و آفتاب را بحیث علامت رب النوع نور میدانند و هم تاکید میکنند تا از آتشی که هرگز نمیرد و خاموش نشود محافظت صورت گیرد و چیزی ناپاک به آن انداخته نشود و خانمهای حائضه از سه قدمی آن نزدیکتر نشوند. موها و ناخن های کوتاه شده باید به شکلی بهترین از بین برده شود، در وقت عطسه کردن باید دعای مخصوص به آن خوانده شود. بعد از اهمیت زندگی اهمیت درجه دوم برای پاکیزگی و طهارت است. مرده انسانها و حیوانات نباید در آتش پاک انداخته شود و هم نباید خاک پاک با آن آلوده شود بلکه در برجها و جاهای بلند گذاشته شده تا از بین برود. دفن مردگان گناه نابخشودنی است. عبادت در دین زرتشت بطور عمده تکرار یکتعداد دعاها می‌گردد که تکرار آن روزانه و یا فصلوار صورت می‌گیرد.

در دین زرتشت ایمان آوردن با عبارات ذیل انجام میشود: «من اقرار میکنم که پرستندهٔ مزدا، پیرو زرتشت، و کسی هستم که از دیوها (ارواح شر) متنفر بوده و از قانون اهورا اطاعت میکنم» (42: 286).

بطور خلاصه طهارت و پاکی در این دین دارای اهمیت زیادی است. از نظر این دین انسان باید افکار، گفتار و اعمال نیک وجود خویش را پاکیزه نگهدارد.

اخلاقیات دین زرتشت:

از نظر زرتشتیان در دین زرتشت اخلاقیات مقام والا و مهمی دارد: کمک و دستگیری فقیران و نیازمندان مورد تاکید است. یکی از اصول اخلاقی این دین رفتار خوب در مقابل افراد خوب، و رفتار بد در مقابل افراد بد و شریر میباشد، یعنی اعمال خشونت در مقابل افراد شریر بوضاحت تجویز شده است. زندگی و همسر داری مطابق عقل ضرورت دینی است نه اینکه زهد و ریاضت کشی صورت گیرد.

کسی که به کشت و زراعت مصروف است در حقیقت به کاشتن راستی و درستی مشغول است و او دین مزدا را به حرکت در می‌آورد. کسی که چیزی نمی‌خورد نیروی کافی برای انجام کارهای سنگین و نیک را نیز ندارد.

به پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک تاکید بیشتر صورت گرفته است. اهورامزدا در بین اعمال انسان قضاوت میکند، به نیکوکار پاداش و به بدکار جزا داده میشود. معاد عظیم جسمانی اموات وجود دارد. پل باریک چینوت یا چینوانت وجود دارد. دو فرشته، حسنات و سیئات هر فرد را ثبت میکنند. به جنت و دوزخ دائمی عقیده وجود دارد. پیش از پایان جهان درسه فاصله هزار ساله سه منجی بنام های آشودر، آشودرماه، وسوشیانت بظهور خواهند رسید که مانند زرتشت از مادران باکره پانزده ساله متولد میشوند (19: 210-213).

دین مهر در ایران:

چنانچه قبلاً گفته شد میترا «رب النوع آفتاب» است که بطور مشترک مورد پرستش هندوها و ایرانیان میباشد و بنام رب النوع نور و راستی نیز یاد میشود، گفته میشود که یکدسته مخفی در ایران وجود داشته که دین مهر را پرستش میکرد و گاونر را با او شریک میدانست، رب النوع آفتاب (میترا) در اول گاونر را مغلوب ساخت و بعد آنرا قربانی کرد و از خون آن تمام جانداران را زندگانی بخشید، گاونر خالق نجات دهنده ارواح است که در بین رب النوع آفتاب و مردم حیثیت یک واسط را دارا میباشد. در این دین آداب دینی عبارت از قربانی گاونر، نامگذاری، تزکیه از طریق غسل، اصل برادری بین همه، استفاده از نان، آب و شراب مخصوص میباشد.

این دین توسط پیروان شرقی آن و بویژه سربازان در اوائل قرن اول میلادی در اطراف امپراتوری روم نیز انتشار یافته است.

دین مانی در ایران:

مانی نام مؤسس این دین است که در قرن سوم میلادی در سرحد ایران و بابل تولد شد، او ابتداء پیرو یکی از فرق مسیحی بود که بعد دین زرتشت را مطالعه کرد و خود را مصلح آن معرفی نمود، او به هند رفته عقاید بودایی را مطالعه کرد وقتی که به ایران بازگشت نمود به تبلیغ دین جدیدی که با ادیان بودایی، زرتشتی و مسیحی تطابق داشت، پرداخت، بعد تحت تعقیب روحانیون زرتشتی قرار گرفته و در سال 276 میلادی که شصت سال عمر داشت به دار آویخته شد. از نظر مانی نیکی، نور و روح در یکطرف، بدی، تاریکی و جسم در طرف دیگر قرار دارد، جهان ترکیبی از نیک و بد است، روح در زندان بدن به سر میرد و باید از طریق تعالیم مانی آنرا آزاد سازیم، وقتی همه ارواح پاک شدند پایان عمر جهان کنونی نیز فرا

خواهد رسید. در این دین نماز خواندن و روزه گرفتن برای آفتاب و مهتاب وجود دارد. در اخیر قرن پنجم میلادی یکی از پیروان دین مانی بنام «مزدک» به تبلیغ مذهب اشتراکیت پرداخته و اشتراک در ثروت و زنان را پیشنهاد نمود (19: 214-217).

تمرین:



- 1 - وجوه مشترک اعتقادی ایرانیان و هندیان را بطور مختصر بیان دارید.
- 2 - زرتشت را بعنوان مؤسس یک دین جهانی چگونه ارزیابی میکنید با اختصار ذکر کنید.
- 3 - راجع به ارزش متعالی در دین زرتشت چه میدانید؟ شرح دهید.
- 4 - ثنویت دین زرتشت را با کمی تفصیل بیان کنید.
- 5 - ارواح خیر و شر دین زرتشت را با وظایف شان معرفی نمایید.
- 6 - اصول اخلاقی دین زرتشت را با اختصار توضیح دهید.
- 7 - راجع به دین مهر معلومات مختصر ارائه کنید.
- 8 - در مورد دین مانی و پیشنهاد مزدک در صنف جروبحث کنید.
- 9 - راجع به ادیان ایران قدیم طی کار گروهی مقالات جداگانه تحریر دارید.



درس دوم

چگونگی دین زرتشت در افغانستان قبل از اسلام

اهداف:

- 1 - معرفی وضع دینی و جغرافیایی افغانستان قبل از 16 قرن پیش از میلاد.
- 2 - معرفی مشخصات الهیات دوره اول و دوم بلخیها.
- 3 - توضیح مشترکات دینی هندوها و افغانهای قبل از اسلام.
- 4 - نشان دادن تمایل افغانهای آنزمان به توحید و یگانه پرستی.

در افغانستان قبل از اسلام قسمتهای شرقی ایران از دریای سند تا آخر خراسان (دامغان) شرقاً و غرباً شامل است، و در طرف شمال هم وادیهای شمال آمو را تا سمرقند و دامنه های کوهستانی پامیر فرا میگیرد و در جنوب به بحیره عرب میرسد. علت اینکه ما افغانستان قبل از اسلام را شامل این همه مناطق میدانیم اینست که این همه مناطق از لحاظ دینی و فرهنگی و هم از لحاظ تاریخی با هم مشترک بوده و نظریات دینی بلخ قدیم در ساختار دینی این مناطق نفوذ خاصی داشته است.

مدنیت مردم آریایی افغانستان در بخدی (بلخ) و صفحات شمال هندوکش بود که در حدود 1200 قبل از میلاد آغاز شده و کتابی از آن دوره بنام اوستا باقی است. از کتاب اوستا بر می آید که مردم آریایی افغانستان از حیات کوچی و رمه داری به مدنیت رسیده و در شهرها ساکن شده اند، اولین پادشاه این سرزمین یما (جم) شهر بخدی بلخ را آباد کرد و دین معینی که دارای هدایات و قوانین مدنی و روحی بود توسط این پادشاه در آن سرزمین شیوع یافت، این دین عبارت از مزدیسنا (ستایش خدا) که رهبر آن زرتشت است، میباشد. فریدون که از اخلاف یما است صد اسپ، هزار گاو و ده هزار گوسفند را برای ر به النوع آب (ناهیتا) قربانی کرد.

در دین مزدیسنا قسمی که در درس گذشته هم گفته شد چندین فرشته خیر و نیکی در برابر شیاطین شر و بدی قرار دارند ولی در رأس این همه اهورامزدا (سرور دانا) و خدای واحد مورد پرستش بلخیان میباشد. ارباب انواع آریایی (دیوان) که نزد هندوها هنوز هم دارای مقام خدایی بودند در دین مزدیسنا از اعتبار افتیدند و کلمه دیو که قبل از زرتشت به معنی خدا

بود غول و گمراه کننده تصور گردید و از آن زمان به بعد خدا پرست را (مزدیسنا) و مشرک را (دیویسنا) می‌گفتند.

دیو نزد تمام ملل آریایی به جز زرتشتیان معنی اصلی خود (خدا) را حفظ نمود، نزد هندیان دیوه هنوز هم به معنی خدا است، زیوس رب النوع یونانی، دیوس رب النوع لاتینی، دیو فرانسوی و دیوه در لسان پشتو که به معنی روشنی و چراغ است از همان ریشه (دیو) خدای آریاییان می‌باشد (10: 25).

وضع دینی مردم افغانستان قبل از قرن 16 قبل از میلاد چندان روشن نیست ولی زمانیکه بتاریخ پنج هزار ساله این مرز و بوم مراجعه می‌کنیم به یقین گفته می‌توانیم که قبل از قرن 16 پیش از میلاد مردم افغانستان بسان سایر مناطق همجوار به نوعی از توتیمیزم، فیشیزم و آنی میزم سرو کار داشتند، نزد مردم ما برخی از حیوانات، درختان و سایر پدیده های طبیعی ارزش و تقدس دینی داشته است ولی زمانیکه اقوام آریایی که خود را دهقان و نجیب می‌گفتند از جنوب روسیه و یا از سواحل جنوبی بالتیک بسوی مناطق مردم افغانستان امروزی و سایر کشورهای منطقه سرازیر شدند، ارباب انواع مشترکی را پرستش میکردند، میترا رب النوع آفتاب مورد احترام و پرستش مشترک هندیان و افغانها بود چنانچه «اهورا»ی بلخیان همان وارونای هندیها مورد احترام و پرستش مشترک قرار داشت. طبقه خاصی به امور روحانی اشتغال داشته چنانچه برهمنان در هند آنروز از امور دینی مراقبت مینمودند. وارونا به دیو شهوت و ایندرا رب النوع طبیعت باکمی تغییر نام (آندرا) به شیطان منحرف کننده شهرت یافته بود (8 : 260-261).

بلخیها با ویداها سروکار داشته وقبایل زیادی از این مرز و بوم با ویداهاى خود رهسپار سرزمین هندوستان شدند.

بلخیها را میتوان از لحاظ دینی بدو دوره تقسیم کرد یکی دوره قبل از مهاجرت و هجوم به هندوستان و دوره دیگر بعد از مهاجرت و هجوم به هندوستان، ارباب انواعی که بلخیها در دوره اول به آن اعتقاد داشتند بیشتر از تشخص و ذاتیات عاری و مبرا بود و قدرتهای اجباری خود کامه بحساب میرفتند ولی در دوره دوم فکری و دینی بلخیها ارباب انواع بیشتر کسب ذاتیت و تشخص میکنند و صفات خاصی از قبیل داد و عدل، عفو و انتقام، عاطفه و غضب و غیره را بخود میگیرند و زمانی که این ارباب انواع به یونان منتقل میشوند بیشتر کسب ذاتیت و تشخص نموده تا این سرحد که علاوه از صفات انسانی حتی صفات حیوانی را نیز بخود راه

میدهند، بی اندازه مینوشند و مست میشوند.

در بین مردم افغانستان کتاب اوستا که تقریباً 15 قرن قبل از میلاد وجود داشته و بعد در قرن 6 قبل از میلاد حیثیت کتاب و متن پاک دین زرتشتی را بخود گرفت مورد احترام و تقدیس دینی قرار داشت، برخی از قسمتهای آن کتاب از بر حفظ میگردید. نزد بلخیها سیاره مشتری پدر سیارات بوده چنانچه خدای «هورامزدا» را فوق اهریمن و یزدان میدانستند (17: 24-25). اهریمن نزد آنها رب النوع شر و متصدی امور زشت بوده در حالیکه یزدان رب النوع نیکی و روشنی است، وقتی که اعتقاد دینی بلخیها انکشاف بیشتر میکند این هر دو رب النوع را ترک نموده و خدای فوقتر از آن دو را مورد پرستش قرار میدهند، خدای که بر هر دو رب النوع اهریمن و یزدان تسلط دارد و نامش «هورامزدا» است (17: 25). میترا را هم به پهلوی هورامزدا قرار میدادند و همراه با آن دو، مادر خدا بنام ناهید (ناهیتا) قرار داشت. ناهید دارای شهرت زیادی بوده و گاهی بنام ناهیتا نیز یاد میگردید که شباهت زیادی با رب النوع «ایشتر» بین النهرین داشته، رب النوع باروری و آب. به جرأت تمام میتوان گفت که اعتقاد مردم افغانستان و بلخیهای قدیم در دوره دوم یعنی بعد از مهاجرت و هجوم برخی قبایل این سرزمین به هندوستان یک اعتقاد توحیدی است آنهم در وجود خدای هورامزدا یا هرمز و یا اورمز، در نظر آنها این خدا عقل کل بوده خدای نور و روشنی است، خدای قادر و بزرگ است، با او هیچ کس همتا و یکسان نیست، اگر اهریمن وجود دارد آن صرف در وجود یک شیطان تظاهر میکند و متصدی تاریکی و بدبختی است ولی به منزلت خدا نمیرسد و حالت و موقف میترا و ناهید هم پایینتر از او است. مردم افغانستان و بلخیهای قدیم با احساس عالی دینی ای که داشتند و اینکه از انکشاف معین و متوازن فکر دینی برخوردار بودند وظیفه خود میدانستند تا از خدای واحد هورامزدا پیروی کرده و در این راه خلوص، راستی و صداقت را پیشه کنند، از طریق ازدواج، مومنان هورامزدا را افزایش داده چنانچه از طریق تقویة جسم و جان خود زمین هورا را حاصل خیز نموده مواشی و حیوانات مفیده را پرورش دهند (19: 211-212).

تمرین



- 1 - در این درس، ما افغانستان قبل از اسلام را شامل کدام مناطق ساخته ایم و چرا؟ توضیح دهید.
- 2 - شهر بخدی بلخ توسط کدام پادشاه آباد گردید و هم از قربانیهای فریدون یاد آوری کنید.
- 3 - معنی دیو را در ملل آریایی و زرتشتیان توضیح نموده و بگویید که این کلمه چگونه اساس کلمات دیگر واقع گردیده است؟
- 4 - وضع دینی والهیات دوره اول و دوم بلخیان را شرح مختصر دهید.
- 5 - مشترکات دینی هندوها و افغانهای آنزمان را بر شمرده و تفاوتهای بعدی را نیز ذکر کنید.
- 6 - از جریان این درس چگونه میتوانید تمایل مردم افغانستان آنزمان را به توحید دریابید؟
- 7 - در مورد افغانستان و دین زرتشت از سوی محصلان تحقیقات انفرادی کتابخانه‌ی صورت گیرد.



درس سوم

چگونگی دین بودایی در فغانستان قبل از اسلام

اهداف:

- 1 - شرح چگونگی انتشار دین بودا در افغانستان قبل از اسلام.
- 2 - شرح معابد معروف بودایی در هده جلال آباد، کابل و بامیان.
- 3 - معرفی مراکز بودایی کاپیسا، بگرام، غوربند، غزنه، بلخ و غیره.

افغانستان که در قلب آسیا موقعیت داشته همیشه نقطه وصل فرهنگها بین شرق و غرب بوده که زمانی هم دین بودایی را به خود جلب نموده است. این دین توسط پادشاهی بنام «آشوکا» در نیمه قرن سوم قبل از میلاد وارد سرزمین ما شده است. آشوکا پسر بندوسارا و نواسه چندرا گوپتا موريا بوده، او در سال یازدهم پادشاهی خود (259 ق.م) در جنگ «کالنگه» به چنان خونریزی دست زد که گویا جویهای خون جاری شد، بعد از این واقعه به او ندامت و پشیمانی سختی روی داد و به یکی از معابد بودایی رفته و از صومعه نشینان به پیشگاه خدا عذر خواست و یک انقلاب فکری به او دست داد و مانند بودا (گوتاما) و یا شهزاده بلخی ما ابراهیم ادهم تاج شاهی را به خرقة روحانی مبدل ساخت.

در شمال افغانستان در باختر سلسله یونان و باختری حکومت داشته و بین حاکم آن سلوکوس (نیکاتور) و پدر کلان آشوکا، چندرا گوپتا جنگ شدیدی رخ داد و در پایان، مناطق جنوب غربی افغانستان به تصرف موریاهای هندی افتید، آشوکا که بحیث یک حاکم روحانی در آمده و آیین بودایی در افکارش مؤثر واقع شده بود خواست تا این دین را در سرزمین های مفتوحه (افغانستان) نشر و پخش نماید و دین بودایی در اثر کار مبلغین این دین در مناطق مختلف افغانستان تا وادی ارغنداب منتشر گردیده و هنر معروف گریکو بودیزم شکل گرفت، در عصر شاهان کوشانی دین بودایی از افغانستان دوباره به طرف شرق و غرب در مناطق مفتوحه دیگر کوشانیها انتشار یافت. دوره آشوکا که یک دوره روحانی و اخلاقی نامیده شده سبب نفوذ دین بودایی در افغانستان گردیده و این دین تا ده قرن بحیث دین مستقل در جنوب غرب و یک قسمت از مناطق مرکزی و شمالی افغانستان و آسیای میانه تا نشر و پخش دین مقدس اسلام تسلط داشت، و در مناطق غربی کشور ما دین زرتشتی نیز از حضور وسیعی برخوردار

بود. (25: 36).

آمیزش دو دین (اوستایی و بودایی) در آثار هنری مردم سرزمین آریانای کهن (افغانستان) منجر به آمیزش هنر یونان و باختری با کتب بودیزم گردید و صنعت هنری (گریکو بودیزم) را بوجود آورده که این صنعت حیثیت یک انقلاب هنری و فرهنگی را در آریانای قدیم داشته است.

در افغانستان مراکز معروف بودایی وجود داشته که به برخی از آنها بطور مختصر ذیلاً اشاره میکنیم:

1 - هدهد جلال آباد:

یکی از معابد مهم و مشهور بودایی در هدهد جلال آباد موقعیت دارد، تاسیسات بودایی هدهد بعد از نفوذ دین مقدس اسلام به افغانستان تا سالهای اخیر زیر انبار های خاک پوشیده مانده ولی در این اواخر مورد توجه محققان خارجی و داخلی قرار گرفته است. از سال 1879-1824 در اثر حفريات، مسکوکات و کتیبه های زیادی بدست آمده و هم مجسمه های بودا در ستوپه های (قبرستان، گنبد ویا تپه ایکه آثار بودایی در آن وجود داشته باشد ستوپه گفته میشود) نمبر 12، 14، 19 هدهد پیدا شده است.

2 - معابد بودایی شهر کابل:

شهر کابل بحیث یکی از شهر های قدیمی کشور، ستوپه ها، کتیبه ها، مجسمه ها و مسکوکات دوره های مختلفی از تاریخ خود را نگهداری نموده است، مراکز و معابد بودایی هم یکی از داشته های باستانی این شهر بحساب میرود که در چکری کمری، شیوه کی، خواجه صفا، شهدای صالحین، تپه سلام، تپه خزانه، گردنه علی آباد، تپه مرنجان و مناطق دیگری شهر موقعیت داشته است.

3 - معابد مهم دین بودایی در بامیان:

یکی از دلچسپی ها و خصائص مهم پیروان دین بودا این بود که همواره در کنار وادی ها و دره ها به عبادت و نیایش میپرداختند، چنانچه در بامیان و دره فولادی به صدها مغاره مانند خانه زنبور توسط راهبان بودایی بوجود آمده و هزاران چراغ در آنجا برا فروخته میشد و دره بامیان سالهای متمادی بحیث راه عبور و مرور قافله های تجارتي که شرق را با غرب وصل مینمود در آمده بود. زایر چینی «هیوان تیسنگ» نیز تحت تاثیر آوازه معابد بودایی بامیان آمده و آنجا

سفر نموده و مطالب زیادی را از آنجا گذارش داده است، او میگوید: «... در صفحه عمودی آن مجسمه بودا تراشیده شده که بلندی آن در حدود (140) تا (150) فت است، اشعه زرین آفتاب از آن به هر طرف منعکس میشود و احجار قیمتی و زیور آلات آن چشم را خیره میکند و به طرف شرق معبد یک مجسمه ایستاده (ساکياموئی بودا) به ارتفاع صد فت وجود دارد که از سنگ ساخته شده است.

به اساس تحقیق محققان از مهمترین آبدات تاریخی بامیان یکی این دو مجسمه است که در جدار سنگلاخ بامیان بنابر قولی به ارتفاع 53 متر (175 فت) و 26 متر (120 فت) حک و کندن کاری شده و به قرن سوم میلادی ارتباط میگیرند.

4 - مراکز و معابد بودایی سایر مناطق کشور:

مراکز و معابد معروف دیگر بودایی در کاپیسا و بگرام وجود دارد، کاپیسا پایتخت تابستانی کوشانیها بوده که در حوالی جبل السراج امروز در سلسله کوه های هندوکش واقع شده است. معبد مشترکی که در منطقه بگرام موقعیت دارد یکی از معابد معروف بودایی گفته میشود. قریه «پیتاوه» که در حدود 8-12 کیلو متر از بگرام فاصله دارد دارای یک تپه است که در بین کشت زارها موقعیت دارد که قبلاً باستان شناسان در آن حفریاتی نموده و هیكلهایی از آن بدست آمده است.

در سیاه گرد غوربند هم یک مرکز مهم بودایی موقعیت دارد که فندقستان نام دارد، این مرکز که در قسمت سر دره چاردهی غوربند بالای یکی از تپه ها قرار دارد مورد تجسس محققان فرانسوی و افغانی قرار گرفته و به سطح آسیای مرکزی یک معبد مهم گفته شده است، این معبد مانند سایر معابد بودایی بشکل مخروطی اعمار شده و سابقه آن قبل از 590 میلادی حدس زده شده است.

هزار و سیصد و سی و سه (303: 134 - 140):

یک دره فرعی است که به قسمت های سفلی دره خلم مربوط و در مسیر راه کاروان رو قدیمی که بلخ را به بامیان و کابل وصل میکند قرار دارد و یکی از مراکز بودایی گفته میشود که از قرن اول الی هفتم میلادی دارای باشندگان میباشد.

یکی دیگر از معابد یا ویهارا های بودایی شاه بهار غزنه است که در بالای تپه سنگی نزدیک مزار سلطان محمود غزنوی به طرف شرق شهره کابل - قندهار موقعیت دارد.

نوبهار بلخ هم یکی از معابد دین بودایی است، این معبد دو قرن قبل از میلاد بحیث معبد

بودایی شهرت کسب نموده است، گفته میشود که این معبد دارای مجسمه بودا، طشت جانشویی بودا، دندان بودا و یک جاروب بودا که از گیاه (کاچه) ساخته شده بوده میباشد. چم قلعه هم یکی از معابد بودایی است که در ده کیلو متری بغلان بالای نهر اجمیر بشکل مربعی که هر ضلع آن به اندازه صد متر میباشد موقعیت دارد. دین بودا از طریق افغانستان به منطقه کاشغر، ختن و چین انتشار یافته و نفوذ این دین بالای هنر و فرهنگ مناطق فتح شده کاملاً واضح و روشن است. آلات، وسایل و اشیای که از هده، بگرام، بامیان بدست آمده با آثار هنری مناطق مفتوحه دارای شباهت تام بوده و مشترکات هنری و فرهنگی این مناطق را نشان میدهد (2: 35-116).

تمرین



- 1 - دین بودایی چه وقت و توسط کدام پادشاه وارد افغانستان ساخته شد؟ با اختصار ذکر کنید.
- 2 - داستان اینکه به آشوکا یک انقلاب فکری و روحی دست داد مختصراً بیان دارید.
- 3 - آمیزش دو دین بودایی و اوستایی سبب ایجاد کدام صنعت هنری گردید و وجه تسمیه آنرا نیز توضیح دهید.
- 4 - هدهد جلال آباد را از نظر دین بودایی معرفی نمایید.
- 5 - در کدام مناطق شهر کابل مراکز بودایی وجود داشته مختصراً شرح دهید.
- 6 - وضع دینی بامیان قبل از اسلام را معرفی نموده و هم دو مجسمه معروف بودا در این ولایت را از دیدگاه زایر چینی هیوان تیسنگ به بحث بگیرید.
- 7 - مراکز معروف کاپیسا و بگرام را مختصراً توضیح کنید.
- 8 - فندقستان که یکی از مراکز بودایی است در کجا موقعیت داشته؟ تذکر دهید.
- 9 - راجع به نوبهار غزنه و نوبهار بلخ چه میدانید؟ مختصراً شرح دهید.
- 10 - در صورت امکان به نزدیکترین مرکز بودایی سیر علمی صورت گرفته و راجع به آن معلومات معتبر جمع آوری شود.

فصل ششم

ادیان منسوخه سماوی



درس اول

ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام

اهداف:

- 1 - شرح حال حضرت آدم علیه السلام، حضرت ادریس علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام و معرفی ادیان شان.
 - 2 - شرح حال حضرت هود، حضرت صالح و حضرت لوط علیهم السلام با معرفی ادیان شان.
 - 3 - معرفی زندگی، مبارزات و احتجاجات حضرت ابراهیم علیه السلام.
 - 4 - توضیح موضوعات مرتبط با زندگی و دین حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق علیهما السلام.
- با ظهور دین مقدس اسلام تمام ادیان سماوی قبلی منسوخ گردید و با بعثت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم برای رسالات و نبوات آسمانی نقطه پایان گذاشته شد. در این فصل طی چند درس مرور کوتاهی داریم بر رسالت و نبوت برخی رسل و انبیاء کرام الهی که قبل از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام در مقاطع مختلف زمانی مبعوث گردیده اند، مطابق حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم تعداد رسل الهی در حدود سه صد و سیزده نفر و تعداد انبیاء کرام در حدود یکصد و بیست هزار تن میباشد، این حدیث را امام احمد (ر حمة الله علیه) از ابوذر غفاری (رضی الله عنه) روایت نموده است.
- ما در این درس صرف برخی انبیاء و رسل کرام را مختصراً با ادیان مربوطه شان به معرفی میگیریم، آنانی که قبل از حضرت یعقوب علیه السلام مبعوث گردیده اند:

حضرت آدم علیه السلام:

حضرت آدم علیه السلام اولین انسان روی زمین، خلیفه و آقای آنست، خلقت او در سه مرحله صورت گرفت: 1- مرحله خاکی 2- مرحله ایکه هیکل وی درست شده 3- مرحله ایکه بعد از نفخ روح بعنوان انسان عرض وجود کرده است.

او بعد از خلقت در جنت جابجا شده و برای انس و الفت، خانم وی حضرت حوا رضی الله عنها

نیز خلق شده. آنها در جنت از خوردن درخت مخصوص منع گردیده ولی به اساس وسوسه شیطان آنها از آن درخت تناول کردند و در اثر این کار از جنت خارج و به زمین هبوط نمودند، و بروی زمین به توالد و تناسل پرداخته و اولاد زیادی از آنها بدنیا آمدند، حضرت آدم دین الهی را که از ده صحیفه سماوی نشأت میکرد به اولاد خود تبلیغ مینمود و آنها را براه حق، عدالت و انصاف دعوت میکرد. حضرت آدم علیه السلام در حدود یکهزار سال زندگی نمود و بعد از فوت توسط فرشتگان با طریقه مطلوب الهی بخاک سپرده شد. قول راجح اینست که او هم رسول و هم نبی است.

حضرت ادریس علیه السلام:

نسب حضرت ادریس علیه السلام به حضرت شیث بن آدم علیه السلام میرسد، او از اولین فرزندان آدم علیه السلام است که بعد از شیث علیه السلام مبعوث گردیده و دارای دین سماوی میباشد، او در بابل متولد شده، آداب دینی و موعظه های مخصوص داشته و مردم را جانب دین الله، عبادت الله جل جلاله، عمل نیکو بمنظور نجات از عذاب دنیوی و اخروی دعوت میکرد، حضرت ادریس علیه السلام مردم را به زهد، گرفتن روزه و ادای نماز میخواند و از نوشیدن و خوردن مسکرات منع مینمود، در وقت وی مردم به 72 لسان صحبت میکردند که او همه این زبانها را میدانست و به هر کس به لسان خودش تبلیغ میکرد، او اولین کسی است که ساخت مدن را تعلیم داد و برای قوم خود 188 شهر زیبا و مجهز به تمام سهولتهای آن عصر را آباد نمود و در فنهای دیگر هم مهارت زیاد داشت.

حضرت نوح علیه السلام:

نسب نوح علیه السلام به حضرت ادریس علیه السلام میرسد، طبق حدیث امام بخاری که از حضرت ابن عباس روایت کرده میان حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام ده قرن فاصله زمانی وجود داشته، او 43 بار در قرآن کریم ذکر شده و 950 سال در بین قوم خود درنگ نموده است. او هم رسول و هم نبی است و دارای دین سماوی میباشد، دین وی مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام الهی است. مدت زیادی به تبلیغ دین الهی در بین مردم مصروف بوده ولی تعداد اندکی پیروان وی گردیده که شاید از ده نفر یا چهل نفر و یا هم هشتاد نفر بیش نبوده اند. قوم او بت پرست بوده و پنج بت

معروف ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را پرستش میکردند.

زمانیکه تبلیغ طولانی وی نتیجه ای چندان نداد به الله جل جلاله دعاء نمود تا هیچ کسی از آنان را باقی نگذارد، دعایش مستجاب شده و مامور به ساختن کشتی گردید، کشتی آماده شد و وقت وقوع طوفان عظیم فرا رسید، او با جمعی از مومنان و جفتهایی از حیوانات سوار کشتی شده و کشتی 150 روز بروی آب شناوری کرد تا اینکه تمام مشرکین هلاک شده و قضای الهی انجام یافت و به امر الهی آب دوباره جذب زمین و آسمان گردیده و کشتی بالای کوه «جودی» که در عراق موقعیت دارد حاملین خود را با سلامتی تحویل زمین ساخت، تکثیر نسل انسانی دوباره آغاز و دین حضرت نوح علیه السلام خاتمه یافت.

حضرت هود علیه السلام:

نسب حضرت هود علیه السلام به سام بن نوح علیه السلام میرسد، الله جل جلاله وی را به یکی از قبایل بزرگ عمالقه بنام (عاد) مبعوث نموده بود که در احقاف که نزدیک یمن است زندگی داشته است، این قبیله با ناز و نعمت زندگی داشته و در نتیجه از دین حضرت هود علیه السلام سرباز زده و راه انحراف را به پیش گرفتند، حضرت، دین الهی را که دارای اصول و فروع منظم بود به آنها تبلیغ میکرد، ولی آنها در اثر داشتن اجساد قوی و نعمتهای مادی فراوان از این نبی کریم پیروی نکردند تا اینکه به عذاب الهی که تند باد شدید بود هلاک شدند، این طوفان هفت شب و هشت روز ادامه یافت (22: 259-262).

حضرت صالح علیه السلام:

نسب حضرت صالح علیه السلام هم به سام بن نوح علیه السلام میرسد و به قوم ثمود مبعوث گردیده است، قرآنکریم آنها را به اصحاب حجر نامگذاری کرده است، سرزمین حجر بین حجاز و شام موقعیت دارد و گفته میشود که ثمود از بقایای قوم عاد میباشد. حضرت صالح علیه السلام پیامبر الهی و دارای دین سماوی است، زمانیکه او معتقدات دین الهی را به قومش بیان میکند آنها از وی طالب معجزه میشوند، این نبی کریم به امر الله جل جلاله ناقه (شتر) را از سنگ خارا و سخت بیرون میکشد و به آنها هوشدار میدهد تا شتر را اذیت نکرده و نوبت آتش را مراعات کنند، اما آنها بعد از گذشت مدتی اندامهای شتر را قطع و آنرا به هلاکت میرسانند تا اینکه الله جل جلاله آنانرا به سه عذاب گوناگون یعنی صاعقه (تندر) صیحه (آواز شدید) و رجه

(زمین لرزه) به هلاکت رسانید.

حضرت لوط علیه السلام:

حضرت لوط علیه السلام برادر زاده حضرت ابراهیم علیه السلام بوده که نبی الهی و دارای دین سماوی است و برای قوم منحرف آنوقت که در شهر سدوم واقع در شرق اردن زندگی داشته، مبعوث گردیده است. قوم حضرت لوط علیه السلام به انحراف جنسی (جنس گرایی) معتاد بوده و در کیل و وزن اموال و اجناس نیز خیانت میکردند، این نبی کریم اوامر و نواهی دین خود را به آنان بوجه احسن تبلیغ میکرد ولی آنها از عادات شوم جنس گرایی و قطع طریق و سایر منکرات انصراف ننموده و سخنان بر حق این پیامبر را نمی شنیدند تا اینکه الله جل جلاله فرشته هایی را موظف ساخت تا قوم حضرت لوط علیه السلام را سرنگون سازند، فرشتگان قبلاً حضرت لوط علیه السلام را در جریان گذاشته و قومش را در جریان شب با لرزه شدید زمین سرنگون ساختند (23: 221-228).

حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم علیه السلام پسر آزر و پیامبر اولوا العزم الهی است، او در بابل تولد شده و با ساره ازدواج نموده و بعد به شام سفر کرده و به پیامبری مبعوث گردید و دارای دین الهی است، او برای نمرود بن کوش و قومش به تبلیغ اوامر و نواهی الهی پرداخته و حجت های بسیار قوی را در برابر این قوم بت پرست اقامه داشته است، داستان شکستادن بت ها توسط این پیامبر خیلی مشهور است، قرآن کریم در مورد او به تفصیل صحبت نموده و از چگونگی افول ستاره گان، مهتاب و آفتاب ذکر کرده و هم از محاجات نمرود با وی در مورد الله جل جلاله یادآوری نموده است که در این محاجات نمرود را به شدت مبهوت ساخته و به شکست روبرو کرده است، حضرت ابراهیم علیه السلام از کیفیت احیای موتی از الله جل جلاله طالب معلومات شده که در داستان 4 پرده برایش نشان داده شده است، او به مشوره ساره که نازا بود با هاجر نام ازدواج کرده و در نتیجه این ازدواج حضرت اسماعیل علیه السلام پدر انبیای کرام عرب دنیا آمده است چنانچه بعدها از بطن حضرت ساره حضرت اسحاق پدر پیامبران بنی اسرائیل متولد شده است، حضرت ابراهیم به امر الله جل جلاله حضرت هاجر و حضرت اسماعیل را در دشتهای سوزان مکه مکرمه رها کرده و اسماعیل علیه السلام در بین قبیله جرهم بزرگ میشود، زبان

فصیح عربی را از آنها یاد گرفته و بایکدختر آن قبیله ازدواج میکند، حضرت ابراهیم علیه السلام آزمون بزرگ قربانی حضرت اسماعیل علیه السلام را موفقانه سپری میکند و به اتفاق هم کعبه شریفه را اعمار میکنند. دین این نبی کریم هم مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام الهی است که جهت اصلاح عقاید و امور عملی قوم بت پرست وی توسط او تبلیغ شده است.

حضرت اسحاق علیه السلام:

حضرت اسحاق علیه السلام پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است، او پیامبر الهی و دارای دین سماوی میباشد، او به مشوره پدر خود با رفقه دختر پسر کاکای خود ازدواج میکند و از وی دو فرزند بنام های العیص (عیسو) و یعقوب (اسرائیل) بدنیا می آیند. حضرت اسحاق به سن 180 سالگی وفات نموده و در شهر الخلیل پهلوی پدرش دفن میگردد. دین وی بسان دین پدرش دارای اصول و فروع منظم است.

تمرین



- 1 - وظائف حضرت آدم علیه السلام را بعنوان اولین انسان روی زمین ضمن جروب بحث بیان کنید.
- 2 - اینکه حضرت ادريس علیه السلام به زبانهای مختلف و فنون گوناگون تسلط داشت، توضیح دهید.
- 3 - موضوعات عمده و مهم زندگی حضرت نوح علیه السلام را با کمی تفصیل شرح دهید.
- 4 - حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام را با ادیان و اقوامشان معرفی مختصر کنید.
- 5 - نکات عمده و بحث انگیز زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام را طی کار گروهی ذکر نمایید.
- 6 - زندگی حضرت لوط، حضرت اسحاق و حضرت اسماعیل علیهم السلام را با اختصار شرح دهید.



درس دوم

ادیان سماوی بعد از حضرت یعقوب علیه السلام

اهداف:

- 1- معرفی کردن شخصیت و دین حضرت یعقوب و حضرت یوسف علیهما السلام.
- 2- ارائه معلومات در مورد حضرت شعیب، ایوب و ذوالکفل علیهم السلام.
- 3- استفاده مزید از منابع معتبر در این زمینه ها.

در این درس برخی از آن انبیای الهی را مختصراً با ادیان مربوطه شان معرفی میکنیم که بعد از حضرت یعقوب علیه السلام در قوم بنی اسرائیل مبعوث شده اند:

حضرت یعقوب علیه السلام:

حضرت یعقوب علیه السلام پسر حضرت اسحاق علیه السلام پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است، حضرت یعقوب علیه السلام پدر قبائل (اسباط) دوازده گانه بنی اسرائیل میباشد، او به لقب اسرائیل معروف بوده و تمام شعب این قوم به او منسوب میباشند. حضرت یعقوب علیه السلام در فلسطین محل بود و باش کنعانیان متولد گردیده و تحت تربیت پدرش بزرگ شده و به اساس مشوره مادرش رفقہ که میدانست العیص برادرش با یعقوب علیه السلام میانه ای خوب ندارد روانه سرزمین بابل گردید جایی که مامای وی در آن اقامت داشت. حضرت یعقوب علیه السلام در طول راه شب هنگام خواب دید که او دارای منزلت بزرگی میشود و اولاد زیاد میداشته باشد و این سرزمین به او تعلق میگیرد، وقتی بیدار شد احساس خوشی نموده و بعنوان نذر تصمیم گرفت در آینده اینجا معبدی آباد کند و سنگی را با روغن چرب کرد تا نشانی باشد برای اعمار «بیت ایل» و بعد این خانه را آباد نمود که همین بیت المقدس فعلی میباشد. او به منزل مامای خود رسید و بعد از مدتی دو دختر مامای خود را بنامهای «لیئه و راحیل» به ازدواج گرفت که البته در شریعت حضرت یعقوب علیه السلام گرفتن دو خواهر در یک وقت جایز بود. مامای وی به هر دختر خود یک یک کنیز را نیز بعنوان تحفه داد، از لیئه شش فرزند و از راحیل دو فرزند و از هر کنیز هم دو دو فرزند متولد گردیدند، در آینده دوازده پسر حضرت یعقوب دوازده قبیله بنی اسرائیل را تشکیل دادند. حضرت یوسف علیه السلام و بنیامین از راحیل متولد

شده و حضرت یوسف علیه السلام در خواب دید که یازده ستاره، آفتاب و مهتاب برای وی سجده میکنند. برادران حضرت یوسف علیه السلام بر او خیلی حسود بودند، حضرت یوسف علیه السلام در اثر خیانت برادران به مصر منتقل شد و در آنجا صاحب قدرت و منزلت بزرگی گردید و بالاخره والدین و برادران به او محتاج شده و همه آنها به مصر نقل مکان کردند و رویای حضرت یوسف علیه السلام جامه عمل پوشید. حضرت یعقوب علیه السلام به سن 147 سالگی فوت نموده و به اساس وصیت او از طرف حضرت یوسف علیه السلام به شهر الخلیل انتقال و پهلوی پدر خود اسحاق علیه السلام دفن گردید. حضرت یعقوب پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی میباشد. دین و شریعت وی هم مانند سایر ادیان و شرائع سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است.

حضرت یوسف علیه السلام:

حضرت یوسف علیه السلام در نتیجه خیانت برادران به چاه انداخته شد و از طریق کاروانی که از آن مسیر میگذشت به مصر برده شده و در بازار مصر وی را بالای عزیز مصر که « فوطیفار » نام داشت بفروش رسانیدند. حضرت یوسف علیه السلام در خانه عزیز مصر به سن جوانی رسید، چون چهره زیبا و دلکش داشت مورد سوء قصد خانم عزیز (زلیخا) قرار گرفت ولی او با متانت تمام این سوء قصد را ناکام ساخت، عزیز مصر برای اعاده آبروی خود حضرت را روانه زندان نمود، او سالهای زیادی در زندان باقی ماند تا اینکه اتهام مرتبط به وی مورد تحقیق قرار گرفته و به همه بی گناهی اش ثابت گردید و بمنظور تلافی، وی را مسئول امور مالی و زراعتی مصر مقرر نمودند، او مقام و منزلت بزرگی را کسب کرده و برادران جفاکارش محتاج وی گردیدند. داستان حضرت یوسف علیه السلام به تفصیل در سوره مبارکه «یوسف» ذکر شده و به آن مراجعه صورت گیرد. حضرت یوسف علیه السلام پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی میباشد. او به سن 110 سالگی در حالیکه حکمران مصر بود وفات کرده و در آنجا دفن گردید و 64 سال بعد از وفات وی حضرت موسی علیه السلام در مصر متولد شد (22: 288-305). دین او نیز دارای اصول و فروع منظم است که وی به تبلیغ آن مکلف شده است.

حضرت شعیب علیه السلام

نسب حضرت شعیب علیه السلام به حضرت ابراهیم علیه السلام میرسد، مادرش دختر حضرت

لوط علیه السلام میباید، الله جل جلاله وی را بطرف مردم مدین مبعوث ساخته که بنام «اصحاب ایکه» نیز یاد میشوند، ایکه بمعنی زمین هموار بوده که در آن زراعت و باغداری خوب صورت میگرفت، مدین در جنوب فلسطین موقعیت داشته و از مصر تا مدین هشت شبانه روز منزل وجود دارد، مدین نام جد اعلی مردم آن سرزمین میباید.

مردم مدین ابتداء به دین حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، زمانیکه آنها این دین را ترک کرده انحراف را به پیش گرفتند الله جل جلاله حضرت شعیب علیه السلام را به جانب آنان مبعوث ساخت، مردم مدین در پیمان و ترازو خیانت کرده و مرتکب منکرات زیادی میشدند، حضرت شعیب علیه السلام آنها را به عقیده راسخ توحیدی دعوت کرده، اوامر و نواهی الهی را برایشان توضیح مینمود، مردم مدین به حضرت و پیروانش اخطار کردند در صورتی که از دین خود برگردند آنانرا از قریه و شهر بیرون خواهند نمود، آنها گفتند که اگر حضرت شعیب علیه السلام میتواند پس یک قسمتی از آسمان را بر روی آنها ساقط سازد، الله جل جلاله در اثر این تقاضای آنها عذاب «یوم الظله» را بر آنها نازل ساخت، هفت روز حرارت شدیدی آنها را فرا گرفت تاحدی که آبهایشان بجوش آمد و بعد یک قطعه ابر غلیظی ایجاد گردید و همه زیر سایه آن استاد شده و الله جل جلاله بالای آنها آتش را مسلط و همه ایشانرا هلاک ساخت، حضرت شعیب علیه السلام پس از این، مدتی حیات بسر برده و بعداً فوت نمود.

حضرت ایوب علیه السلام:

نسب حضرت ایوب به حضرت اسحاق رسیده و مادرش دختر حضرت لوط علیه السلام میباید، او دارای فرزندان زیاد، ثروت، زمینهای زراعتی و باغهای فراوان بود، الله جل جلاله وی را در داشتن نعمت زیاد مورد ابتلاء و آزمایش قرار داده و او با داشتن این همه دارایی تمام اوامر الهی را بجای مینمود و در عبادت خدای واحد مشغول بود، بعد الله جل جلاله خواست حضرت ایوب علیه السلام را به بی اولادی، فقر، ناداری و مرض نیز تحت آزمایش قرار دهد، مریضی سختی بر او عاید شده همه فرزندان و ثروت خود را از دست داد، خانم وی (رحمه) در هر دو دوره با وی همکار و همدست بوده اما در اخیر مریضی حضرت ایوب علیه السلام از سوی شیطان وسوسه ای به او ایجاد گردید و حضرت ایوب کمی از او ناراضی شد، به امر الله جل جلاله صحت، فرزندان و دارایی دوباره به حضرت ایوب علیه السلام داده شد، برخی تفاسیر در مورد حضرت ایوب علیه السلام یک سلسله اسرائیلیات را نیز نقل نموده که در این زمینه گرفتن

جانب احتیاط امر ضروری میباشد، بطور نمونه گفته شده که مریضی وی آنقدر وخیم شد که هر هم نشین از او نفرت کرده و دوری اختیار مینمود، جسدش متعفن گردید و کرمها از بدنش بیرون می آمدند، وابستگان وی او را به بیرون از شهر کشیده و در محل زباله انداختند. این چنین سخنان و حالت، دور از وجود و شخصیت این نبی کریم بوده و او هیچگاه مصاب به این چنین مرض نفرت آور نگردیده است، درست است که او به مرض طبیعی گرفتار شده بود و از الله جل جلاله خواست تا وی را از ضرر و مرضی که عاید حالش گردیده نجات دهد و دعایش مستجاب شد و دوباره صاحب صحت، اهل و فرزندان گردید و این ابتلاء ذکر و پندی شد برای عبادت کنندگان. حضرت ایوب علیه السلام هم دارای دین و شریعت الهی است، دین و شریعت وی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است که این نبی صبور به تبلیغ آن موظف گردیده بود.

حضرت ذوالکفل علیه السلام:

حضرت ذوالکفل پسر حضرت ایوب علیه السلام است و بنام «بشر» یاد میشود، چون او عهده دار اجرای برخی عبادات و طاعات الهی بود و بخوبی آنرا انجام داد پس الله جل جلاله وی را به ذوالکفل مسمی ساخت، محل بود و باش وی شام است و برخی او را نبی ندانسته و از جمله صالحین بنی اسرائیل میشمارند اما ابن کثیر نبوت وی را تایید کرده است. و این ذوالکفل غیر از آن ذوالکفلی است که در حدیث امام ترمذی و امام احمد علیهما الر حمة ذکر شده است (23: 305-327).

تمرین



- 1 - نسب حضرت یعقوب علیه السلام را ذکر نموده و بگویید که او چرا عازم بابل شد؟
- 2 - خانواده حضرت یعقوب علیه السلام را مختصراً معرفی نمایید.
- 3 - با استفاده از سوره مبارکه یوسف زندگی این نبی کریم را با اختصار بیان کنید.
- 4 - حضرت شعیب علیه السلام در کجا و به چگونه یک قوم مبعوث گردیده بود؟ واضح سازید.
- 5 - حضرت ایوب علیه السلام چگونه مورد آزمایش الهی قرار گرفت؟ مختصراً شرح دهید. و هم راجع به ادیان سماوی انبیای کرام مذکور درین درس معلومات مختصر ارائه کنید.
- 6 - اختلافی که در مورد پیامبری حضرت ذوالکفل وجود دارد با اختصار توضیح دهید.
- 7 - با استفاده از منابع معتبر و مواد درسی لازم مطالب این درس را بیشتر غنامند سازید.

درس سوم



حضرت موسی علیه السلام و دین وی

اهداف:

1. شرح حال و زندگی قبل از بعثت حضرت موسی علیه السلام.
2. شرح حال و زندگی بعد از بعثت حضرت موسی علیه السلام.
3. بیان چگونگی دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام و معرفی کتاب فعلی تورات (عهد عتیق).

آشنایی با زندگی حضرت موسی علیه السلام:

حضرت موسی علیه السلام پسر عمران پسر یصهر و نسب وی به حضرت یعقوب علیه السلام میرسد. حضرت موسی علیه السلام در زمان فرعون معروف، که یک قدرتمند جابر و ظالم وقت خود بود چشم به جهان گشود. فرعون نه تنها پادشاه مصر بود بلکه ادعای ربوبیت نیز داشت، او بیشتر از «400» سال زندگی کرد. بنی اسرائیل بعد از حضرت یوسف علیه السلام در مصر توطن اختیار نموده بودند و بعد از وفات حضرت یوسف علیه السلام آنها بازهم دین خفیه آباء خود را پیروی میکردند تا اینکه فرعون بر آنها مسلط شد. فرعون خوابی دید که وی را بسیار پریشان ساخت، او در خواب دیده بود که آتش هیبتناکی از سوی بیت المقدس به جانب مصر در حالت گسترش است و بعد به مصر میرسد و تمام قبطی ها را با هست و بودشان از بین میبرد و صرف بنی اسرائیل از این آتش در امان باقی میمانند. فرعون به عجله ساحران و معبران را دعوت کرد تا این خواب را تعبیر کنند، آنها در تعبیرات خواب گفتند: زود است که در بین بنی اسرائیل طفلی متولد خواهد شد که باعث هلاک قبطیان شود، و بدستان او سلطنت فرعون هم سرنگون خواهد شد. فرعون بالفور امر نمود تا من بعد تمام اطفال بنی اسرائیل را بقتل برسانند، زمانیکه وضع حمل مادر حضرت موسی علیه السلام قریب شد او بسیار پریشان بود ولی در اثر وحی الهی به او اطمینان داده شد تا تشویش نکند، این طفل نجات مییابد و یکی از پیامبران الهی مییابد. طفل تولد شد و در صندوق چوبی جابجا و در رود نیل رها گردید، خواهر حضرت موسی علیه السلام تمام جریانات را تعقیب مینمود، صندوق بدستان خانم فرعون (آسیه) رسید و برای شیر دادن وی ناچار مادر خودش توظیف گردید، حضرت موسی علیه السلام با ناز و نعمت

در منزل فرعون به جوانی رسید و بنام موسی بن فرعون در بین مردم شهرت داشت، روزی حضرت موسی علیه السلام در گرمی روز که فعالیت شهر متوقف بود به شهر رفت و در آنجا دو نفری را دید که باهم منازعه دارند، یکی از آنها قبطی و دیگر شان بنی اسرائیلی بود، چون حق را با بنی اسرائیلی یافت بعد از گفتگو قبطی را تادیباً به سیلی زد و او با این سیلی از پا در آمده و فوت کرد، در این صحنه کس دیگری حضور نداشت، حضرت موسی علیه السلام مراقب اوضاع بود و قبطیان به دربار فرعون رفته و از او پیوسته میخواستند تا قاتل این شخص به قتل برسد اما قاتل معلوم نبود، روی تصادف روز دیگر حضرت موسی از محله دیگری میگذرد و می بیند که بین همان بنی اسرائیلی و قبطی دیگر منازعه جریان دارد، بنی اسرائیلی از حضرت موسی علیه السلام طالب کمک شد و او با خشم میخواست بر قبطی حمله ور شود، بنی اسرائیلی گمان کرد که وی را مورد حمله قرار میدهد، بنی اسرائیلی به حضرت موسی علیه السلام گفت: ای موسی آیا میخواهی مرا بکشی چنانچه کشتی شخصی را دیروز! اینکه قبطی این سخن را شنید بالفور همه قبطیان را در جریان قرار داد که حضرت موسی علیه السلام قاتل آن قبطی است، همه به دربار فرعون رفته و فرعون امر قصاص حضرت موسی علیه السلام را صادر کرد، یک شخص مؤمن بنام «حزقیل» که از اهل فرعون بود نزد حضرت موسی علیه السلام آمده و او را در جریان قرار داد، حضرت موسی علیه السلام از شهر بیرون شده و بجانب مدین در حرکت افتاد، بعد از هشت روز منزل به مدین رسیده و در زیر درختی استراحت کرد، در این وقت دو دختر جوانی را دید که در اثر ازدحام مالداران به گوسفندان خود نمیتوانند از چاه آب دهند، حضرت موسی علیه السلام با آنها کمک نمود و آنها قصه کمک این جوان را به پدرشان که حضرت شعیب علیه السلام میباشد بازگو کردند و هم به پدرشان پیشنهاد نمودند که این جوان را مورد تکریم قرار داده و اگر ممکن باشد او را برای چرانیدن گوسفندان به مزدوری بگیرد، حضرت شعیب علیه السلام یکی از دختران خود را به نزد موسی علیه السلام فرستاده تا وی را به خانه بیاورد، حضرت موسی علیه السلام به خانه شعیب علیه السلام آمده و بعد از گفتگو قبول کرد که ده سال گوسفندان حضرت شعیب را بچراند و در مقابل با دختر وی ازدواج کند. حضرت موسی علیه السلام بعد از ده سال رهسپار مصر شد، در طول راه شب فرا رسید و هوا سرد و تاریک شد و او در جستجوی آتش بود، ناگهان نوری را دید که در نزدیکی کوه طور قرار دارد، او به خانمش که وضع حملش قریب شده بود گفت تو اینجا انتظار بکش تا من برای

تو آتش بیاورم، وقتی حضرت موسی علیه السلام به آنجا رسید حالات را قسم دیگری یافت و به او گفته شد تا نعلین خود را بکشد زیرا او به وادی مقدس طوی قرار دارد، الله جل جلاله با او سخن گفت و او را بحیث پیامبر جانب فرعون مقرر ساخت و دو معجزه آشکار (عصا، ید بیضاء) را برای تصدیق وی داد، الله جل جلاله به برادر حضرت موسی که هارون نام داشت وحی فرمود که او هم پیامبر مبعوث الهی است و در این ماموریت با برادرش همکار و شریک میباشد. حضرت موسی و حضرت هارون علیهما السلام مبارزه با فرعون را آغاز نمودند ولی فرعون به هیچگونه حاضر به پذیرش دین آنان نشد و از حضرت موسی علیه السلام طالب معجزه گردید، او دو معجزه خود را به فرعون نشان داد و فرعون از دیدن آنها در هراس افتاد و امر کرد تا تمام ساحران قلمرو پادشاهی اش جمع شوند و با حضرت موسی علیه السلام مقابله کنند، مقابله آغاز شد و در نتیجه همه ساحران شکست خورده و به دین حضرت موسی علیه السلام مشرف شدند، فرعون آنانرا به قتل رسانید. فرعون به گمراهی و دشمنی خود با دین الله جل جلاله ادامه داده واز انواع تعذیب ها بر بنی اسرائیل دریغ ننمود. الله جل جلاله قبل از اینکه فرعون و فرعونیان را به هلاک برساند نه معجزه و آیات بینات را بر آنها مسلط ساخت، این نه معجزه قرار ذیل اند:

- 1 - عصای حضرت موسی علیه السلام که به مار تبدیل میشد.
- 2 - ید بیضای حضرت موسی علیه السلام، زمانیکه او دست خود را به گریبان خود داخل میکرد و بعد آنرا بیرون میکشید دستش مانند آفتاب روشنی میداد.
- 3 - خشک سالی و قحطی که سالهای متمادی ادامه پیدا کرد.
- 4 - کمی میوه ها در اثر بلاها و آفات.
- 5 - کثرت باران که در اثر آن جویهای و نهرها بر آنها جاری شده زراعت و مالداری آنانرا متضرر میساخت.
- 6 - ملخهای زیاد همه میوه و زراعت آنها را تلف کرده و حتی مانع تابش شعاع آفتاب بر روی زمین میشدند.
- 7 - شپشک که در بین دانه ها و حبوبات بوجود می آمد، برخی گفته اند که این همان شپش معروف انسانی بود، نزد عده ای عبارت از پشه مخصوص است که آنها را همواره اذیت میکرد.
- 8 - کثرت بقه که در هر ظرف و محل پاک می افتیدند و به طعام آنان خود را میرسانیدند.

9 - ظاهر شدن خون در آب یعنی هر وقتی که آنها آب را در کف دست و یا ظرف میگرفتند آب پاک به خون تبدیل میشد (22: 188-214).

فرعون و قومش در مخالفت با حضرت موسی کلیم الله ادامه داد و این آیات بینات بر او کارگر و مؤثر واقع نشد تا اینکه به اساس مشیئت پروردگار وقت هلاک فرعون و قومش قریب شد و الله جل جلاله به حضرت موسی علیه السلام امر فرمود تا از طرف شب یکجا با بنی اسرائیل مصر را ترک و بسوی سرزمین موعود در حرکت شود. حضرت موسی علیه السلام با قومش از طرف شب از مصر خارج شد در حالیکه تعداد بنی اسرائیل بدون خورد سالان در حدود 600 هزار نفر جنگی بود.

فردا قبطیان که شهر را خالی از بنی اسرائیل یافتند به امر فرعون به تعقیب بنی اسرائیل در حرکت افتادند، تعداد لشکر فرعون بیشتر از یک میلیون و ششصد هزار تن جنگی بود. زمانیکه لشکر فرعون به بحیرهٔ احمر (خلیج سوئیس) رسید حضرت موسی علیه السلام با قومش از بحیره عبور نموده بودند و بحیره به امر الله جل جلاله آمادهٔ غرق شدن فرعون و فرعونیان شده بود، فرعون با لشکریانش در آنجا غرق شده و حضرت موسی علیه السلام در آنسو به حرکت خود ادامه داد، در طول راه بنی اسرائیل که تشنه و گرسنه شده بودند از حضرت موسی علیه السلام خواستند تا آب و غذا را تهیه کند، او عصای خود را به سنگ زد و به امر الله جل جلاله از آن دوازده چشمه جاری شد که برای هر قوم چشمه ای جداگانه مورد استفاده قرار گرفت و هم طعامی بنام «من و سلوی» از آسمان فرو می آمد. در فلسطین اقوام ظالمی که از بقایای حیثانیان و کنعانیان بودند زندگی میکردند و حضرت موسی علیه السلام به قومش امر نمود تا با او یکجا داخل فلسطین شوند، اما بنی اسرائیل از امر او اطاعت ننموده و برایش گفتند: پس تو و پروردگار تو بروید و جنگ کنید و هر آئینه ما اینجا از نشسته گانیم. الله جل جلاله آنانرا چهل سال در دشت تیه حیران و سرگردان ساخت، تا بعد از چهل سال نسل جدیدی از آنها بدنیا آید نسلی که در دشت بدون غلامی و قیودات دیگران بزرگ شده باشد و بعد فلسطین را فتح کند، این نسل جدید با حضرت یوشع بن نون یکجا بیت المقدس را فتح نمودند. حضرت موسی علیه السلام بعد از وفات حضرت هارون علیه السلام به سن 120 سالگی در صحرای تیه وفات و در آنجا دفن گردید (23: 331-378).

دین حضرت موسی علیه السلام:

اگر می‌خواهیم راجع به دین و شریعت یک پیامبر الهی که دارای کتاب سماوی است معلومات حاصل کنیم یگانه مرجع مطمئن شناخت آن همان کتاب سماوی وی می‌باشد. کتاب تورات کتاب الهی است که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده و مامسلمانان مکلف به ایمان آوردن به آن می‌باشیم ولی باید متوجه بود که کتاب تورات بعد از رحلت حضرت موسی علیه السلام بدست کاهنان یهودیت افتاده و تحریفات و تغییرات زیادی از طرف آنها در آن وارد شده و کتابی که فعلاً بنام تورات (عهد عتیق) به اختیار ما قرار دارد کتاب اصلی تورات نمی‌باشد بلکه کتابی است محرف و مسخ شده توسط کاهنان یهودی. و از طرف دیگر با نزول قرآنکریم تمام کتب سماوی گذشته منسوخ گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشند، بنابر آن برای شناخت دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام مدارک دینی خود ما یک مرجع مطمئن می‌باشد تا بدانیم این دین الهی و سماوی باید دارای چه اصول و فروعی باشد. بطور خلاصه دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام دارا و حاوی بخشهای ذیل بود:

- 1 - اعتقاد بوجود الله واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سمیع، بصیر، لامکان، لازمان و مبرا از هر نوع صفات مخلوقات و حوادث.
- 2 - اعتقاد بوجود و حقانیت پیامبران الهی و تاکید بر عصمت آنها.
- 3 - اعتقاد بوجود فرشتگان، شیاطین و جن.
- 4 - اعتقاد به وجود صحائف و کتب سماوی.
- 5 - اعتقاد به مخلوقیت و حدوث عالم.
- 6 - اعتقاد به قضاء و قدر الهی و اندازه خیر و شر از جانب الله جل جلاله.
- 7 - اعتقاد به روز قیامت.
- 8 - اعتقاد به زنده شدن بعد از مرگ.
- 9 - اعتقاد به وجود عدل الهی و محاکمه انسانها توأم با عدل و فضل الهی.
- 10 - اعتقاد به وجود قلم و لوح.
- 11 - اعتقاد به وجود عرش و کرسی. و اعتقاد داشتن به تمام آنچه که در دین مقدس اسلام از اصول دین بشمار رفته و یک مومن باید به آن معتقد باشد.

- 12 - موجودیت یک سلسله عبادات.
- 13 - موجودیت اصول احوال شخصیه.
- 14 - موجودیت نظام خاص ذبائح و سایر نظامات شرعی.

برخی اعتقادات یهودیت کنونی:

اگر بتاریخ یهودیان مراجعه صورت گیرد به وضاحت فهمیده میشود که این قوم سرکش همیشه بسوی شرک، تجسیم و نفع جویی تمایل داشته و روی این انحراف عقیده وی آنهاست که الله ﷻ پیامبران زیادی را به آنان مبعوث ساخته است. آنها بعد از بیرون شدن از مصر گوساله سامری را پرستش کرده و هم مار بزرگی را مورد عبادت قرار داده اند. یهوه نام خدای آنان است ولی یهوه از نظر آنها همیشه خطا کار است، به دزدی امر میکند، متعصب و بی رحم است، یهوه از نظر آنها تنها خدای بنی اسرا عجل است و با دیگران دشمنی دارد.

یهودیان حضرت اسحاق علیه السلام را ذبیح الله میگویند در حالیکه ذبیح الله اصلاً حضرت اسماعیل علیه السلام میباشد.

یهودیان با فکر مادی ای که دارند علاقه چندان به اعتقاد به روز قیامت، ثواب و عقاب اخروی ندارند و در دین یهودیت کنونی هم اشاره های سطحی به این موضوعات صورت گرفته است. از نظر آنها ثواب و عقاب در این دنیا داده می شود. ثواب یعنی پیروزی در این دنیا، و عقاب یعنی ناکامی، بردگی و ذلت در این دنیا. از نظر آنها یهودیان مقدس اند و غیر یهودیان ناپاک اند و مانند حیوانات و از جمله سگها و خوک هایی اند که هر نوع خیانت در برابر ایشان سبب اجر و تقرب نزد خداوند می گردد.

از نظر یهودیان حضرت عیسی علیه السلام بشکل نامشروع از مادرش به دنیا آمده است. از نظر آنها دین یهودیت مخصوص تنها یهودیان است و کس دیگری به آن پیوسته نمی تواند.

روز سبت (شنبه) نزد یهودیان روز پاک است و کار کردن در آن روز جائز نمی باشد. زیارت بیت المقدس در سالی دو مرتبه بالای هر مرد بالغ یهودی حتمی و ضروری

می باشد. نو شدن هر ماه توسط یهودیان با نواختن نی و برافروختن آتش تجلیل می گردد. یهودیان روزهای خروج شان از مصر را جشن می گیرند و این جشن از شب چهارده اپریل شروع و تا شب بیست و یک اپریل ادامه می یابد و در این روزها صرف نان فطیر می خورند.

یهودیان کنونی هیچ رابطه نسبی با عبری های قدیم اسرا ^{عجلی} که از نسل حضرت ابراهیم ^{علیه السلام} بودند ندارند بلکه از اقوام دیگری اند که به یهودیت روی آورده اند و عبری های اصیل بنی اسرا ^{عجلی} از یهودیان طبقه پائین اسرائیل کنونی محسوب می شوند (جهنی، مائع بن حماد. شناخت ادیان و مذاهب جهان ترجمه م. ط عطایی. پشاور: دانش 1386 ش. ص: 551-558).

معرفی تورات فعلی (عهد عتیق):

کتاب تورات فعلی چنانچه قبلاً یاد آور شدیم کتاب اصلی تورات نیست بلکه جزوه های زیادی برآن علاوه شده و بخش های دیگری از آن کم گردیده است. تورات فعلی دارای اسفار پنجگانه میباشد:

- 1 - سفر یا کتاب تکوین: در این سفر داستان خلقت جهان و حضرت آدام علیه السلام آورده شده، هبوط او به زمین و قصه هابیل و قابیل، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسحاق علیه السلام، حضرت یعقوب علیه السلام و به تفصیل داستان حضرت یوسف علیه السلام ذکر شده است، داستان رفتن فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام به مصر و مکان آنان در آنجا تا وفات حضرت یوسف علیه السلام بیان گردیده است.
- 2 - سفر یا کتاب خروج: در این سفر داستان زندگی بنی اسرائیل در مصر از زمان حضرت یوسف علیه السلام تا وقت خروج شان از مصر به تفصیل شرح شده و هم از حالت مذهبی و سیاسی فراعنه، غلامی بنی اسرائیل و ظهور حضرت موسی علیه السلام ذکر می بعمل آمده است.
- 3 - سفر یا کتاب درویشان: در این سفر از قوانین، احکام و وصیتهای بنی اسرائیل یاد آوری شده وهم از کفارات گناهان، تفصیل چیزهای حرام، رسمهای غم و خوشی (مثل ازدواج)، تفصیل نیکبها، پاکی ها و طهارات و از سائر رهنماییهای دینی صحبت شده است.
- 4 - سفر یا کتاب اعداد: در این سفر به تفصیل تعداد اسباط و قبائل بنی اسرائیل و تعداد نفر

های هر قبیله ذکر شده، از عادات و تقالید بنی اسرائیل که در دشت سینا (تیه) از خود اظهار داشته و هم از رواجهای دینی آنها سخن بمیان آمده است.

5 - سفر یا کتاب تثنیه: در این سفر مرور دوباره بر رهنمایی های بنی اسرائیل صورت گرفته و در مورد نوشیدنیها و خوردنیها بار ثانی ذکر بعمل آمده و هم از ده حکم و فرمان به یک اسلوب خاصی یاد آوری شده است.

تورات فعلی با اسفار پنجگانه آن از مآخذ ذیل متأثر میباشد:

- 1 -داستانها و روایات نسلهای متعدد یهودی.
 - 2 -فیصله نامه ها و قطع نامه های مجالس مختلف یهودیان.
 - 3 -داستانها و روایات عربهای جزیره العرب.
 - 4 -افکار و عقاید مصریان قدیم.
 - 5 -افکار و عقاید بابلیان قدیم.
 - 6 -ضوابط و قوانین حمورابی.
- یهودیان تنها به تورات (عهد قدیم) بعنوان کتاب سماوی معتقد اند، انجیل (عهد جدید) و قرآنکریم را بحیث کتب سماوی نمی دانند. مسیحیان تورات و انجیل هردو را بحیث کتب سماوی میشناسند ولی قرآنکریم را بحیث کتاب سماوی نمی شناسند (20: 323-325).

تمرین



- 1 - چگونه اسکان بنی اسرائیل در مصر را بیان دارید.
- 2 - چرا فرعون دست به کشتن اطفال ذکور بنی اسرائیل زد؟ مختصراً بیان کنید.
- 3 - داستان نجات یافتن حضرت موسی علیه السلام و زندگی اش در دربار فرعون را بیان نمایید.
- 4 - حضرت موسی علیه السلام چگونه به خانواده حضرت شعیب علیه السلام راه یافت؟ شرح دهید.
- 5 - جریان بعثت این نبی کریم را طبق اشارات قرآنی توضیح دهید.
- 6 - حضرت موسی علیه السلام دارای معجزات و آیات بینات بود آنها را صرف نام ببرید.
- 7 - چگونه غرق شدن فرعون و قومش را به کمک استاد مضمون به تفصیل بیان دارید.
- 8 - حوادث بعد از غرق شدن فرعون را به اختصار شرح دهید.
- 9 - فتح بیت المقدس چرا به نسل بعدی بنی اسرائیل گذاشته شد؟ دلیل آنرا ذکر کنید.
- 10 - راجع به اصول و فروع شریعت حضرت موسی علیه السلام چه میدانید؟ توضیح نمایید.
- 11 - تورات فعلی دارای چند سفر است؟ محتویات هر کدام را صرف نام گیرید.
- 12 - تورات فعلی از کدام مأخذ متأثر است؟ موضوع را به تفصیل شرح دهید.
- 13 - وضع کنونی سیاسی، نظامی و دینی اسرائیل را چگونه ارزیابی میکنید؟ از طریق بحث آزاد موضوع را روشن سازید.



درس چهارم

حضرت عیسی علیه السلام و دین وی

اهداف:

- 1 - معرفی مختصر حضرت مریم بنت عمران.
- 2 - معرفی مختصر حضرت عیسی ابن مریم علیهما السلام.
- 3 - معرفی مختصر دین اصلی مسیحیت.
- 4 - معرفی مختصر پیشینه تاریخی و اعتقادات دینی مسیحیت کنونی.

زندگی حضرت عیسی علیه السلام:

معرفی زندگی حضرت عیسی علیه السلام ارتباط نزدیک با معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام دارد، ما ناگزیریم زندگی حضرت عیسی علیه السلام را در ضمن معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام به معرفی بگیریم:

حضرت مریم علیها السلام دختر عمران یکی از روحانیون دینی بنی اسرائیل میباشد، مادر مریم نذر کرده بود که اگر در خانه وی بچه متولد شود او را به خدمت معبد میگمارد، زمانی که طفل تولد شد دختر بود و نامش را مریم گذاشتند، هنوز مریم طفل خورد سالی بود که پدرش عمران وفات کرد، مادرش طبق وعده مریم را به معبد برده و تسلیم کاهنان آن نمود، خادمان معبد میدانستند مریم دختر یکی از روحانیون متنفذ است که دیگر در بین شان نیست پس هر کس کوشش نمود تا سر پرستی او را به عهده گیرد، حضرت زکریا علیه السلام که هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود نیز خواهان سرپرستی وی شد، زیرا او شوهر خاله مریم و یا بقولی شوهر خواهر مریم هم میباشد، در نتیجه به قرعه کشی موافقه صورت گرفته و قرعه حضرت زکریا علیه السلام را مستحق سرپرستی وی دانست، زکریا علیه السلام در یک قسمتی از معبد جای مناسبی را برای مریم درست نموده و از او پیوسته مراقبت میکرد، زکریا علیه السلام واقعات جالبی را نزد مریم مشاهده مینمود، بطور مثال نزد وی میوه هایی را میدید که در بازار پیدا نمیشد یعنی میوه های موسمی و فصلی نبود.

حضرت مریم علیها السلام همیشه مصروف عبادت الله جل جلاله بوده و در یک محیط پاک و بی خطر زندگی خود را به پیش میبرد، فرشته ها نزد او آمده و او را مطلع میساختند که او یک

انسان برگزیده است و از او طفلی تولد خواهد شد که دارای مقام بلند و رفیع می باشد و در طفولیت با مردم سخن خواهد گفت. و قتی حضرت مریم به سن 13 سالگی رسید در یکی از روزها از معبد بیرون رفته و حضرت جبرائیل علیه السلام به نزدیکی ظاهر شد و به گریبان وی نفخ روح نمود، حضرت مریم علیها السلام حامله شد و نظر به اختلاف اقوال مدت حملش 9 ساعت، یا هجده ماه، و یا مدت معمولی و طبیعی مثل مدت سایر زنان بود، زمانی که آثار حمل بر وجودش فرا رسید و او در بیت اللحم به نزدیک یک درخت خرماي خشکیده پناه برده و حضرت عیسی علیه السلام از یک دختر باکره متولد شد، درخت خرماي خشکیده ثمر به بار آورد و با تکان دادن خرماي تازه از آن ریخت و از آن تناول کرد و از آبی که در آنجا جاری شد، نوشید، او طفل خود را برداشت و بسوی قوم خود در حرکت شد، ملاقات وی با زنان و مردان قومش صحنه جالبی است در زندگی این زن عفیفه و نیکوکار.

به حضرت مریم علیها السلام الهام شد که روزه سکوت بدهن داشته باشد و معترضین را به طفل خود رهنمایی کند تا به او سخن گویند، طفل به سخن آمد و گفت: من بنده الله جل جلاله ام، مرا الله جل جلاله کتاب و برکت داده هر جای که باشم و حکم فرموده است مرا به ادای نماز و زکات مادامی که زنده باشیم...

حضرت عیسی علیه السلام در آغوش مادرش در یک محل بلند دور از بیت اللحم پرورش و تربیت یافت. در این زمان هیروودوس حاکم فلسطین است که از امپراتوری روم غربی اداره میشود، برخی کاهنان به هیروودوس خبر دادند که طفلی به دنیا آمده که در آینده بر همه یهودیان حکومت خواهد نمود و بنابر صراحت انجیل متی و برنابا هیروودوس دستور داد تا تمام اطفالی که در بیت اللحم بدنیا می آیند به قتل برسانند، حضرت مریم علیها السلام طفل را با خود به مصر منتقل ساخت و تا زمان فوت هیروودوس آنها در مصر باقی مانده و بعد از آن دوباره به وطن اصلی خود بازگشت نمودند، حضرت عیسی علیه السلام در این وقت هفت ساله بود و در ناحیه الخلیل در محلی بنام «ناصره» مسکن گزین شدند، زمانی که به سن دوازده سالگی رسید در طول راه بیت المقدس از نزد مادرش ناپدید شد، مادرش بسوی ناصره برگشت ولی او را در آنجا نیافت بعد دوباره به بیت المقدس آمد و سه روز گذشته بود که وی را در بین مجموعه ای از علماء دید که با ایشان راجع به شریعت بحث میکند (22: 215-228).

حضرت عیسی علیه السلام بر خلاف سایر پیامبران به سن 30 سالگی به پیامبری مبعوث شد،

او به تبلیغ دین خود در بین یهودیانی که انحرافات زیادی سراسر زندگی ایشانرا فرا گرفته بود، پرداخت، یهودیان برای مدت مدیدی از دعوت و ارسال پیامبران محروم مانده بودند و دین حضرت موسی علیه السلام را نیز فراموش کرده و عادات و رواجهای خرافی را دنبال مینمودند، حضرت عیسی علیه السلام از طرف الله جل جلاله مامور شد تا تحریفهای که یهودیان در دین حضرت موسی علیه السلام بوجود آورده اصلاح کند و دین و شریعت جدید خود را به آنان ابلاغ نماید ولی این نبی کریم از سوی یهودیان با خشونت تمام مورد تردید و اذیت قرار گرفت تا این حد که همه علماء و کاهنان یهودیت با هم جمع شده تا از تبلیغ وی جلوگیری کنند و زمینه های قتل او را مساعد سازند. آنها به حاکم رومی که در فلسطین حکومت میکرد و نامش «بیلاطس التبتلی» بود شکایت کردند، و ظاهراً چنین عنوان نمودند که گویا حضرت عیسی علیه السلام میخواهد حکومت را سرنگون و بر یهودیان حکومت کند. حاکم رومی تصمیم گرفت تا وی را دستگیر و به دار آویزان کند. حضرت عیسی علیه السلام از این تصمیم حاکم مطلع گردید و خود را پنهان کرد، حضرت عیسی علیه السلام با حواریون خود که 12 نفر بودند جلسه دایر نمود بعد از جلسه یکی از حواریون بنام «یهوذا الاسخریوطی» که شخص خائن و منافق بود محل پنهانی حضرت عیسی علیه السلام را به عمال حاکم رومی نشان داد، پولیس حکومت به آن محل آمده و در آنجا به امر الله پاک چهره یهوذا به چهره حضرت عیسی علیه السلام مبدل گشت و آنها یهوذا را بنام حضرت عیسی علیه السلام با خود بردند، هر قدر یهوذا فریاد کرد که من عیسی نبوده، بلکه یهوذا میباشم کسی سخن او را نشنید یهوذا را صلیب نموده و الله جل جلاله حضرت عیسی علیه السلام را نزد خود رفع نمود، قرآن کریم در این

مورد چنین صراحت دارد» **وَبِكْفَرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا** ﴿١٥٦﴾

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ **بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا**

حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ « (1: النساء، 156-158)) یعنی و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم بهتان بزرگ و به سبب گفتن ایشان هر آئینه ما کشتیم مسیح ابن مریم را که فی الواقع پیامبر الله بود و نه کشته اند او را و بر دار نکرده اند او را و لکن مشتبّه شد برایشان، و هر آئینه کسانی که اختلاف کردند در باب عیسی در شک اند از حال و نیست ایشان را یقینی لکن پیروی ظن میکنند و به یقین نکشته اند او را، بلکه برداشت او را الله جل جلاله بسوی خود و هست الله جل جلاله غالب استوار کار.

دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام:

چنانچه در درس گذشته تذکر بعمل آمد که یگانه مرجع مطمئن هر دین کتاب مربوطه آن میباشد که ما میتوانیم راجع به آن دین از طریق آن معلومات حاصل کنیم اما اینکه کتاب الهی مربوط به دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام که محفوظ از تحریف و تغییر باشد نزد ما وجود ندارد پس اناجیل فعلی مسیحیت مدار اعتبار نبوده و ما از طریق آن نمیتوانیم چگونگی دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام را بدانیم پس یگانه مرجع مطمئن در این زمینه همان مآخذ اسلامی خود ما میباشد.

دین حضرت عیسی علیه السلام هم مانند دین مقدس اسلام به وجود الله واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سمیع، بصیر و مبری از تمام صفات مخلوقات و حوادث معتقد میباشد. و همچنان به وجود ملائکه، کتب و صحائف سماوی، پیامبران الهی، روز آخرت، اندازه خیر و شر (که از سوی الله جل جلاله میباشد)، قضاء و قدر اعتقاد دارد، در این دین هم به سایر اصول دین سماوی عقیده وجود دارد مانند اعتقاد به وجود شیاطین، جنها، قلم، روح، عرش، کرسی، و غیره اصول دین.

دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام دارای بخشهای مختلف عبادات، معاملات، احوال شخصیه، نظام میراث، نظام ذبائح، حلال و حرام، نظام عقوبات و سایر نظامهای شرعی میباشد ولی باید تذکر داد که دین حضرت عیسی علیه السلام در اصول و ارکان با دین مقدس اسلام هیچ تفاوت نداشته بلکه کاملاً نظام اعتقادی واحدی با اسلام دارد صرف در فروغ دین و احکام مختلف عملی با دین مقدس اسلام در برخی موارد متفاوت میباشد و این تفاوت در هر دین سماوی بچشم میخورد و علت آنها همانا تفاوت در خواستها و اقتضائات زمانی و مکانی است

که از هر دین سماوی با دین دیگر سماوی فرق میکند (16: 252).

پیشینه تاریخی و وضع کنونی دین مسیحیت:

وضع فعلی دین مسیحیت حاصل تعلیماتی است که از اناجیل محرفه فعلی صورت میگیرد.

کلمه انجیل کلمه عبری است که بمعنای «بشارت» میباشد:

در بین اناجیل محرفه فعلی اختلاف زیادی وجود دارد و این خود دلیل بر آنست که آنها هیچکدام انجیل نمیشد انجیل اصلی که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است. در جهان مسیحیت فعلاً چهار انجیل که بنامهای مؤلفین آنها موسوم اند وجود دارند: انجیل پوحنا، انجیل لوقا، انجیل متی، انجیل مرقس. یک انجیل دیگری نیز وجود دارد بنام «انجیل برنابا» که هنوز کلیسای مسیحی آنرا به رسمیت نمی شناسد.

در اوایل ظهور مسیحیت کلیسا (مجمع دینی) در چهار چوب یک جلسه غیر روحانی بوجود آمده، این جلسه متشکل از یک تعداد بنی اسرائیل بوده که در انتظار عودت دوباره حضرت عیسی علیه السلام به سر میبردند (34: 36).

از لحاظ تاریخی آنچه که محققان مسیحیت عنوان میکنند دین مسیحیت به اساس دین یهودیت و فلسفه یونانی انکشاف نموده و در قرن چهارم (312م) کستانتین اول به دین مسیحیت ایمان می آورد چون او امپراتور روم است ایمان آوردن وی باعث میشود که این دین در اروپا گسترش زیادی پیدا کند (19: 435).

برای بار نخست در قرن 11 میلادی این دین بدو شعبه کاتولیک غربی و ارتودوکس شرقی جدا میشود که شعبه اولی در امپراتوری غربی (ایتالیا) و شعبه دوم در امپراتوری شرقی (ترکیه) نفوذ میکند. علت انشعاب در این بود که مسیحیان ارتدکس روح القدس (جبرائیل) را منشعب از «اب» (الله) میدانستند و هم حامله شدن بدون شوهر مریم، وجود برزخ، پاک بودن رهبران کلیسا از اشتباه و خطا را کاملاً رد مینمودند، در حالیکه مسیحیان کاتولیک ایتالیا روح القدس را منشعب از آب و یا ابن (حضرت عیسی علیه السلام) دانسته و بر سه موضوع دیگر نیز برعکس مسیحیان ارتدکس معتقد بودند.

کلیسا و پاپ مسیحی در قرون وسطی (از قرن 5 الی قرن 15 میلادی) قدرت بیشتری را کسب نمود و به تمام ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنوقت اروپا سایه افکنده بود، این وضع غیر قابل تحمل از یکطرف، پیشرفت علوم و فنون جدید از طرف دیگر با ده ها عامل

دیگر سبب شد تا علیه کلیسا و پاپ اعتراضات قوی وارد شود و زمینه پیدایش فرقه های مختلف پروتستان مساعد گردد. (15: 270-271).

برخی مسیحیان کاتولیک این اعتراضات را تحمل کرده نتوانسته و تصمیم گرفتند اروپا را به عزم امریکا ترک کنند و برخی از آنها از سوی معترضین به قتل رسیدند. معترضین میخواستند تا از قدرت غیر محدود رهبران کلیسا کاسته شود، کشف حقایق علمی از طریق تجربه آزادانه و تحقیق خالی از هر نوح تعصب مذهبی صورت گیرد، متون دینی مسیحیت مورد تحقیق آزادانه قرار گیرد و از تاویلهای شخصی و غرض آمیز رهبران کلیسا رهایی یابند. در قرنهای اخیر دین مسیحی به فرقه های زیادی انشعاب یافت مانند فرقه متدستها، فرقه مورمانها، فرقه انسان دوستان، فرقه طرفداران دانش مسیحی و غیره.

اعتقادات فعلی دین مسیحیت:

- 1 - اعتقاد به اقاییم سه گانه (اب، ابن و روح القدس) از نظر مسیحیان الله جل جلاله به اب (پدر) تعبیر میشود، حضرت عیسی علیه السلام به ابن (پسر) و روح القدس (جبرائیل) منشعب از اب ویا ابن میباشد.
- 2 - اعتقاد به تقدس روز یکشنبه، روزی که حضرت عیسی علیه السلام از نظر مسیحیان بعد از دفن شدن دوباره در آن روز زنده شد و بعد از چهل روز پس نزد خداوند رفت.
- 3 - اعتقاد به توبه و اقرار به ارتکاب معصیت برای پاکی خود.
- 4 - اعتقاد به غسل تعمید اطفال برای مسیحی شدن (15: 557-558).
- 5 - اعتقاد به اینکه خداوند عبارت از دوستی است.
- 6 - اعتقاد به اینکه تجاوز از احکام خداوندی گناه و معصیت تلقی میشود.
- 7 - اعتقاد به اینکه خداوند خود را در وجود انسان متجلی می سازد.
- 8 - اعتقاد به اینکه حضرت مسیح علیه السلام نمودی از تظاهر ذات اقدس الهی است و او بزرگترین همه پیامبران است.
- 9 - اعتقاد به اینکه انجیل کتاب سماوی است.
- 10 - اعتقاد به اینکه انسان باید از طریق الهام و مکاشفه فردی و یا از طریق کلیسا اراده و مشیئت خداوند را درک کند.
- 11 - اعتقاد به اینکه کلیسا یک مکان پاک است.

- 12 - اعتقاد به زندگی بعد از مرگ (40: 97-152).
- 13 - اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبه الهی به حضرت عیسی علیه السلام سپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازه بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد این محاسبه را انجام دهد.
- 14 - اعتقاد به اینکه حضرت عیسی علیه السلام بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم علیه السلام و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله جل جلاله پسر یگانه خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت.
- 15 - اعتقاد به ادای نماز در شکل تسبیح و شعر که عدد آن معلوم نبوده و به نماز صبح و شام تاکید بیشتر میشود.
- 16 - اعتقاد گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت میگيرد.
- 17 - اعتقاد به تقدس صلیب که علامه مسیحی بودن شخص میباشد.
- 18 - اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.
- 19 - اعتقاد به حرام بودن ختنه اطفال ذکور.
- 20 - اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.
- 21 - اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.
- 22 - اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتکب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیشود.
- 23 - اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد
- 24 - اعتقاد به منع ارتداد.
- 25 - اعتقاد به فروش کارتهای مغفرت از سوی کلیسا.
- 26 - اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.
- 27 - استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب و غذای که در روز 14 اپریل (روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده شود البته به خون و گوشت حضرت عیسی علیه السلام به این معنی که تعلیمات او را بخود گرفته است (جهنی، مانع بن حماد، همان اثر سابق، ص: 489-492).

تمرین



- 1 - راجع به نسب و دوره طفولیت حضرت مریم علیها السلام معلومات دهید.
- 2 - جریان حمل و وضع حمل حضرت مریم علیها السلام را طبق صراحت قرآنکریم بیان دارید.
- 3 - وقایع زندگی قبل از بعثت حضرت عیسی علیه السلام را بطور اختصار ذکر کنید.
- 4 - آیه کریمه را که در مورد رفع حضرت عیسی علیه السلام تلاوت نمودید تفسیر و تحلیل نمایید.
- 5 - دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام را از دیدگاه منابع اسلامی توضیح دهید.
- 6 - اناجیل فعلی مسیحیت را نام گرفته و در مورد محتویات آنها کار گروهی انجام دهید.
- 7 - پیشینه تاریخی دین مسیحیت را تا عصر حاضر به اختصار شرح دهید.
- 8 - اعتراضات مهم پروتستان را در صنف جرو بحث کنید.
- 9 - اعتقادات مهم مسیحیت فعلی را مختصراً یاد آوری شوید.
- 10 - در مورد تثلیث دین مسیحیت صرف دو مقاله را تحریر دارید.

فصل هفتم

دین مقدس اسلام

درس اول



چگونگی اعتقادات عربهای جاهلیت و ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

اهداف:

- 1- توضیح اعتقادات دینی محلی و مستورد عربهای جاهلیت.
- 2- شرح حال و زندگی قبل از نبوت و بعد از نبوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم.
- 3- توضیح خصوصیات رسالت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم.

چگونگی اعتقادات عربهای جاهلیت:

هدف از عربهای جاهلیت آن عربهایی اند که قبل از تابش نور دین مقدس اسلام در جزیره العرب زندگی داشتند. اعتقادات دینی عربهای قبل از ظهور اسلام طوری که در دین یهودیت مورد بحث قرار میگیرد شکل متحولی از معتقدات سامیها و صحراء نشینان اولیه میباشد. جزیره العرب که یک منطقه وسیعی گفته میشود دارای اعتقادات گوناگون در هر گوشه و کنار آن میباشد، بطور نمونه در عربستان جنوبی صابیان که ستاره گان را پرستش میکردند و مهتاب در مرکز این پرستش قرار داشته زندگی مینمودند که یقیناً اینگونه پرستش ریشه بابلی و زرتشتی داشته است. در مناطق تجارتی عربستان که عبور و مرور یهود و نصاری در آنجاها بیشتر بود عقاید دینی آنان در بین عربها نفوذ بیشتر داشته، چون از لحاظ تاریخی دارای انبیای الهی و ادیان سماوی بودند پس این امر علاقه عربهای بومی را بخود جلب کرده بود. اکثر عربهای آنوقت اعم از شهر نشینان و بادیه نشینان ارباب انواع محلی خود را پرستش میکردند، این ارباب انواع که زاده تصورات خودشان بوده از جنس مذکر و مونث میباشند و هر قبیله از این نوع ارباب انواع را مخصوص خود دانسته و آنرا عبادت مینمودند (15: 478-479).

مکه در آن وقت دارای سه رب النوع معروف بود که هر سه آنها مونث تصور شده اند: اللات رب النوع آفتاب، منات رب النوع زمان و سرنوشت، و العزی رب النوع ستاره ایکه شکل کمرنگ عقیده به وینوس (ناهید) را منعکس میسازد، عربهای جاهلیت از این ارباب انواع بتها را درست کرده بودند که بنام دختران یا بنات خدا از آنها یاد میکردند. آنها از خداوند یک تصور

مبہی نیز داشته و بطور خاص قبیلهٔ قریش که جناب رسول الله صلی الله علیہ وسلم متعلق به آن میباشد.

در جنب این ارباب انواع بزرگ برخی موجودات غیر قابل دید نیز مورد احترام و اعتقاد ایشان بوده اند، مانند ملائکہ، پریان و جنہا، اما بین این موجودات تفاوتہایی وجود داشته بطور مثال ملائکہ موجودات معصوم و دارای طبیعت پاک بوده کہ در اجرای امور نیکو انسانہا را یاری میرسانند. پریان در بیرون از عالم انسانی به شکل اطفال خورد سال در عالم مخصوص خود به سر برده و مثل فرشتگان دارای اخلاق نیکو بوده و در امور خیر همکاری مینمایند. اما جنہا اینطور نیستند، آنها در صحراء، جنگلات و مخروطہ ہا به سر برده و مانند شیاطین ہموارہ به انسانہا ضرر میرسانند، جنہا در بین عربہای جاہلیت ترس و وحشت زیادی را ایجاد نمودہ و انسانہا کوشش میکردند تا از شر آنان خود را نگہدارند، با اینکه برخی از آنها خود را قادر میدانستند کہ در زندگی جنہا نفوذ کردہ و آنانرا تابع خود بسازند تا از طریق آنها به جاہای دور دست سفر کنند، خزاین پوشیدہ را بہ آنها نشان دادہ و زمینۂ زندگی خوب و خوشبخت را برای آنان مساعد سازند. نزد عربہای جاہلیت بہ موجودی بنام «غول» نیز عقیدہ وجود داشتہ کہ ہمیشہ در کمین نشستہ و میخواستہ بہ انسان ضرر برساند و حتی او را از بین برده از گوشت و خون وی استفادہ کند (18: 67).

در بین عربہای جاہلیت اعتقاد بہ نوعی «آنی میسم» نیز دیدہ میشود، آنها برخی موجودات را بعنوان ارواح خبیثہ مورد استکراہ خود قرار میدادند، ولی برخی صخرہ های بلند، تودہ های سنگ بشکل ستونہای برجستہ، چشمہ های آبہای پاکیزہ، مغارہ های ژرف و برخی درختان را نیز مورد تکریم و تقدیس قرار میدادند. همچنان یک نوع احترام بہ آہوہای صحرا، گرگہا، شتران و عقابہا نیز در عقاید شان دیدہ میشود علاوہ از آن در شہر مکہ سنگ سیاہ (حجر الاسود) نیز مورد احترام خاصی قرار داشتہ است.

ظہور حضرت محمد صلی الله علیہ وسلم:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾» (الاحزاب، 40) حضرت محمد رسول الله صلی

الله علیہ وسلم پسر عبدالله پسر عبدالمطلب پسر ہاشم میباشد، وی بہ اثر نکاح صحیح کہ با

نکاح اسلامی مشابیهت داشت بدنیا آمده است، چنانچه در روایت حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها آمده که پیامبر کریم صلی الله علیه وسلم فرمود: «من از نکاح تولد یافته ام نه از زنا».

پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم در مرحله شیر خواری توسط حلیمه سعدیه به صحراء برده میشود و تا دو سالگی توسط او شیر داده میشود.

در یکی از روزها که پیامبر صلی الله علیه وسلم با برادران رضاعی خود به چرانیدن گوسفندان مصروف است توسط دو نفر سفید پوش که فرشتگان الهی میباشند شق الصدر میشود و نصیبه شیطان که به شکل یک بسته خون سیاه رنگ است از صدر وی بدور انداخته میشود، این واقعه در سن سه سالگی او رخ داده است (41: 110).

او تا سن 5 سالگی نزد حلیمه در دشت باقی می ماند، مادرش آمنه در 6 سالگی او وجدش عبدالمطلب در 8 سالگی او وفات میکنند و حضانت وی را کاکایش ابوطالب به عهده میگیرد، او در سن 12 سالگی با کاکایش بمنظور تجارت به شام میرود و در طول راه با راهب نصرانی (بحیرا) ملاقی میشود و برخی علایم نبوت وی توسط آن راهب برملا میگردد. بعد از آن او به چوپانی مشغول شده و این شغل وی با تفکرات عمیق همراه میباشد.

او در رأس کاروان خدیجه زن مالدار عرب به شام میرود و در وقت باز گشت به سن 25 سالگی با او ازدواج میکند.

اوهمه ساله در ماه رمضان به غار (حرا) که در شمال مکه موقعیت دارد رفته و در آنجا به تفکر، تأمل و عبادت مصروف میشود. در سن 40 سالگی به رسالت الهی مبعوث و اولین آیات

کریمه: **أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾** **أَقْرَأْ**

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ (1: 1-5)

العلق 1-5) بر او نازل گردید، و بمنظور نشر دین مقدس اسلام و اعلاى کلمة الحق در مقابل مشرکان و عربهای جاهلیت قیام نمود، 13 سال پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در مکه مکرمه سپری شد تا اینکه الله جل جلاله او را مامور ساخت مکه مکرمه را ترک و به مدینه منوره که در آن وقت بنام «یثرب» یاد می شد هجرت نماید. (13: 31-33).

هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم از خاطر ترس از مشرکین نه بلکه به اساس امر پروردگار صورت گرفت، رسول کریم صلی الله علیه وسلم مدینه منوره را مرکز نشر و اشاعه دین

مقدس اسلام قرار داده و پایه های قوی یک دولت اسلامی را در آن اساس گذاشت، دعوت او در مدینه منوره 10 سال را در برگرفت و به سال یازدهم هجری (632م) به سن 63 سالگی بعد از اینکه رسالت خود را به پایه اکمال رسانید از این جهان رحلت نمود (11: 149).

خصوصیات رسالت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم:

زمانی که به رسالت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دقت عمیق صورت گیرد معلوم میشود که این رسالت دارای برخی خصوصیات و ویژه گیهای است که رسالت پیامبران قبلی فاقد آن میباشد، و با نظر داشت این خصوصیات است که رسالت پیامبر بزرگوار اسلام نسبت به سایر رسالات در مستوی بلندتری قرار دارد، و ما در اینجا مهمترین این خصوصیات را ذیلاً یاد آوری میکنیم:

1 - عمومیت این رسالت :

وقتی آیات کریمه در مورد رسالت پیامبران قبلی را ملاحظه میکنیم در می یابیم که هریک از این رسالات مخصوص یک امت و ملت بخصوصی است که به پیامبر مربوط به آن فرستاده شده است و حتی بعضاً دیده میشود که در یک عصر و زمان دو پیامبر به تبلیغ احکام الهی مصروف کار اند، مانند رسالت حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام که هر دو برای اقوام جداگانه و شهرهای جداگانه در یک وقت مبعوث گردیده بودند، و بر این حقیقت آیات کریمه ذیل نیز به صراحت دلالت میکنند: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا

عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ (1: الروم، 47).

و: لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ (1: الاعراف، 59).

و: وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (1: المائدة، 20). لکن زمانی که رسالت حضرت سرور

کائنات صلی الله علیه وسلم را مشاهده میکنیم می بینیم که این رسالت از خصوصیت عمومیت بر خوردار بوده و به تمام مردم سیاه و سفید، عرب و عجم، و به هر گوشه کره زمین،

به عصر پیامبر و اعصار بعد از وی به همه تعلق دارد، چنانچه این آیات کریمه به این مطلب صریحا دلالت دارند: « قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي ... » (1: الاعراف، 158).

و: « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ » (1: سباء، 28).

احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم بر این حقیقت وارد است که پیامبر اسلام پیامبر همه امم و ملتها است، چه در عصر ظهور وی و چه در عصر های بعدی. و دیگر اینکه آنچه از دین اسلام ضرورتا معلوم میشود بر عمومیت این رسالت به همه امم دلالت دارد و کسیکه منکر این خصوصیت رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم میشود کافر است. رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم نه تنها به انسان تعلق دارد بلکه این رسالت متوجه جنها نیز میباشد و بنابر این یکتعداد از جنها در وقت حیات پیامبر اسلام به رسالت وی ایمان آورده بودند، چنانچه قرآنکریم در این مورد میفرماید: « قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنُذْكَرَ بَرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾ » (1: الجن، 1-2).

2 - شامل بودن این رسالت :

از خصوصیات دیگر رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم شامل بودن آنست، این رسالت صرف یک ساحة زندگی انسان را در بر نداشته بلکه شامل جمیع ساحات و ابعاد زندگی انسانی میباشد، این رسالت شامل امور دنیوی و اخروی انسان بوده و اگر احکام این رسالت عملی شود و انسان به آن امثال نماید به یقین گفته میتوانیم که سعادت دنیوی و اخروی نصیبش میگردد، و هم اگر جوامع انسانی بحیث کل امور و احکام این رسالت را در ابعاد مختلف زندگی خود عملی سازند بدون شک چنین جوامع از رفاه و آسایش دنیوی و سعادت اخروی بر خوردار خواهند بود.

از آیات کریمه و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم بوضاحت فهمیده میشود که این رسالت شامل احکام اعتقادی، احکام اخلاقی و احکام عملی میباشد.

3 - رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم پایان همه رسالتهاست :

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خاتم انبیاء و مرسلین است و رسالت وی پایان همه رسالتهای سماوی میباشد، هیچ رسولی بعد از او وجود ندارد و هیچ شریعت سماوی بعد از اسلام ظهور نمیکند، باور داشتن به این امر یکی از اصول دین اسلام به شمار میرود، منکر آن کافر و از دایره اسلام بیرون است. قرآنکریم، احادیث معتمد و اجماع مسلمانان سلف و خلف بر آن دلالت دارد، و هم وجود توانمندی بالفعل و بالقوه مطابقت دین و شریعت اسلامی با مقتضیات هر عصر، زمان و هر گونه شرائط محیطی دلیل خوبی بردائی بودن و جاودان بودن آنست.

4 - یکی از خصوصیات دیگر رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم ناسخ بودن آنست :

هر رسالت سماوی در برگیرنده دو دسته از امور است: یکی امور اعتقادی و دیگری امور تشریعی و عملی، امور اعتقادی حقایقی اند ثابت و تغییر ناپذیر، این امور مورد نسخ، تبدیل و تغییر قرار نمیگیرند، معتقدات دینی که حضرت ابراهیم علیه السلام مردم را به آن دعوت میکرد عین آن معتقداتی است که حضرت موسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و جمیع انبیاء علیهم السلام نیز مردم و اقوام خود را به آن فرا میخواندند. اما امور تشریعی و عملی بر عکس امور اعتقادی به تصرفات انسان مکلف تعلق میگیرد مانند عبادت، ازدواج، عقود، تنظیم روابط انسانی و غیره، این امور مورد تغییر و تبدیل قرار گرفته و چون نظر به تحول و تغییر شرایط زمانی و محیطی، مصالح بندگان نیز تغییر و تحول میپذیرد پس تغییر مصالح تغییر احکام تشریعی و عملی را نیز در قبال دارد، در شرایع سماوی قبلی احکام یک شریعت با احکام شریعت دیگر تغییر نموده، و با یک دلیل شرعی جدید حکم شرعی قبلی از بین رفته و این جز نسخ چیز دیگری نیست (16: 345). هنگامی که رسالت پیشوای انبیاء صلی الله علیه وسلم ظهور کرد تمام شرایع سماوی قبلی را از اعتبار ساقط نمود، چه این رسالت و شریعت کاملترین همه شرایع سماوی بوده، مشکلات و ضرورتهای جوامع بشری را در هر گونه شرایط زمانی و محیطی مرفوع ساخته میتواند پس شایستگی آنرا دارد تا ناسخ تمام شرایع سماوی قبلی گردد و بعنوان رسالت و شریعت کامل سماوی همیشه باقی و جاودانه بماند.

تمرین



- 1 - اعتقادات دینی عربهای جاهلیت از برخی مناطق همجوار نیز متأثر می‌باشد شما این اعتقادات مستورد را مختصراً توضیح کنید.
- 2 - موجودات غیر مرئی مورد اعتقاد عربهای جاهلیت را صرف نام بگیرید.
- 3 - زندگی قبل از نبوت و بعد از نبوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را به اختصار معرفی نمایید.
- 4 - وقایع مهم زندگی آنحضرت صلی الله علیه وسلم را مختصراً بر شمارید.
- 5 - چگونه ثابت ساخته می‌توانید که رسالت پیامبر ما دارای خصوصیت عمومیت می‌باشد؟
- 6 - شمولیت رسالت آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در چند جمله مختصر ذکر کنید.
- 7 - مسأله خاتمیت رسالت و ناسخیت دین مقدس اسلام را با دلایل توضیح دارید.
- 8 - آیات کریمه ای که در این درس قصداً ترجمه نشده با استفاده از تفاسیر معتبر ترجمه و تفسیر نمایید.
- 9 - در مورد این درس با استفاده از کتابخانه های محلی مقالات مختصر تحریر دارید.



درس دوم قرآن کریم

اهداف:

- 1 - کسب مهارت در مورد معرفی مختصر قرآن کریم.
- 2 - کسب مهارت در مورد اثبات اعجاز لفظی قرآن کریم.
- 3 - کسب مهارت در مورد اثبات اعجاز معنوی و علمی قرآن کریم.

معرفی مختصر قرآن کریم :

دربارهٔ ریشهٔ کلمهٔ «قرآن» از نظر زبان شناسان اختلاف زیادی وجود دارد ولی در هر صورت قرآن به معنی مجموعهٔ قرائت شده است که از مجموعه های آیات متعدد آن سوره ها تشکیل شده و تعداد این سوره ها به 114 سوره میرسد که برخی آنها مکی (در مکه نازل شده) و برخی دیگر آن مدنی (در مدینه نازل شده) میباشد، این کتاب به زبان عربی بوده و حاوی مطالب مختلف اعتقادی، اخلاقی، احکام جزایی و مدنی، عبادات، قصه ها و مثالها میباشد. قرآن کریم به آسمان اول دنیا بطور مجموعی نازل شده و سپس نظر به ضرورت در مواقع مختلف به وقفه های متعدد نجما نجما بر پیامبر گرامی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در ظرف 23 سال نزول یافته است، نزول قرآن کریم بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم که خواندن و نوشتن نمیتوانست در یک عصری صورت میگیرد که فصاحت و بلاغت، شعر و ادبیات رشد بیشتر داشته است، این خود دلیل روشنی است بر الهی بودن این کتاب که در فصاحت و بلاغت در حد کمال خود قرار داشته و هیچ بلیغ و فصیح عصر نتوانست چند آیتی به مثل آنرا بیاورد چطور ممکن است ساخته و پرداختهٔ یک شخص امی باشد، چنانچه

قرآن کریم در این رابطه میفرماید: **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا**

فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا

النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾ (البقرة، 23-24).

قرآن کریم در وقت زندگی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم جمع آوری گردیده، زمانی که آیات قرآنی به یک مناسبت خاصی نازل میشد و توسط پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم تلاوت میگردد، کاتبان وحی که بنابر روایتی تعدادشان به 18 تن میرسید بزودی آنرا می نوشتند، حضرت علی بن ابی طالب، عبدالهی ابن مسعود، زید بن ثابت و معاذ بن جبل از جمله کاتبان مشهور وحی میباشند که آیات این کتاب سماوی را بر مواد مختلف می نوشتند، چون پوستهای حیوانات، استخوان کتف شتر، برگ خرما، سنگها وغیره.

عربهای جاهلیت در اول این کتاب الهی را قبول نکرده و آنرا سحر و یا شعر تصور کردند اما پیامبر اسلام آنرا به آوردن همچو سخنان دعوت کرده ولی هیچ یکی از آنان قادر به آوردن مثل آن نشد، برخی از آنها در این زمینه کوشش فراوان نیز نمودند که کوچکترین توفیقی نصیب هیچ کدام شان نشد و معروفترین آنها عبارت بودند از مسيلمۀ کذاب، ابوالحسن بن یحی معروف به راوندی، ابوطیب و طلحه بن خویلد.

آخرین ترتیب و تنظیم قرآن کریم در عصر حضرت عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه صورت گرفته، در این ترتیب سوره های دراز در اول و سوره های کوتاه در اخیر قرآن کریم جابجا شده و سورة الفاتحه از این قاعده مستثنی میباشد. (24: 215).

اعجاز قرآن کریم:

پیامبران قبلی نیز دارای معجزات خاصی بودند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم هم در پهلوی قرآن کریم دارای معجزات دیگری نیز بوده است ولی این همه معجزات با قرآن کریم تفاوت داشت، این تفاوت را میتوان درسه مسأله ذیل نشان داد:

1 - قرآن کریم تابع عصر و محیط خاصی نیست، سایر معجزات تابع عصر و محیط خاصی مربوط به همان پیامبر بوده، زمانی که عصر وقوع معجزه سپری میشد، معجزات نیز اهمیت خود را از دست میداد.

2 - قرآن کریم معجزه عقلی و روحانی است، معجزات پیامبران قبلی حواس ظاهری را تحت نفوذ و تسخیر خود قرار میداد ولی آیات متبرکه قرآنی که از حروف متعارف و الفبای عربی تشکیل شده چنان مفاهیم و حکمتها را در خود دارند که نه تنها در حواس ظاهری نافذ واقع میشوند بلکه عقل و روح، اندیشه و تفکر انسانی را نیز مورد تسخیر و نفوذ خود قرار میدهند.

3 - قرآن کریم خود را معجزه معرفی نموده و مردم را به «تحدی» دعوت کرده است،

قرآنکریم مانند معجزات پیامبران قبلی نیست که پیامبر باید نزدیک معجزه خود حضور داشته باشد و مردم را به تحدی آن دعوت کند، قرآنکریم معجزه ای است که خود سخن میگوید و خود مردم را به مقابله به مثل فرا میخواند. دعوت به تحدی محدود به زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم نیست بلکه خطاب عام است و شامل حال همه آنانی است که قرآن کریم را کلام الله نه بلکه کلام خود پیامبر میدانند.

قرآنکریم هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنی و مفهوم یک معجزه دائمی است، ما چند نمونه این اعجاز را ذیلاً ذکر میکنیم:

1 - فصاحت و بلاغت :

فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآنکریم از اتهامات دشمنانش بخوبی معلوم میشود، دشمنان اسلام پیامبر صلی الله علیه وسلم را مجنون میگفتند بخاطریکه از عادات و عبادات ناحق آنها پیروی کورکورانه نمیکرد. او را شاعر میگفتند در حالیکه شاعر نبود بخاطریکه آیات موزون و جملات زیبای قرآن چنان تاثیر و هیجان را برپا میکرد که قویترین اشعار آنزمان این چنین تاثیر نداشت پس برای آنها تعبیر دیگری نبود جز اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم را شاعر بگویند. پیامبر صلی الله علیه وسلم را ساحر میگفتند بخاطریکه آیات کریمه قرآنی در دلهای فرزندان شان چنان چنگ میزد که از خانه، پدر و مادر جدا میشدند، این اتهام خود نشان میدهد که نفوذ قرآنکریم آنقدر صریح و عمیق بود که آنرا یک امر عادی تصور کرده نمیتوانستند، دیگر آنها برای این نفوذ سریع قرآنکریم کدام اصطلاح دیگری را نیافتند بلکه آنرا سحر تلقی نمودند.

2 - عمق معنی و عذوبت الفاظ:

ادیبان جهان یا به الفاظ ساخته های ادبی خود توجه دارند که زیبایی معناها را فدای آن میسازند و یا هم به مفاهیم و معانی ادبی ساخته های خود توجه میکنند و زیبایی الفاظ را قربانی میکنند، و آنانی که هر دو جنبه را در نظر میگیرند و آنها را در اندازه محدود و ناقص آن تعداد شان خیلی اندک است، ولی قرآن کریم محتویات و مفاهیم بزرگ علمی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در الفاظ زیبا و جمله بندی های نهایت ظریف در بلند ترین حد اعجاز خود جابجا ساخته است.

3 - قاطعیت و صراحت:

در مراودات روزمره هم تجربه شده آنانیکه با قاطعیت و صراحت سخن میگویند نسبت به

آنایکه در لفافه های جن و ترس واقعیت های غیر قابل انکار را می پیچانند بیشتر مورد پذیرش و استقبال سایرین قرار میگیرند. قرآن کریم ابن صفت را در حد اعلی دارا است و با دشمنان دین از مجامله کار نمیگیرد و به بطلان نظر شان حکم قاطع مینماید.

4 - اخبار از غیب:

قرآنکریم از حوادثی قصه و پیش بینی میکند که بعد از گذشت زمان صحت وقوع آن به اثبات میرسد یکی از این پیشبینی ها پیروزی روم در مقابل فارس است.

5 - بیان حقایق علمی:

قرآنکریم علاوه از اینکه یک کلام فصیح و بلیغ، دارای مفاهیم عمیق، عذوبت الفاظ، قاطعیت و صراحت و حاوی اخبار از غیب است یک کتاب مملوء از حقایق علمی نیز میباشد که بشر در این اواخر قادر شده یک قسمت ناچیزی از این حقایق را کشف و معلوم سازد، ما در اینجا چند نمونه ازین حقایق علمی را که قرآنکریم 14 قرن قبل پیش بینی و از آن یاد آوری کرده به اختصار ذکر مینماییم:

الف - زوجیت در نباتات:

شاید این تصور که نباتات هم دارای نر و ماده اند از دیر زمانی به این طرف در بین مردم وجود داشته اما هیچ کسی بطور واقعی نمی فهمید که عملیة القاح در گیاهان به چنان شیوه ای صورت می پذیرد که در حیوانات انجام میشود. «لینه» اولین دانشمند نبات شناس اروپایی که در قرن 18 موفق به دریافت این حقیقت علمی گردید که گرده های مخصوص «نر» بر قسمت مادگی نبات افشاندن شده و عملیة القاح صورت میگیرد و بعد تخم نبات بسته شده میوه یا بذر گلها بوجود می آید. قرآنکریم مسأله زوجیت و القاح نباتات را زمانی بیان میدارد که بشر در آن زمان اصلاً تصور آنرا کرده نمی توانست:

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ (1: طه، 53).

ب - جاذبه زمین و سقوط اجسام:

قبل از اینکه «نیوتن» قانون سقوط اجسام بر مبنای قوه جاذبه زمین را کشف کند، مردم کم کم به وجود نیروی غیر مرئی در داخل زمین که همه چیز را به طرف خود جلب میکند، واقف بودند، ولی نیوتن معلومات وسیعی را در این رابطه ارائه کرد و بعداً گفته شد که این قانون بر همه کرات، کواکب و سیارات مسلط میباشد و حتی شامل دو ذره کوچک و بی مقدار نیز

میباشد. اما قرآن کریم هزار سال قبل از عصر نیوتن صریحا به این حقیقت علمی اینطور اشاره میکند: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ... (1: الرعد، 2).

ج- حقایق طبی:

حقایق طبی زیادی در قرآن کریم بیان شده که ذکر همه آن در این کتاب میسر نیست صرف به چند نمونه آن ذیلاً اشاره میکنیم: بسیاری از غیر مسلمانان قبول کرده نمیتوانستند که در تعیین کردن جنس مذکر و مؤنث جنین، پدر سهم اساسی داشته باشد ولی بعدها ثابت گردید که کروموزمهای جنسی در زنها (X-X) و در مردها (X-Y) میباشد، X دارای کروموزمهای حامل جنس مونث و Y دارای کروموزوم حامل جنس مذکر میباشد که با یکجا شدن X مرد با X زن جنس مونث و با یکجا شدن Y مرد با X زن جنس مذکر تشکیل میگردد. قرآن کریم این حقیقت علمی را که الله جل جلاله دو جفت (مذکر و مؤنث) را از نطفه ای که مردان میریزند بوجود آورده در این آیه کریمه اینطور بیان کرده است:

وَالْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ﴿٤٦﴾ (1: النجم، 45 - 46).

و دیگر اینکه طبق معلومات طبیبان این پوست انسان است که درد را احساس میکند و وقتی پوست انسان تخریب شود احساس درد کاهش پیدا میکند، این حقیقت علمی را قرآن کریم اینطور بیان میدارد: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَايَتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ (1: النساء، 56).

و یا هم مراحمی که برای تشکیل جنین در رحم مادر وجود دارد در قرآن کریم چنین بیان شده است: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا أَلَقَةً مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ (1: المومنون، 14).

تمرین



- 1 - معنای لغوی قرآنکریم را با چگونگی نزول و ترتیب آن بیان دارید.
- 2 - طرز نگهداری قرآنکریم را در اوایل نزول آن بیان داشته و اسمای کاتبان معروف وحی را ذکر کنید.
- 3 - قرآنکریم بحیث معجزه عقلی با معجزات حسی پیامبران متفاوت است، این تفاوتها را توضیح دهید.
- 4 - چگونه استدلال نموده میتوانید که قرآنکریم دارای فصاحت و بلاغت است؟ مدرس محترم مضمون همکاری کند.
- 5 - زیبایی الفاظ و عمق معانی قرآنکریم را ضمن یک مثال واضح سازید. در مورد از مدرس مضمون کمک بطلبید.
- 6 - چند نمونه از قاطعیت، صراحت و اخبار از غیب قرآنکریم را به کمک مدرس مضمون ذکر کنید.
- 7 - چند نمونه از حقایق علمی را که قرآنکریم به آن صراحت دارد ذکر و تشریح نمایید.
- 8 - قرآنکریم به حقایق طبی نیز اشاراتی دارد شما چند مثال آنرا توضیح دهید. مدرس محترم همکاری نماید.
- 9 - در این درس قرآنکریم حاضر ساخته شده و عملاً به محصلان با جزئیات معرفی شود.



درس سوم

ارکان ایمان

اهداف:

- 1 - توضیح اهمیت ارکان هفتگانه ایمان و موضوع الهیات طبق عقاید اسلامی.
- 2 - توضیح مسایل مرتبط به ملائکه، کتابهای سماوی و پیامبران الهی.
- 3 - توضیح مسایل مرتبط به روز آخرت، قضا و قدر الهی.

ارکان ایمان و اصول دین مقدس اسلام هفت رکن و اصل میباشد، که در آیات کریمه قرآنی و احادیث نبی ذکر گردیده اند، و اگر کسی به این هفت رکن و یا یکی از آنها ایمان و باور نداشته باشد مسلمان گفته نمیشود بلکه او گمراه و کافر میباشد، چنانچه قرآن کریم میفرماید:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

بَعِيدًا ﴿١﴾ (النساء، 136) و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم وقتی که حضرت

جبرائیل او را از ایمان سوال نمود چنین فرمود: «أَنْ تُوْمِنَ بِاللّٰهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ تُوْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَ شَرُّهُ» (روایت امام بخاری از ابوهریرة).

ما در این درس به توضیح مختصر هر یکی از ارکان هفتگانه ذیلاً میپردازیم:

1 - ایمان داشتن به وجود الله جل جلاله:

ایمان داشتن به وجود الله جل جلاله اساس جمیع ارکان ایمان را تشکیل میدهد، در دین مقدس اسلام به الله واحد و دارای ذات، صفات و اسماء خاص عقیده وجود دارد. الله جل جلاله دارای ذات، وجود و صفت نفسی میباشد، اگر کسی الله جل جلاله را صرف معانی و صفات تصور کند و ذات را از وی نفی کند مؤمن گفته نمیشود.

الله جل جلاله دارای صفات متعدد است که در تقسیم آن بین علمای عقاید اختلاف وجود دارد، برخی علماء صفات الله جل جلاله را به ذاتی و فعلی تقسیم نموده و برخی دیگری آنرا به صفات ثبوتی و سلبی تقسیم کرده و برخی هم صفات کمال، جمال و جلال را به اوتعالی نسبت داده اند. اگر صفات الله جل جلاله را اولاً به صفات ثبوتیه و صفات سلبیه (پنج صفت دیگر) تقسیم کنیم بعداً ناگزیریم تا صفات ثبوتیه را به چند دسته دیگری نیز تقسیم نماییم،

این چند دسته عبارت اند از: صفت وجود (صفت نفسی)، صفات معانی (صفات ذاتی)، صفات معنوی، صفات افعال (صفات فعلی) و صفات متشابه و یا بلاکیف.

صفت وجود (صفت نفسی): چنانچه از نامش پیداست به موجودیت اوتعالی دلالت دارد و علمای عقاید دلایل و براهین متعددی را بر وجود الله جل جلاله اقامه نموده اند.

صفات معانی (صفات ذاتی): عبارت از آن صفات الله جل جلاله اند که او تعالی به ضد آنها موصوف نمیشود مانند: حیات، قدرت، علم، اراده، کلام، بصر و سمع.

صفات معنوی: عبارت از توابع صفات ذاتی بوده و در آنها ذات مع - الوصف در نظر گرفته شده است، مانند: حی بودن، قادر بودن، عالم بودن، مرید بودن، متکلم بودن، بصیر بودن، سمیع بودن.

صفات افعال (صفات فعلی): عبارت از آن صفاتی اند که الله جل جلاله به ضد آنها نیز موصوف شده میتواند، مانند: تخلیق، ترزیق، اعزاز، اذلال، احیاء، اماتت و صفات دیگر از این نوع.

صفات متشابه و بلاکیف: عبارت از آن صفاتی اند که در نسبت دادن آنها به الله جل جلاله مشابهت به ذهن برخی اشخاص خطور میکند، مانند: نسبت دادن ید، وجه، نفس، عین، استوی، نزول، غضب به الله جل جلاله.

الله جل جلاله دارای 99 نام نیکو (اسماء الحسنی) میباشد که این نامها توقیفی بوده اما علاوه از آنها ما میتوانیم الله جل جلاله را به سایر اسماء نیز مسمی بسازیم مشروط بر اینکه در آن اسماء عظمت، بزرگی و جلال الله جل جلاله نشان داده شود.

الله جل جلاله علاوه از صفات ثبوتیه فوق به پنج صفت دیگر نیز موصوف است که برخی از متکلمین آنها را بنام صفات سلبيه الله جل جلاله نیز یاد کرده اند: 1- توحید که توسط آن جمیع انواع شرک اکبر و اصغر، ثنویت، تثلیث و تعدد نفی و سلب میشود. 2- قدم که توسط آن حدوث از ذات الله جل جلاله نفی و سلب میشود. 3- بقاء که توسط آن فناء و نیستی از ذات الله جل جلاله نفی و سلب میشود. 4- قیام به نفس که توسط آن، صفات قایم به غیر از او تعالی سلب میشود. 5- مخالفت با حوادث که توسط آن صفت موافقت با حوادث از الله جل جلاله نفی و سلب میشود (39: 38-39).

2 - ایمان داشتن به وجود ملائکه:

بر هر مؤمن واجب است به وجود ملائکه ایمان و باور داشته باشد، ملائکه اجسام غیبی لطیفی اند که به اشکال مختلف خود را متشکل کرده میتوانند، ما در مورد آنها صرف آنقدر گفته میتوانیم که در نصوص دینی ما راجع به آنها وجود دارد: خصوصیات ذیل به ملائکه نسبت داده شده است:

الف- آنها از نور بوجود آمده اند.

ب- آنها ارواح مجرده نبوده بلکه چنان اجسامی اند که ما آنها را دیده نمیتوانیم.

ج- آنها دارای بالها اند که برخی ایشان دارای دو دو بال و برخی دیگر دارای سه سه بال و یا چهار چهار بال میباشند. و حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم حضرت جبرائیل را دید که دارای شش صد بال بوده است.

د- آنها نه میخورند و نه مینوشند، ونه می خوابند ونه هم توالد و تناسل میکنند.

ه- آنها به اشکال نیکو و مختلف متشکل شده میتوانند.

و- آنها دارای قدرت فوق العاده اند، مانند طی کردن مسافه های دور در وقت کم، حمل اشیاء ثقیل مانند کوها وشهرها.

ز- آنها قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام خلق شده اند.

ح- آنها نا فرمانی الله جل جلاله را نمیکند و چیزی که الله جل جلاله برایشان امر کند آنرا انجام میدهند.

ط- آنها از الله جل جلاله بسیار زیاد میترسند.

ی- آنها به الله جل جلاله مقرب و نزد او تعالی مکرم میباشند.

راجع به تعداد شان معلومات دقیق وجود ندارد، الله جل جلاله تعداد آنها را میداند.

ملائکه دارای وظائف مختلف اند، مانند آوردن وحی، آماده کردن اسباب رزق، نفخ صور، قبض ارواح، نگهداشتن انسان از شر هر صاحب شر، نفخ ارواح در اجنه و نوشتن تمام کیفیات آنها، نوشتن اعمال مکلفین، مواظبت از امور اهل آتش، بشارت دادن به مؤمنان در وقت مرگ و غیره.

3 - ایمان داشتن به وجود کتابهای سماوی:

ایمان داشتن به وجود کتابهای سماوی هم یکی از ارکان و فرائض ایمان میباشد. از نصوص دینی ما اینطور معلوم میشود که تعداد کتابهای سماوی به قدر تعداد رسولان سماوی است که ما مکلف ایم به همه آنها اجمالا ایمان داشته باشیم اما چهار کتاب منزل در قرآنکریم به

صراحت ذکر شده که ایمان تفصیلی بالای آنها واجب می‌باشد، این چهار کتاب عبارت اند از زبور که بر حضرت داود علیه السلام نازل شده، تورات که بر حضرت موسی علیه السلام، انجیل که بر حضرت عیسی علیه السلام و قرآن کریم که بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

در مورد صحائف بین علماء سه قول معروف وجود دارد:

الف - صد صحیفه وجود دارند که 60 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام، 30 صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام و 10 صحیفه بر حضرت موسی علیه السلام قبل از نزول تورات نازل شده است.

ب - صد صحیفه وجود دارند که 50 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام، 30 صحیفه بر حضرت ادريس علیه السلام، 10 صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام و 10 صحیفه بر حضرت موسی علیه السلام نزول یافته است (16: 247-251).

ج - صد و ده صحیفه وجود دارند که 50 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام و 30 صحیفه آن بر حضرت ادريس علیه السلام و 20 آن بر حضرت ابراهیم علیه السلام و در 10 صحیفه باقیمانده اختلاف وجود دارد برخی میگویند بر حضرت آدم علیه السلام نازل شده و برخی دیگری میگویند که بر حضرت موسی علیه السلام نازل گردیده اند. اما نظر صائب آنست که از حصر عدد صحائف جلوگیری شود.

4 - ایمان داشتن به بعثت انبیاء و رسل الهی علیهم السلام:

بر هر مؤمن مکلف فرض است بطور اجمال به بعثت تمام انبیاء و رسل علیهم السلام ایمان داشته باشد. برخی علمای عقاید اسلامی نبی و رسول را اسماء مترادف و دارای معنی واحد دانسته و اینطور تعریف نموده اند: نبی و یا رسول عبارت از آن فرستاده الله جل جلاله بوده که بر او وحی و الهام صورت گرفته برابر است که دارای کتاب و شریعت جدید باشد و یا خیر. ولی برخی علماء بین نبی و رسول فرق قایل شده و چنین تعریف کرده اند: نبی عبارت از آن فرستاده الله جل جلاله است که بر او شریعت وحی شده باشد برابر است که به تبلیغ ان مأمور شده باشد و یا نه و رسول عبارت از آن فرستاده الله جل جلاله است که بر او شریعت نازل شده باشد و هم مأمور به تبلیغ آن گردیده باشد.

بنابر این تعریفات نبی عام و رسول خاص می‌باشد. نظر به حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم که حضرت ابوذر غفاری آنرا روایت کرده تعداد انبیاء در حدود یکصد و بیست هزار تن

بوده در حالیکه تعداد رسل سه صد و سیزده نفر میباشند.

5 - ایمان داشتن به روز آخرت:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد بر اینکه بعد از مرگ دوباره زنده شدن حق است و روز قیامت قائم میشود که در آن روز تمام حسنات و سیئات مردم محاسبه شده و محاکمه الهی انجام میشود، متقیان به فضل الله جل جلاله به جنت برده میشوند و کافران به اساس عدل الهی رهسپار دوزخ میگردند.

6 - ایمان داشتن به قضاء و قدر:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد براینکه امور اعم از خیر و شر از جانب الله جل جلاله مقدر شده و طبق تقدیر الهی بوقوع می پیوندند. خالق اعمال بندگان الله جل جلاله بوده و کاسب آن خود بندگان میباشند. انسان فاعل مختار اعمال خود میباشد.

7 - زنده شدن بعد از مرگ:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد که مرگ انسان پایان زندگی او نبوده بلکه در حقیقت پلی است که انسان را از زندگی فانی این دنیا به زندگی جاوید و مخلد آخرت منتقل میسازد. انسان بعد از مرگ و اینکه مرحلهٔ برزخ که حائلی است بین دنیا و آخرت سپری شود دوباره زنده میشود و بعد از محاسبهٔ اعمال راهی یکی از این دو سرای (جنت یا دوزخ) میگردند و در آنجا ها برای دایم باقی میمانند.

تمرین



- 1 - اهمیت اعتقاد داشتن به ارکان هفتگانه ایمان را توضیح مختصر دهید.
- 2 - صفات ثبوتیه الله جل جلاله را به دسته های مربوطه آن تقسیم نموده و بعد هر کدام آنرا اجمالاً بیان کنید.
- 3 - صفات سلبيه ویا پنج صفت دیگر الله جل جلاله را نام گرفته و هر یک را مختصراً شرح کنید.
- 4 - راجع به اسمای حسنی الله جل جلاله چه میدانید؟ توضیح دهید.
- 5 - خصوصیات، تعداد و وظائف ملائکه را به اختصار بیان دارید.
- 6 - راجع به تعداد کتب و صحائف سماوی در صنف جرو بحث نمایید.
- 7 - بعد از تعریف نبی و رسول تعداد آنها را طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کنید.
- 8 - اعتقاد به روز آخرت را با کمی تفصیل توضیح دهید.
- 9 - راجع به قضاء و قدر که یکی از موضوعات بحث انگیز علم عقاید اسلامی است طی کار گروهی به کمک مدرس محترم مضمون معلومات کاپی ارائه کنید.
- 10 - برای پیشبرد درس از منابع معتبر و مواد درسی مناسب استفاده نمایید.

درس چهارم



ایمان داشتن به مغیبات

اهداف:

- 1 - معرفی مختصر مغیبات.
- 2 - معرفی مختصر جن، شیاطین، قلم، روح، عرش و کرسی.
- 3 - معرفی مختصر روح، نفس، عقل، پل صراط، جنت و دوزخ.

منظور از مغیبات عبارت از آن چیز های است که در عالم غیب وجود دارند و ما قادر نیستیم آنرا ببینیم و یا راجع به آن بدون سمع و شنیدن نصوص دینی معلومات دهیم. از جمله این امور غیبی یکی هم فرشتگان است که موجودات مقرب الهی بوده و از چشمان ما غایب میباشند و ما در درس گذشته راجع به آنها معلومات مختصر ارائه نمودیم و برخی دیگر این چنین امور را ذیلاً به اختصار بیان میداریم:

جن:

جن در لغت به معنی استتار و پوشیده گی است و در اصطلاح شریعت اسلامی عبارت از آن موجوداتی اند که به چشم دیده نشده و ما از طریق حس و تجربه به آنها دست یافته نمیتوانیم، از آتش آفریده شده و موجودات مکلف میباشند. ما از لحاظ دینی مکلف ایم تا به وجود جن ایمان داشته باشیم و منکر وجود آنها از دایره اسلامی بیرون میباشد. جن ها دارای صفات ذیل میباشند:

- الف- آنها قبل از پیدایش حضرت آدم علیه السلام خلق گردیده اند.
- ب- آنها توالد و تناسل نموده و دارای ذریه میباشند.
- ج- ما جنها را دیده نمیتوانیم در حالیکه آنها میتوانند ما را ببینند.
- د- آنها موجودات مکلف اند و دارای اراده، اختیار، علم و معرفت میباشند.
- ه- آنها هم در مورد پذیرش عقیده به ادیان سماوی مختار اند، برخی آنها کافر و دیگری مؤمن میباشند.
- و- آنها در روز آخرت مانند انسانها مورد محاسبه الهی قرار میگیرند.
- ز- آنها دارای قدرت فوق العاده بوده، در بحر ها شناوری کرده و عمارتهای بزرگ را

ساخته می‌توانند.

ح- آنها در گذشته از فرشتگان در آسمانها استراق السمع میکردند ولی آهسته آهسته ساحة رفت و آمد آنها محدود شده در زمان حضرت عیسی علیه السلام از سه آسمان منع کرده شدند و با بعثت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آنها از تمام آسمانها ممنوع ساخته شدند (1010: 27).

ط- آنها قادر اند به اشکال مختلف خود را در بیاورند و در بعض اوقات قابل دید میباشند و بر انسانهای عالم و نیکوکار تسلط پیدا کرده نمیتوانند. قرآنکریم در زمینه چنین

میفرماید: وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي (1: ابراهیم، 22).

شیطان:

معنای لغوی شیطان تمرد، بُد و یا هلاک است، چه شیطان از رحمت پرودگار بعید بوده و یا هم نهایت کارش به هلاک میرسد. هدف از شیطان در اینجا ابلیس بوده که خود از جمله جنها میباشد. چون شیطان از جمله جنها است پس بسیاری از صفات و خصوصیات جنها را دارا میباشد اما در برخی صفات با جنها متفاوت است مثلاً در بین شیاطین مؤمن به دین سماوی وجود ندارد، وظیفه آنها گمراه ساختن انسانها است، در آخرت مورد محاکمه الهی قرار گرفته ولی فیصله الهی قبلاً معلوم میباشد. شیطان دارای قدرت و نفوذ بیشتری در وجود انسانهای ضعیف الایمان میباشد.

قلم:

قلم یک موجود الله جل جلاله است که توسط آن تمام مقادیر روی لوح نوشته شده است. در مورد اولین مخلوق الهی که آیا قلم است و یا عرش؟ بین علمای عقاید اسلامی اختلاف وجود دارد، تعدادی قلم را اولین مخلوق دانسته و حدیث معروف پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را که در سنن ابی داود ذکر است در این رابطه می آورند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللهُ الْقَلَمَ». اما علمای دیگر عرش را اولین مخلوق میدانند و به این حدیث پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم تمسک مینمایند: «كَتَبَ اللهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (صحیح مسلم: 300 / 2). این دسته علماء، حدیث مربوط به قلم را بر این حمل میکنند که قلم اولین مخلوق این عالم است نه آن عالم.

چنانچه در برخی احادیث ذکر میشود الله جل جلاله قلمهای متفاوتی را خلق کرده: مهمترین همه اقلام قلمی است که راجع به آن قبلاً بحث گردید، قلم دیگری وجود دارد مخصوص بنی آدم که توسط آن رزق ها، اجلها، سعادت و شقاوت اولاد آدم تحریر میشود. قلم دیگر مخصوص اجنه است که توسط آن حالات مختلف یک جنین نوشته میشود. قلم دیگر مخصوص ملائکه کرام الکاتبین است که آنها توسط این قلم تمام اعمال یک شخص را بعد از بلوغ مینویسند.

لوح:

لوح هم مانند قلم یک مخلوق پرودگار است که الله جل جلاله همه کیفیات مخلوقات را توسط قلم روی آن تحریر میکند. طبق حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم لوح محفوظ از مروارید سفید ساخته شده که دو وقایه آن از یاقوت سرخ میباشد، قلمش نور بوده و عرض آن بین آسمان و زمین میباشد.

عرش:

عرش در لغت به معنای سریر و تخت پادشاه است و در اصطلاح یک موجود و مخلوق الله جل جلاله بوده که فرشتگان آنرا حمل نموده و حیثیت سقف بر مخلوقات را دارد.

کرسی:

کرسی هم یک مخلوق الله جل جلاله بوده که در پیشگاه عرش قرار دارد و بر تمام آسمانها و زمین وسعت و گسترش یافته است، در برخی قولها کرسی جای قدمها ذکر شده اما در برخی قولهای دیگر کرسی زینه ای است که در پیشروی عرش قرار دارد.

روح:

راجع به روح جروبجتهای زیادی صورت گرفته، برخی آنرا جسم و برخی آنرا عرض و تعدادی در مورد آن اظهار بیخبری نموده اند. عده ای از علماء روح را عبارت از اعتدال طبائع چهارگانه دانسته، از نظر برخی روح عبارت از خون صاف بدون عفونت ذکر شده و هم عده ای آنرا جوهر بسیطی دانسته اند که در تمام عالم حیوانی شایع میباشد. خلاصه اینکه روح مخلوق و مامور پروردگار بوده و به ماهیت آن جز الله جل جلاله کس دیگری نمیداند.

نفس:

در مورد نفس هم این اقوال وجود دارند: نفس جزئی از اجزاء بدن است، نفس عرضی از اعراض بدن است، جوهر مجرد است، روح است، و بالاخره نفس جسم نورانی، خفیف، زنده متحرک است که در جوهر اعضاء چنان انتقال و سریان می یابد مانند سریان آب در گل و یا سریان روغن در زیتون و این سریان تا زمانی ادامه پیدا میکند که اعضاء فاسد نشده باشد.

عقل:

عقل عبارت از غریزه ای است که در صورت سلامت آلات سبب کسب علم میشود، یا عبارت از قوه نفس است که بواسطه آن نفس برای کسب علوم و ادراکات آماده میشود.

پل صراط:

صراط در لغت به معنای طریق و راه است و در اصطلاح شریعت صراط به آن طریقی گفته میشود که از طرف شارع در دنیا برای انسانها وضع شده تا همه به آن راه بروند و یا هم صراط مربوط به آخرت بوده و به آن پلی اطلاق میشود که روی آتش دوزخ گذاشته میشود و همه مردم به عبور از آن آماده میگردند، مومنان این پل را به آسانی و سرعت می پیمایند ولی کافران از آن در آتش جهنم سقوط مینمایند. حدیثی که از نبی کریم صلی الله علیه وسلم روایت شده پل صراط باریکتر از موی و تیزتر از شمشیر میباشد، پیامبر صلی الله علیه وسلم اولین کسی است که با امت خود از آن پل عبور میکند (16: 438-441).

جنت:

جنت از ماده «جن» و به معنای ستر و پوشیدگی است که زمین آن هم توسط گلها و درختان پوشیده شده است و در اصطلاح شریعت عبارت از آن سرایی است که در آخرت برای بندگان مومن و صالح آماده شده است. از نظر جمهور اهل سنت جنت و دوزخ هر دو مخلوق و فعلاً موجود میباشدند. جای جنت بالاتر از آسمان هفتم و سقف آن عرش الله جل جلاله است، طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم او اولین کسی است که داخل جنت میشود، قرآنکریم راجع به صفات و میوه های جنت به تفصیل سخن گفته است.

دوزخ:

دوزخ عبارت از آن محلی است که برای کافران و گنهگاران آماده شده و دارای هفت طبقه و درک میباشد: جهنم، سعیر، لظى، سقر، جحیم، هاویه و حطمه. طبق حدیث رسول کریم صلی الله علیه وسلم اگر صخره بزرگی در دوزخ رها گردد در هفتاد سال هنوز به قعر آن نمیرسد.

طعام اهل دوزخ یا زقوم (درخت دوزخ) یا ضریع (نبات خاردار) و یاهم غسلین (آب و ریمی از بدن دوزخیان) میباشد. راجع به چگونگی و انواع عذابهای دوزخ در قرآنکریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم تذکر بعمل آمده است.

تمرین



- 1 - وجه تسمیة مغیبات را به این اسم بیان دارید.
- 2 - معنای لغوی و اصطلاحی جن را با خصوصیات آن توضیح دهید.
- 3 - معانی شیطان را ذکر نموده و تفاوت‌های آنرا با جن شرح کنید.
- 4 - در رابطه با اولین مخلوق الله جل جلاله چه میدانید؟ با انواع اقلام وضاحت دهید.
- 5 - لوح، این موجود و مخلوق الهی را معرفی کنید.
- 6 - عرش و کرس را در روشنی احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم مورد جروبحث قرار دهید.
- 7 - روح، نفس و عقل را تعریف و اختلاف علماء را در زمینه بیان دارید.
- 8 - پل صراط، جنت و دوزخ را طبق آیات کریمه و احادیث نبویه معرفی نمایید.



درس پنجم

عبادات و معاملات

اهداف:

- 1 - معرفی مختصر مسایل مرتبط به عبادات چهارگانه شریعت اسلامی.
- 2 - معرفی نظام خانوادگی، نظام میراث و معاملات مشهور شریعت اسلامی.
- 3 - معرفی نظام جنایی شریعت اسلامی با ذکر مختصر ادله شرعی.

عبادات:

در دین مقدس اسلام بعد از اعتقادات توجه به بخش عبادات صورت میگیرد، ایمان بیشتر جنبه اعتقادی و باوری دارد در حالیکه اسلام بیشتر جنبه عملی را در بر میگیرد و پنج امری که جنبه عملی آن قویتر است پنج بنای اساسی اسلام را میسازند، آنها عبارت اند از: اعتقاد و به زبان گفتن کلمه طیبه (لا اله الا الله محمد رسول الله)، برپا کردن نماز، گرفتن روزه در ماه رمضان، دادن زکات از نصاب معین، رفتن به ادای حج بیت الله شریف برای کسانی که استطاعت آنرا داشته باشند. در کتب فقهی چهار بنای اخیر اسلام را به تفصیل شرح و توضیح میکنند که برخی نکات اساسی هر کدام آنها ذیلاً ذکر میشود:

- 1 - برخی نکات اساسی نماز:
- انواع نمازها (نمازهای پنج وقت، نماز جمعه، نمازهای عیدها، نماز جنازه، نمازهای سنت، نمازهای نفلی).

- طرز ادای نمازهای مختلف.

- شروط ادای نماز.

- فرضها، واجبات و سنن نماز.

- فواید نماز جماعت.

- بیان فلسفه و حکمت ادای نماز.

- اثر نماز در تهذیب نفسها.

- 2 - برخی نکات اساسی گرفتن روزه:

- شرح انواع روزهها.

- چگونگی گرفتن روزه.

- حکمت و فلسفه فرضیت روزه.

- روزه در ادیان سماوی گذشته.

3 - برخی نکات اساسی زکات:

- شرح انواع نصابها.

- شرح مقادیر زکات در نصابهای مختلف.

- مصارف زکات (مستحقین اخذ زکات).

- حکمت و فلسفه فرضیت زکات.

- جایگاه زکات در نظام مالی اسلام.

4 - برخی نکات اساسی ادای حج:

- ادای حج بر کدام اشخاص فرض میباشد؟

- چگونگی ادای فریضة حج.

- حج قبل از اسلام

- حکمت و فلسفه فرضیت حج.

- حج بعنوان اجتماع سالانه مسلمانان جهان.

نظام خانواده:

- خطبه (خواستگاری).

- عقد ازدواج.

- ارکان عقد ازدواج.

- شروط عقد ازدواج.

- حقوق و امتیازات زوجین در برابر یکدیگر.

- وجایب و مسئولیتهای زوجین در برابر یکدیگر.

- چگونگی حل مشکلات احتمالی بین زوجین توسط حکمها.

- فسخ عقد ازدواج.

- تفریق.

- خلع.

- وقوع طلاق با انواع مختلف آن.

- سپری کردن عدت در حالات مختلف.

تعدد زوجات:

- سیر تاریخی تعدد زوجات.
- تعدد زوجات در شریعت اسلامی.
- حکمت و فلسفه مشروعیت تعدد زوجات.
- مقام زن در شریعت اسلامی.
- مقام زن از دیدگاه قرآن کریم.
- مقام زن از دیدگاه احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم.
- حقوق و امتیازات زن در شریعت اسلامی.
- وجایب و مسئولیتهای زن در شریعت اسلامی.

نظام میراث در شریعت اسلامی:

- شرح و معرفی ذوی الفروض.
- شرح و معرفی عصبات.
- شرح و معرفی ذوی الارحام.
- شرح احوال مستحقین میراث.
- حقوقی که بر متروکه تعلق میگیرد.
- چگونگی صورت مسأله و حل آن.

معاملات:

در فقه شریعت اسلام بعد از شرح مطالب مربوط به عبادات مسایل مربوط به معاملات شرح و توضیح مفصل میگردند که در ذیل برخی انواع معاملات را صرف نام میبریم:

- بیع و شراء.
- اجاره.
- مزارعت.
- مساقات.
- مغارسه.
- شرکتهای.

- مضاربت.
- حواله.
- ضمانت و كفالت.
- وكالت.
- ارکان هریک از معاملات.
- شروط هر یک از معاملات.
- صلح و حل منازعه ناشی از معاملات.
- حکمت و فلسفه مشروعیت معاملات.

جنایات:

- جنایت بر دین.
- جنایت بر نفس.
- جنایت بر مال.
- جنایت بر عرض و آبرو.
- جنایت بر عقل.
- شرح حالات مختلف هر یک از جنایات.
- عقوبات و جزاهای مرتبه بر هر کدام از جنایات.
- قصاص در نفس.
- قصاص در مادیون نفس.
- دیات.
- كفارات.
- جلد (دره).
- تعزیرات.
- اعدام.
- حبس.
- جزاهای مالی.
- تشهیر.

اصول و ادله اتفاقى فقه اسلامى:

- كتاب الله.
- سنت نبوى صلى الله عليه وسلم.
- اجماع امت.
- قياس.

اصول و ادله اختلافى فقه اسلامى:

- مصالح مرسله.
- سد ذرايع.
- استحسان.
- استصحاب الحال.
- عرف.
- قول صحابى.
- شرايع قبلى.

تمرین



- 1 - در دین مقدس اسلام چرا ابتدا اعتقادات و بعد عبادات و معاملات دارای اهمیت میباشند؟
با دلیل توضیح دهید.
- 2 - موضوعاتی که در بخش عبادات توضیح میگردد مهمترین آنها را نام ببرید.
- 3 - نظام خانوادگی دین مقدس اسلام را مختصراً معرفی کنید.
- 4 - در علم میراث فهم کدام موضوعات اهمیت زیاد دارد؟ توضیح دهید.
- 5 - حکمت مشروعیت تعدد زوجات را بطور مستدل بیان دارید.
- 6 - جایگاه و مکان زن را در شریعت اسلامی در صنف جرو بحث کنید.
- 7 - معاملات مشهور را با نظام جنایی شریعت اسلامی مختصراً شرح نمایید.
- 8 - ادلهٔ اتفاقی و اختلافی فقه اسلامی را در کار گروهی معرفی کنید.

فصل هشتم

چگونگی مقارنه ادیان

درس اول



مقارنهٔ ادیان بزرگ جهان

اهداف:

- 1 - مقایسه و مقارنهٔ نظریات ادیان مختلف در مورد وجود متعالی، حلول و تولد فوق طبیعی مؤسسان هر دین.
- 2 - مقایسه و مقارنهٔ نظریات ادیان مختلف در مورد کتب دینی، معجزات و نظام اخلاقی هردین.
- 3 - مقایسه و مقارنهٔ نظریات ادیان مختلف در مورد جهانی شدن و زندگی بعد از مرگ.

در این درس ادیان بزرگ جهان را در برخی اصول اساسی دینی به مقایسه و مقارنهٔ میگیریم، این مقایسه و مقارنهٔ نه تنها به اساس آن معلوماتی بنا یافته که در کتاب حاضر جمع آوری شده بلکه در مجموع و کل وضع دینی ادیان معروف و بزرگ جهان در نظر گرفته شده مقایسه و مقارنه صورت میگیرد:

1 - وجود متعالی :

در دین هندویی به معبودان متعددی دینی عقیده وجود دارد و در نتیجه به سه خدا معتقد شده اند. و از نظر یک تعداد محققین هندی صرف یک معبود وجود دارد، از نظر آنها بین خدا و مخلوق وحدت وجود بر قرار است که خدا در همه اشیاء متظاهر و متجلی است پس هر چیز مقدس و قابل عبادت است (35: 22).

در دین لائوتسه به ارواح نیاکان اهمیت داده شده و از انتظام عالمی (تائو) بحث شده است. در دین زرتشت به ثنویت اعتقاد وجود دارد (یزدان و اهریمن) که بعدها در رأس هر دوی آنها از خدای واحد بنام اهورامزدا صحبت بمیان آمده است. در ادیان بودایی و جایی از کدام خدا و معبود خاصی ذکر نمی‌نماید اما در مراحل بعدی مؤسسین آن ادیان (بودا و مهاویرا) حیثیت معبودان را بخود گرفته اند.

در دین کنفوسیوس از معبود واحد بنام حاکم و بعضاً عرش و یا آسمان صحبت شده، در این دین علاوه از پرستش امپراتور پرستش ارواح طبیعت و نیاکان نیز مطرح میباشد. دین یهودیت به خدای یهوه اعتقاد دارد در حالیکه دین مسیحیت به اقا نیم سه گانه (اب، ابن و روح القدس) معتقد میباشد، دین مسیحیت در وقت وجود حضرت عیسی ابن مریم به

موجودیت خدای واحد اعتقاد راسخ داشته است.

در دین مقدس اسلام به وجود الله واحد که دارای صفات و اسمای متعدد است عقیده وجود دارد.

2 - حلول خدا در اشیای دیگر:

در دین بودا این حلول از نظر پیروان آن در وجود بودا صورت گرفته است. و همچنان از نظر پیروان دین جایی حلول خدا در مهاویرا بوقوع پیوسته است. در دین مسیحیت کنونی این حلول در وجود عیسی علیه السلام به شکل منحصر به فرد آن انجام شده است.

در دین مقدس اسلام به هیچ نوع حلول الهی اعتقاد وجود ندارد، از نظر این دین همه موجودات مخلوق الله جل جلاله بوده و او تعالی خالق و پروردگار همه موجودات میباشد.

3 - در مورد تولد غیر طبیعی مؤسس:

از نظر پیروان دین زرتشت مؤسس این دین (زرتشت) از یک باکره 15 ساله بطور فوق طبیعی متولد شده و این شیوه در سه رهبر بعدی دین زرتشتی نیز بمشاهده میرسد. پیروان بعدی بودا نیز بر بنای صراحت برخی اسناد دینی آنها معتقد اند که بودا در اثر رؤیای الهام گونه یک ملکه بحیث اولین فرزند او متولد شده است. در یکی از اسناد دینی دین جایی مهاویرا بگونه فوق طبیعی در رحم مادرش جا داده شده است.

و از همه جالبتر نظر یک سند دینی چینی است که هزار سال قبل از پیدایش لائوتسه نوشته شده و در آن لائوتسه به شکل یک فیلسوف، حکیم و پیر مرد با هوشی که موهای سفید دارد و بعد از 72 یا 81 سال حمل در رحم مادرش، به دنیا آمده، به تصویر کشیده شده است. در مورد حضرت عیسی علیه السلام نظر اکثریت مسیحیان اینست که او فرزند یوسف نجار و حضرت مریم علیهما السلام میباشد و برخی از آنها به تولد فوق طبیعی وی عقیده دارند. اما دین مقدس اسلام به صراحت اعلام میدارد که حضرت عیسی پسر مریم است و الله جل جلاله توسط ملک روح خود را در گریبان حضرت مریم نفخ نموده و حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر بدنیا آمده است چنانچه قرآن کریم در سوره مبارکه آل عمران درین زمینه چنین صراحت دارد: « إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (45) وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا

وَمِنَ الصَّالِحِينَ (46) قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (47) وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (48)».

4 - تایید توسط وحی خداوندی:

تقریباً در اکثریت ادیان وضعی بزرگ و فعال دنیای کنونی این ادعا وجود دارد که این ادیان در نتیجه صرف نظریات انسانی بمیان نیامده بلکه هر کدام آنها به وحی الهی نیز تایید و تصدیق شده است.

از نظر ما ادیان عالم بدو دسته تقسیم میشود، یکی ادیان سماوی و دیگری ادیان موضوعه. ادیان سماوی از حضرت آدم علیه السلام گرفته تا خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم همه توسط وحی الهی تایید و تصدیق شده و اساس آنها را در تمام ابعاد اعتقادی، اخلاقی و عملی، وحی الهی تشکیل میدهد. ادیان یهودیت و مسیحیت فعلی در این ادیان شامل نمیباشند. ادیان بنی اسرائیل و دین مسیحی در وقت موجودیت پیامبران مربوطه ادیان سماوی گفته میشود ولی بعد از آنها دستخوش تحریفات و تغییرات شده و ارزش سماوی بودن خود را از دست داده اند.

و اما ادیان موضوعه هیچکدام دارای پیامبر الهی نبوده و اساس آنها را نظریات بشری خود مؤسسين آنها تشکیل میدهد نه وحی سماوی و الهی.

5 - داشتن کتاب دینی:

در مورد کتاب دینی نیز گفته میتوانیم که اکثریت ادیان فعال عصر حاضر خود را دارای یک متن مقدس میدانند چنانچه کتب ذیل به ادیان مختلف ذیل نسبت داده شده اند: وداها (دانش) مربوط به دین هندویی، تری پیتاکا (سه سبد) تعالیم مربوط به دین بودا، آنگه ها (متن) های معرفت مربوط به دین جایی، اوستا (کتاب شناخت) مربوط دین زرتشت، تائوتسه کینگ (قانون خرد و فضیلت) مربوط دین لائوتسه، پنج متن کلاسیک و چهار کتاب مربوط دین کنفوسیوس، کوچی کی (تحریرهای مسائل قدیمی) و ینهون جی (حوادث روزهای جاپان) مربوط دین شینتو، گرانت (کتاب) مهم مربوط دین سکهی، کتاب قانون (کتاب پیامبران و نوشته ها) یا عهد قدیم مربوط دین یهودیت کنونی، عهد جدید مربوط به دین مسیحیت کنونی، و قرآنکریم (مجموعه خواندنی نیکو) مربوط دین مقدس اسلام.

6 - موجودیت معجزات:

تقریباً در تمام ادیان فعال عصر حاضر گفته میشود که مؤسسين این ادیان دارای برخی معجزات و امور خارق العاده بوده اند. بطور نمونه گفته میشود که: پیروان بعدی دین زرتشت معتقد اند که زرتشت ملخها، عنکبوتها و سایر حیوانات ضرر رسان را تحت کنترل خود

داشته و امراض را معالجه نموده و با گرگها و سایر حیوانات موذی مقابله درست مینمود، و تولد فوق طبیعی زرتشت.

پیروان بودا نیز در مورد بنیاد گذار دینی خود ادعا دارند که او پنجصد نفر را بدون هیچگونه آمادگی قبلی از غذا سیر نمود، او در وقت کم بدون کشتی از دریای گنگا عبور کرد و با یک نظر زن مریض را شفا داد.

ما مسلمانان به موجودیت معجزات، صرف در حق پیامبران الهی معتقد میباشیم که قرآن کریم از وقوع برخی این معجزات بدستان پیامبران علیهم السلام صحبت نموده مانند ناقهٔ حضرت صالح علیه السلام، عصا و ید حضرت موسی علیه السلام، شق قمر حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و سایر معجزات، ولی آنچه که در مورد مؤسسين سایر ادیان که ادیان موضوعه گفته میشوند گذارش یافته دور از حقیقت بوده و یک ادعای محض میباشد.

7 - وجود نظام اخلاقی:

تقریباً اکثر ادیان فعال کنونی خود را دارای نظامهای اخلاقی دانسته اند که بعد از توجه و دقت زیاد معلوم میشود که دین مقدس اسلام و سایر ادیان سماوی دارای نظامهای اخلاقی کامل میباشند.

8 - جهانی شدن:

نظریهٔ جهانی شدن در دین بودایی، دین مسیحیت و دین مقدس اسلام قویاً وجود دارد، این نظریه در کتب دینی این ادیان مطرح شده است. نظریهٔ جهانی شدن در ادیان جایی، یهودی و زرتشتی به شکل تاریخی در کتب دینی شان ملاحظه شده ولی بعدها این نظریه ضعیف شده و بالاخره از میان رفته است.

نظریهٔ جهانی شدن در متون دینی دین هندو، کنفوسیوس و شینتو بچشم نمیخورد ولی عملاً برخی اوقات تلاشی مبنی بر جهانی شدن آنها صورت گرفته است. اما این نظریه در ادیان لاتوتسه و سیکهی اصلاً مطرح نبوده است.

9 - زندگی بعد از مرگ:

تقریباً تمام ادیان جهان معاصر به تداوم زندگی بعد از مرگ تاکید دارند اما نحوهٔ تداوم این زندگی از نظر هر کدام آنها متفاوت میباشد (42: 367-380).

تمرین



- 1 - اعتقاد به وجود معبود در ادیان مختلف چگونه است؟ با اختصار شرح دهید.
- 2 - از نظر شما وحدانیت واقعی در کدام یک از ادیان معاصر وجود دارد؟ مشخص سازید.
- 3 - نظریهٔ حلول و وحدت وجود را توضیح نموده و طرز تفکر اسلامی را در این مورد بیان دارید.
- 4 - در مورد تولد فوق طبیعی مؤسسان ادیان مختلف معلومات داده و نظر قرآن کریم را در مورد ذکر کنید.
- 5 - کتب دینی ادیان مختلف معاصر را صرف نام ببرید.
- 6 - وضع معجزات در ادیان مختلف را شرح و نظر دین مقدس اسلام را در مورد مشخص سازید.
- 7 - نظام اخلاقی اسلام را با نظامات اخلاقی سایر ادیان مقایسه کنید.
- 8 - جهانی شدن یعنی چه؟ و اعتقاد ادیان مختلف را در مورد زندگی بعد از مرگ بیان دارید.



درس دوم

عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با ادیان وضعی

اهداف:

- 1 - تشخیص عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین هندویی.
- 2 - تشخیص عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین بودایی.
- 3 - تشخیص عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین زرتشت.

اگر چه اکثریت نویسندگان کتب مقارنهٔ ادیان، دین مقدس اسلام را با ادیان وضعی مقارنه و مقائسه نموده اند اما به نظر اینجانب این مقارنه لزوم چندانی ندارد، چه دین مقدس اسلام یک دین سماوی و الهی است و ادیان وضعی بدستان افراد و اشخاص وضع و تاسیس شده اند، بنابر آن لزوم مقارنه در بین آنها دیده نمیشود، ما چه چیز و کدام وجه مشترک بین دین مقدس اسلام و ادیان وضعی را به مقارنه و مقائسه بگیریم؟

ما درین درس عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام را با برخی ادیان وضعی بطور نمونه پیگیری مینماییم.

عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین هندویی:

چون دین مقدس اسلام یک دین سماوی بوده و دین هندویی یک دین وضعی است پس بعد از توجه و دقت در هر دو دین بوضاحت فهمیده میشود که در بین این دو دین اصلاً هیچ وجه مشترکی وجود ندارد. نظر دین اسلام در مورد انبیاء علیهم السلام اینست که الله جل جلاله برای هر قوم به زبان خود شان پیامبری ارسال میکند و این سلسله از حضرت آدم علیه السلام شروع شده و به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خاتم انبیاء پایان یافته است در حالیکه در دین هندویی اصلاً پیامبری وجود ندارد و حتی مؤسس آن نیز معلوم نمیشد و به اساس روایات کتب ویدایی و سایر متون کتب بشری استوار میباشد.

در دین اسلام عرب بر عجم، سفید بر سیاه، غنی بر فقیر امتیاز ندارد، معیار کرامت و فضیلت تقوی یک شخص میباشد در حالیکه در دین هندویی تناقضات طبقاتی به اوج خود رسیده است.

در دین اسلام به وجود خدای واحد عقیده وجود دارد در حالیکه در دین هندویی شرک و

چندگانه پرستی مطلق وجود دارد.

در دین اسلام نظام اعتقادی خاصی وجود دارد که بدون ابهام بیان شده در حالیکه در دین هندویی تضاد صریحی در بین عقاید موجود میباشد، در دین مقدس اسلام نفرت کردن یک قوم از قوم دیگر به صراحت رد شده و گفته میشود که شاید قوم مورد نفرت از قوم نفرت کننده خوبتر باشد در حالیکه در دین هندویی تنفر یک قوم نسبت به قوم دیگر وجود دارد. در دین مقدس اسلام برای عبادت الله جل جلاله به کدام واسطه و قوهٔ دیگری ضرورت دیده نمیشود در حالیکه در دین هندویی بتها بین خدا و انسان و ساطت کرده و یک دین شرکی میباشد.

در دین مقدس اسلام قربانی انسان وجود ندارد در حالیکه در دین هندویی همواره از قربانی انسانی سخن بمیان می آید.

دین مقدس اسلام در بخشهای اخلاقی، سیاسی، خانوادگی، اقتصادی و غیره دارای نظامهای خاصی میباشد در حالیکه در دین هندویی نظامهای خاصی در این موارد دیده نمیشود و بر بنیاد رسوم و تقالید بی اساس استوار است.

در دین مقدس اسلام زن سهم معینی در میراث دارد در حالیکه در دین هندویی این سهم برای زن وجود ندارد.

دین مقدس اسلام یک دین جهانی است و روز بروز در جهان گسترش مییابد در حالیکه دین هندویی منحصر در سرزمین هندوستان میباشد.

در دین اسلام عقیده به تناسخ ارواح و حلول وجود نداشته در حالیکه در دین هندویی این دو عقیده از عقاید مرکزی و اساسی به شمار میروند.

در دین اسلام گاو و یا کدام حیوان دیگر مورد احترام و عبادت واقع نشده در حالیکه در دین هندویی گاو یک حیوان مقدس بوده و کشتن آن ناجایز میباشد. وتفاوتهای دیگر از این قبیل.

عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین بودایی:

- دین مقدس اسلام یک دین سماوی است در حالیکه دین بودایی یک دین وضعی میباشد.

- دین مقدس اسلام بر بنیاد تعالیم یک پیامبر الهی استوار است در حالیکه دین بودایی بر بنیاد تعالیم شخص بودا استوار میباشد که پیامبر الهی نیست.

- دین مقدس اسلام مخالف سر سخت گوشه نشینی و رهبانیت است در حالیکه دین بودایی رهبانیت را رهبری میکند.
 - در نظام دینی اسلام مرد متکفل نفقهٔ خانم و اولاد صغیر خود بوده در حالیکه بودا در سن 29 سالگی خانم و یگانه فرزندش را رها کرده و خود راهی دشت و صحراء شده است.
 - در دین اسلام کاسب دوست الله است و خیرات خواستن زشت و نا پسند میباشد در حالیکه در دین بودایی برای افراد و اشخاص اجازه داده شده تا خیرات را جمع آوری کرده و شکم خود را سیر نمایند.
 - در دین اسلام عقیدهٔ تناسخ ارواح مردود دانسته شده در حالیکه در دین بودایی عقیده تناسخ ارواح تبلیغ میگردد.
 - از همه مهمتر اینکه در دین مقدس اسلام به الله واحد عبادت صورت میگیرد در حالیکه در زمان بودا دین او فاقد ارزش متعالی و وجود خدا بوده و بعد از وی پیروان متعصب، او را بحیث معبود پذیرفته اند
 - در دین مقدس اسلام برای قربانی حیوانات ارزش خاصی وجود دارد در حالیکه در دین بودایی به قربانی حیوانات پشت پا زده شده است. و از این قبیل تفاوت‌های دیگر.
- عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین زرتشت:**
- دین مقدس اسلام به اساس وحی الهی و تعلیم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که هویت او بعنوان پیامبر معلوم است استوار میباشد در حالیکه دین زرتشت بر بنیاد تعلیم یک شخص مبهم بنام زرتشت بناء یافته که نزد یکتعداد او یک شخص افسانوی بوده و وجود واقعی نداشته است.
 - کتاب مقدس دین اسلام قرآنکریم کلام الهی است که از هر گونه تحریف و تغییر مصئون و محفوظ مانده است در حالیکه کتاب اوستا کلام انسانی است و با شروح آن چنان خلط شده که تفکیک آنها از هم نا ممکن گردیده است.
 - در دین مقدس اسلام به الله واحد عبادت صورت میگیرد در حالیکه در دین زرتشت به دو خدا (یزدان و اهریمن) اعتقاد وجود دارد و عبادت صورت میگیرد.
 - دین مقدس اسلام در تمام ساحات دارای نظامهای خاصی است در حالیکه دین زرتشت فاقد چنین نظامها بوده و بیشتر به رسوم و عادات استوار میباشد.
 - دین مقدس اسلام یک دین سماوی و جهانی است که در جهان رو به گسترش بوده در

حالیکه دین زرتشت یک دین وضعی و محدود قومی است که آهسته آهسته رو به انحطاط می‌رود. و تفاوت‌های دیگر.

تمرین:



- 1- موضوع عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام را با ادیان وضعی جرو بحث کنید.
- 2- ما چرا به عدم لزوم مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین هندویی حکم میکنیم؟
- 3- در مورد تفاوت‌های دین مقدس اسلام با دین بودایی چه میدانید؟ با اختصار شرح کنید.
- 4- دلایل عدم لزوم دین مقدس اسلام با دین زرتشت را وضاحت دهید.
- 5- مسألهٔ مقارنهٔ دین مقدس اسلام با ادیان وضعی را در تالیفات مربوط به ادیان جستجو نمایید.
- 6- در مورد استحکام بیشتر این درس از منابع و مواد درسی لازم استفاده کنید.



درس سوم

مقارنهٔ دین مقدس اسلام با ادیان سماوی

اهداف:

- 1 - ارائهٔ معلومات در مورد اصول و فروع ادیان سماوی.
- 2 - ارائهٔ معلومات در مورد اتحاد ادیان سماوی در امور اعتقادی.
- 3 - ارائهٔ معلومات در مورد مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنونی و دین مسیحیت کنونی.

چنانچه بار ها گفته شده تمام ادیان سماوی از دین حضرت آدم علیه السلام گرفته تا دین خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم در اصول اعتقادی، اصول عبادات، و اصول معاملات، باهم یکی بوده و کدام تفاوت در بین شان دیده نمیشود ولی در امور عملی و احکام فرعی، چگونگی اجرای عبادات و معاملات نظر به مقتضای عصر و زمان و امکانات عملی آن با هم تفاوت داشته است.

بطور مثال در دین حضرت آدم علیه السلام چون ضرورت شدید به نسل انسانی وجود داشته و هم حضرت آدم و حوا علیهما السلام اولین والدین انسانی در روی زمین بوده اند، نکاح برادر با خواهر خود جواز داشته مشروط بر اینکه هر دو دوگانگی یک بطن و حمل نبوده باشند، چه حضرت حوا علیهما السلام بیست بار حمل گرفت و در هر بار یک بچه و یک دختر دنیا آورد، حضرت آدم علیه السلام دختر بطن و حمل بعدی را به بچه بطن و حمل قبلی به ازدواج میداد، در حالیکه در شرایع سماوی بعدی ازدواج برادر با خواهر جوار نداشته است. در شریعت حضرت یعقوب علیه السلام به نکاح گرفتن دو خواهر در یک وقت جواز داشت چنانچه او دو دختر مامای خود را در حالیکه هر دو حیات بودند به ازدواج گرفته بود، نام یکی از آنها لیثه و از دیگر آنها راحل بود. و در زمان همین پیامبر جلیل القدر جزاء و حد شرعی عمل دزدی این بود که دزد باید بحیث غلام در ملکیت صاحب مال دزدی شده قرار میگرفت. و بهمین منوال است تفاوت در چگونگی عبادات، معاملات، عقوبات و سایر امور عملی و احکام فرعی.

اما در اصول دین هیچ تفاوتی بین ادیان سماوی وجود نداشته مانند اعتقاد به وجود الله واحد،

وجود انبیاء الهی، وجود کتابهای سماوی، وجود فرشتگان، وجود قضاء و قدر، وجود پل صراط، جنت، دوزخ، وجود جن و شیطان که این همه اصول مشترکی است بین تمام ادیان انبیای الهی مانند دین حضرت آدم، حضرت شیت، حضرت ادریس، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت زکریا، حضرت یحیی، حضرت عیسی و دین حضرت محمد مصطفی سلام الله علیهم اجمعین.

مقارنه دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنونی:

اگر به دین یهودیت از لحاظ تاریخی دقت صورت گیرد این دین دارای سابقه تاریخی مقدس بوده که به اساس تعلیم انبیاء کرام بنی اسرائیل استوار میباشد ولی وقتی که حالت کنونی این دین در نظر گرفته شود تفاوتهای ذیل در آن دو وجود دارند:

- دین اسلام دارای کتاب سماوی (قرآن کریم) بوده که مصئون از هر گونه تحریف و دستبرد انسانی میباشد ولی کتاب تورات یهودیت بدست مفسران آن چنان تحریف و مورد دستبرد قرار گرفته که اصلاً نمیشود به کتاب کنونی این دین کتاب سماوی گفت.
- دین اسلام یک دین جهانی است در حالیکه دین یهودیت کنونی یک دین مربوط به قوم یهود میباشد.
- دین اسلام به تمام انبیاء کرام الهی اعتقاد داشته در حالیکه دین یهودیت کنونی صرف به حضرت موسی و حضرت هارون علیهما السلام اعتقاد و باور داشته و سایر انبیای الهی را نه تنها بحیث انبیاء الهی نمی شناسد بلکه در مورد آنان سخنان ناشایسته را نیز ابراز میدارد.
- دین اسلام دین صلح، سلام و امن میباشد در حالیکه دین یهودیت کنونی دین ظلم، بی ثباتی و بی امنی است (20 : 667-677).

مقارنه دین مقدس اسلام با دین مسیحیت کنونی:

در ذیل به ذکر برخی معتقدات دین مسیحیت کنونی پرداخته میشود که تفاوت هر کدام آنها با معتقدات اسلامی به آسانی قابل فهم میباشد، ما در اینجا نامی از معتقدات اسلامی را در این موارد خاص نمیگیریم و این مقارنه را به خود محصلان واگذار میشویم.

نظام اعتقادی مسیحیت کنونی:

در این شکی نیست که حضرت مسیح عیسی ابن مریم علیهما السلام بنده و رسول الله بوده و دارای دین سماوی میباشد ولی بعد از رفع وی این دین مورد تحریف وسیعی قرار گرفت که

اینک ما نظام اعتقادی مسیحیت کنونی را ذیلاً معرفی میکنیم:

- 1 - اعتقاد به تثلیث (اب، ابن و روح القدس) ولی مسیحیان وحدانیت را در تثلیث و تثلیث را در وحدانیت میدانند.
- 2 - اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبهٔ الهی به حضرت عیسی علیه السلام سپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازهٔ بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد این محاسبه را انجام دهد.
- 3 - اعتقاد به اینکه حضرت عیسی علیه السلام بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم علیه السلام و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله جل جلاله پسر یگانهٔ خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت، او دفن شد و بعد از سه روز برخاسته و بسوی آسمان رفت.
- 4 - اعتقاد به ادای نماز در شکل تسبیح و شعر که عدد آن معلوم نبوده و به نماز صبح و شام تاکید بیشتر میشود.
- 5 - اعتقاد به گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت میگیرد.
- 6 - اعتقاد به تقدس صلیب که علامهٔ مسیحی بودن شخص میباشد.
- 7 - اعتقاد به غسل تعمید بعنوان وسیلهٔ طهارت از گناهان.
- 8 - اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.
- 9 - اعتقاد به حرام بودن ختنهٔ اطفال ذکور.
- 10 - اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.
- 11 - اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.
- 12 - اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتکب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیشود. اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد.
- 13 - اعتقاد به منع ارتداد (9: 489-492).
- 14 - اعتقاد به فروش کارتهای مغفرت از سوی کلیسا.
- 15 - اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.
- 16 - استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب و غذای که در روز 14 اپریل

(روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده شود البته به خون و گوشت حضرت عیسی علیه السلام به این معنی که شخص، تعلیمات او را بخود گرفته است. دین مسیحیت کنونی با داشتن اینگونه اصول اعتقادی از دین سماوی که بر پیامبر جلیل القدر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده بود به فرسخها فاصله گرفته است، چطور ممکن است این دین را سماوی گفت در حالیکه به اقانیم سه گانه معتقد است، نوشیدن شراب و خوردن سود را حلال میداند، و خوردن گوشت خنزیر را حلال میشمارد و اعتقادات دیگر از این قبیل.

تمرین



- 1 - اصول اعتقادی و احکام فرعی را در ادیان سماوی تشخیص دهید.
- 2 - اتحاد اعتقادی ادیان سماوی را بطور مدلل جرو بحث کنید.
- 3 - ادیان سماوی بعضاً در امور عملی و احکام فرعی باهم متفاوت بودند، این موضوع را با ذکر چند مثال واضح سازید.
- 4 - دین یهودیت را از لحاظ تاریخی و وضع فعلی آن با دین مقدس اسلام مقارنه کنید.
- 5 - اینکه دین اسلام دین صلح و امن است و دین یهودیت کنونی دین خشونت و بی امنی است طی کار گروهی ضمن مثالهای بیرونی توضیح نمایید.
- 6 - هر یک از اعتقادات دین مسیحیت کنونی را با اعتقادات اسلامی مقایسه کنید.
- 7 - از این درس نظام عملی دین مسیحیت کنونی را مشخص سازید.
- 1 - 8- اینکه دین مسیحیت کنونی یک دین سماوی گفته نمیشود با ذکر چند دلیل ثابت سازید.

مأخذ :

- 1 - قرآن کریم.
- 2 - ابراهیمی، محمد اسحاق. مراکز مهم آیین بودائی در افغانستان. کابل: 1384 ش.
- 3 - الاهوانی، احمد فواد. سپیده دم فلسفه یونانی. ترجمه عبدالمنان مددی. کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 1369 ش.
- 4 - آوی، رابرت. تاریخ مختصر فلسفه. ج 1. ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: کتابفروشی زوار، 1385 ش.
- 5 - باب الحوائجی، نصراله.. روح در قلمرو دین و فلسفه. تهران: چاپخانه پرچم، 1345 ش.
- 6 - بول ماسون، اورسبیل. الفلسفه فی الشرق. ترجمه محمد یوسف موسی. مصر: دارالمعارف بمصر، 1945.
- 7 - بازارگاد، بهاءالدین. تاریخ و فلسفه مذاهب جهان. کتاب اول. تهران: کتابفروشی اشراقی، 1346 ش.
- 8 - ترابی، علی اکبر. تاریخ ادیان. تهران: ... 1347 ش.
- 9 - جهنی، مانع بن حماد. شناخت ادیان و مذاهب جهان. ترجمه م. ط. عطایی. پشاور: دانش، 1386 ش.
- 10 - حبیبی، عبدالحی. تاریخ مختصر افغانستان. طبع سوم. پشاور: دانش کتابخانه، 1377 ش.
- 11 - حسن، حسن ابراهیم. تاریخ الاسلام. الجزء الاول. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، 1963.
- 12 - حکمت، علی اصغر. تاریخ ادیان. تهران: از نشرات کتابخانه ابن سینا، 1348 ش.
- 13 - الخربوطلی، علی حسینی. الرسول فی المدینة. مصر: المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، 1973.
- 14 - رضی، هاشم. نظامات مذهبی در جهان. تهران: چاپخانه سپهر، ب ت.
- 15 - رضی، هاشم. تاریخ ادیان بزرگ. تهران: انتشارات آسیا. 1344 ش.
- 16 - سعید، الخن و محی الدین دیب مستو. العقيدة الاسلامیة - ارکانها - حقائقها - مفسداتها. دمشق. حلبونی، 2006.
- 17 - سلجوقی، صلاح الدین. تجلی خدا در آفاق و انفس. کابل: مطبعة عمومی، 1384 ق.

- 18 - سموسه، احمد. العرب واليهود في التاريخ. دمشق: العربي للاعلان و النشر والطباعة، ب ت.
- 19 - شاله، فليسين. تاريخ مختصر اديان بزرگ. ترجمه منوچهر خدايار محبی. تهران: ظهوری، 1355 ش.
- 20 - شاهد، ایس. ایم. دن پيوالو مذهبونو پيښښه او د اديانو پرتله. ژباړه جمال الدين عرفان. پيښور: دانش خپرندويه پښتانه، ۱۳۸۶ ش.
- 21 - شايگان، داريوش. اديان و مکتبهای مذهبی هند. ج 1. تهران: دانشگاه تهران، 1346 ش.
- 22 - صابونی، محمد علی. تاریخ نبوت و انبیاء. ترجمه محمد ابرار فتحی غزنوی. پشاور: قصه خوانی، 1382 ش.
- 23 - طباره، عقیف عبد الفتاح. داستان پیامبران در قرآن. ترجمه ابوبکر حسن زاده. ایران: احسان، 1384 ش.
- 24 - الطنطاوی، علی. تعریف عام بدین الاسلام. ج 1. بیروت: الشركة المتحدة للتوزيع، 1970.
- 25 - غبار، غلام محمد. افغانستان به یک نظر. کابل: ... 1336 ش.
- 26 - فروغی، محمد علی. سیر حکمت در اروپا. ج 1. تهران: ... 1320 ش.
- 27 - قرطبی. الجامع لاحکام القرآن. ...
- 28 - کرم، یوسف. تاریخ الفلسفه اليونانیة. القاهرة: مطابع دارالمعارف بمصر، 1929.
- 29 - کرم، یوسف. تاریخ الفلسفه الحديثة. القاهرة: مطابع دارالمعارف بمصر، 1929.
- 30 - کهزاد، احمد علی. افغانستان در پرتو تاریخ. کابل: ...، ب ت.
- 31 - کبیر، جوزف. سرگذشت دینهای بزرگ. ترجمه ایرج پزشک نیا. تهران: سازمان کتابهای جیبی، 1340 ش.
- 32 - گوستا، لوبون. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. ایران: کتابفروشی اسلامیة، 1347 ش.
- 33 - گوستاف، لوبون. حضارات الهند. تعریب. عادل زعیترا. القاهرة: دار احیاء الکتب العربیة، 1948.
- 34 - میلر، و. م. تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران. ترجمه علی نخستین. تهران: ...، 1931.

- 35 -نائیک، ذاکر. تصور در مورد الله جل جلاله در ادیان مختلف . ترجمه محسن مهاجر. پشاور: میهن، 1387 ش.
- 36 الندوة العالمية للشباب الاسلامی . الموسوعة المیسرة فی الادیان و المذاهب ا لمعاصرة. الرياض: الندوة المذكورة، 1989.
- 37 -اندوی، محمد اکبر. التبادل الثقافی بین الهند و العرب . نیودلهی: آزاد بودان، 1990.
- 38 -النمر، عبد المنعم. تاریخ الاسلام فی الهند . مصر: دار العهد الجديد للطباعة، 1995.
- 39 -نورزایی، محمد ابراهیم. الهیات در علم کلام اسلامی . کابل: بانک جهانی، 1387 ش.
- 40 -نورزایی، محمد ابراهیم . نگاهی به اساسی ترین معتقدات ادیان جهان . کابل: بانک جهانی، 1387 ش.
- 41 -هیكل، محمد حسین. حیاء محمد. مصر: دارالقلم، 1960.
- 42 -هیوم، رابرت. ادیان زنده جهان . ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1369 ش.
- 43 -یکتایی، مجید. تاریخ تمدن و فرهنگ. تهران: انتشارات گوتنبرگ، ب ت.